



فصلنامه

مطالعات زبان و ترجمه

- ۱ بررسی دیدگاه مدرسان زبان انگلیسی و زبان آموزان در مورد نقش
زمان در آموزش و فرهنگ ایران
الهام ناجی میدانی - رضا پیشقدم - بهزاد قنصولی - آذر حسینی فاطمی
- ۲۳ تحلیل فمینیستی گفتمان و توازن قدرت در رمان شمال و جنوب اثر
الیزابت کاسکل بر پایه نظریه کنش‌های گفتاری جان سرل
سارا خزاعی - مریم سلطان‌بیاد - محمودرضا قربان‌صباغ
- ۴۵ مضمون «اگزیستانس و اگزیستانسیالیسم» در نزد شخصیت‌های
ژان-ماری گوستاو لولکزیو
وحید نژاد محمد
- ۶۷ فرآیند و ویژگی‌های زیرنویس غیرحرفه‌ای در ایران
مسعود خوش‌سلیقه - الهام فاضلی حق‌پناه
- ۹۷ بررسی فرآیندهای شناختی زیربنایی در درک مهارت گوش‌دادن آزمون آیلتس
پوریا بقایی مقدم - زهرا ظهوریان - محمد قهرمانلو
- ۱۱۳ نقدی بر ترجمه مدخلی از دانشنامه ایرانیکا
مصطفی حسینی



فصلنامه مطالعات زبان و ترجمه

(دانشکده ادبیات و علوم انسانی)

(علمی - پژوهشی)

صاحب امتیاز: دانشگاه فردوسی مشهد

مدیر مسؤول: دکتر سید محمد رضا هاشمی

سرمدیر: دکتر علی خزاعی فرید

مدیر اجرایی: دکتر محمدرضا فارسیان

اعضای هیئت تحریریه:

دکتر مسعود رحیم پور (استاد دانشگاه تبریز)	دکتر ابوالقاسم پرتوی (دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر عبدالمهدی ریاضی (دانشیار دانشگاه مک کواری استرالیا)	دکتر فریده پورگیو (استاد دانشگاه شیراز)
دکتر رحمان صراگرد (دانشیار دانشگاه شیراز)	دکتر رضا پیش قدم (استاد دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر فیروز صدیقی (استاد دانشگاه شیراز)	دکتر علیرضا جلیلی فر (استاد دانشگاه شهید چمران اهواز)
دکتر بهرام طوسی (دانشیار بازنشسته دانشگاه فردوسی مشهد)	دکتر نادر جهاتگیری (استاد دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر فرزانه فرحزاد (دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی)	دکتر آذر حسینی فاطمی (دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر بهزاد قنسولی (استاد دانشگاه فردوسی مشهد)	دکتر مجید حیاتی (استاد دانشگاه شهید چمران اهواز)
	دکتر علی خزاعی فرید (دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد)

ویراستار فارسی: عبدالله نوروزی

ویراستار انگلیسی: مرکز ویراستاری انگلیسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی

ویراستار این شماره: مسعود محمودزاده

کارشناس اجرایی: مرضیه دهقان

حروف نگاری و صفحه آرایی: الهه تجویدی

شمارگان: ۳۰ نسخه

نشانی: مشهد، پردیس دانشگاه فردوسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی. کد پستی: ۹۱۷۷۹۴۸۸۸۳

نمابر: ۳۸۷۹۴۱۴۴ (۰۵۱) تلفن: ۳۸۸۰۶۷۲۳ (۰۵۱)

پها: داخل کشور: ۱۵۰۰۰ ریال (تک شماره)

نشانی اینترنتی: <http://jm.um.ac.ir/index.php/lts/index>

این نشریه در کتابخانه منطقه ای علوم و تکنولوژی شیراز نمایه می شود.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



فصلنامه مطالعات زبان و ترجمه (دانشکده ادبیات و علوم انسانی)

(علمی - پژوهشی)

این مجله براساس مجوز شماره ۱۰۲/۴۷۸۲ مورخ ۱۳۷۰/۷/۱۳
اداره کل مطبوعات داخلی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
منتشر می شود.

سال چهل و نهم، شماره دوم، شماره پیاپی ۲۸

تابستان ۱۳۹۵

(تاریخ انتشار این شماره : زمستان ۱۳۹۵)

این مجله در پایگاه های زیر نمایه می شود:

- پایگاه استادی علوم جهان اسلام (ISC)
- پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)
- پایگاه بانک اطلاعات نشریات کشور (Magiran)

راهنمای شرایط فصلنامه برای پذیرش و چاپ مقاله

- ۱- مقاله به ترتیب و شماره گذاری زیر، شامل: عنوان، چکیده (فارسی و انگلیسی، ۱۵۰ تا ۲۰۰ واژه)، کلید واژگان (حد اکثر پنج واژه)، ۱-مقدمه (پرسش تحقیق، فرضیه ها)، اهداف، ۲-پیشینه تحقیق، ۳-بحث و بررسی، و ۴-نتیجه گیری باشد. متن کامل مقاله بین ۵۰۰۰ تا ۸۰۰۰ کلمه باشد. فصلنامه از پذیرش مقاله های بلند (بیشتر از ۲۰ صفحه A4 تایپ شده ۲۳ سطری) معذور است.
- ۲- عنوان مقاله، مشخصات نویسنده یا نویسندگان (نام و نام خانوادگی، مرتبه علمی، نام دانشگاه یا مؤسسه آموزشی، نشانی، تلفن و پست الکترونیکی (e-mail) در صفحه ای جداگانه (اولین صفحه) نوشته شود.
- ۳- ارسال چکیده انگلیسی (۱۵۰ تا ۲۰۰ کلمه) در صفحه ای جداگانه، شامل عنوان مقاله، نام نویسنده/ نویسندگان، رتبه دانشگاهی، دانشگاه / مؤسسه، پست الکترونیکی، به زبان انگلیسی، لازم است.
- ۴- منابع مورد استفاده در متن تصریح شود (مثلاً، شفیع کدکنی، ۱۳۸۹، ص ۴۱۰) و در پایان مقاله براساس سبک APA، با ترتیب الفبایی، نام خانوادگی، حرف اول نام نویسنده/ نویسندگان، به شرح زیر (لطفاً به شیوه نقطه گذاری عنایت فرمایید):
کتاب: نام خانوادگی، حرف اول نام نویسنده/ نویسندگان. (سال انتشار). نام کتاب /یرانیک/یتالیک - محل نشر: نام ناشر.
• مقاله: نام خانوادگی، حرف اول نام نویسنده/ نویسندگان. (سال انتشار). عنوان مقاله. نام نشریه -یتالیک/یرانیک- دوره / سال -یتالیک/یرانیک- (شماره)، شماره صفحات مقاله.
• مجموعه مقالات: نام خانوادگی، حرف اول نام نویسنده/ نویسندگان. (سال انتشار). عنوان مقاله. در -حرف اول نام. نام خانوادگی (ویراستار/ گردآورنده)، نام مجموعه مقالات -یتالیک/یرانیک- (شماره صفحات مقاله). محل نشر: نام ناشر.
• سایت های اینترنتی: نام خانوادگی، حرف اول نام. (سال انتشار). نام اثر (مقاله/ کتاب)، بازایی روز- ماه، سال، از- نشانی اینترنتی اثر - <http://www.....>
- ۵- ارجاعات در متن مقاله در پراکنش (نام نویسنده، سال انتشار، ص، شماره صفحه) نوشته شود. ارجاع به منابع غیرفارسی، همانند منابع فارسی است. نقل قول های مستقیم بیش از ۴۰ واژه به صورت جدا از متن (block quotation)، با تورفتگی (۳ تا ۵ حرف) از سمت راست (فارسی) یا چپ (انگلیسی) درج می شوند.
- ۶- معادل لاتین کلمات در مقابل آنها یا در پایین صفحه، به صورت پانویس، نوشته شود.
- ۷- مقاله نباید برای هیچ یک از مجله های داخل یا خارج از کشور ارسال و یا در مجموعه مقاله های همایش ها چاپ شده باشد.
- ۸- این فصلنامه فقط مقاله هایی را می پذیرد که در زمینه ی زبان و ادبیات انگلیسی، فرانسه و روسی؛ آموزش زبان انگلیسی، فرانسه و روسی، یا حوزه مطالعات ترجمه و حاصل پژوهش نویسنده/ نویسندگان باشد.
- ۹- مقاله باید بر اساس شیوه نامه آیین نگارش فرهنگستان زبان و ادب فارسی نوشته شده باشد. در صورت لزوم، نشریه در ویراستاری ادبی مقاله، بدون تغییر محتوای آن، آزاد است.
- ۱۰- نویسندگان گرامی لازم است مقاله های خود را به نشانی الکترونیکی <http://jm.um.ac.ir> ارسال فرمایند.

داوران این شماره به ترتیب حروف الفبا

جمشید آذری ازغندی (مری زبان و ادبیات فرانسه دانشگاه فردوسی مشهد)

دکتر رضا پیش‌قدم (استاد زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه فردوسی مشهد)

دکتر آذر حسینی فاطمی (دانشیار زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه فردوسی مشهد)

دکتر علی خزاعی فرید (دانشیار زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه فردوسی مشهد)

دکتر مسعود خوش سلیقه (استادیار زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه فردوسی مشهد)

دکتر حسام الدین شهریاری (استادیار زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه فردوسی مشهد)

دکتر محمد غضنفری (دانشیار زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه فردوسی مشهد)

دکتر محمدرضا فارسیان (دانشیار زبان و ادبیات فرانسه دانشگاه فردوسی مشهد)

دکتر ضرغام قپانچی (دانشیار زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه فردوسی مشهد)

دکتر عنرا قندهاریون (استادیار زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه فردوسی مشهد)

دکتر بهزاد قنسولی (استاد زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه فردوسی مشهد)

دکتر نگار مزاری (استادیار زبان و ادبیات فرانسه دانشگاه فردوسی مشهد)

دکتر محمدجواد مهدوی (استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد)

فهرست مقالات

صفحه		
۲۲ - ۱	الهام ناجی رضا پیش قدم بهزاد قنسولی آذر حسینی فاطمی	بررسی دیدگاه مدرسان زبان انگلیسی و زبان آموزان در مورد نقش زمان در آموزش و فرهنگ ایران
۴۴ - ۲۳	سارا خزاعی مریم سلطان بیاد محمود رضا قربان صباغ	تحلیل فمینیستی گفتمان و توازن قدرت در رمان شمال و جنوب اثر الیزابت گاسکل بر پایه نظریه کُنش های گفتاری جان سِرل
۶۵ - ۴۵	وحید نژاد محمد	مضمون «اگزستانس و اگزستانسیالیسم» در نزد شخصیت های ژان - ماری گوستاو لوکلزیو
۹۵ - ۶۷	مسعود خوش سلیقه الهام فاضلی حق پناه	فرآیند و ویژگی های زیرنویس غیر حرفه ای در ایران
۱۱۲ - ۹۷	پوریا بقایی مقدم زهرا ظهوریان محمد قهرمانلو	بررسی فرآیندهای شناختی زیربنایی در درک مهارت گوش دادن آزمون آیلتس
۱۲۸-۱۱۳	مصطفی حسینی	نقدی بر ترجمه مدخلی از دانشنامه ایرانیکا

بررسی دیدگاه مدرسان زبان انگلیسی و زبان آموزان در مورد نقش زمان در آموزش و فرهنگ ایران

الهام ناجی میدانی (دانشجوی دکتری آموزش زبان انگلیسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

elhanaji@gmail.com

رضا پیش قدم (استاد آموزش زبان انگلیسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، نویسنده مسؤول)

pishghadam@um.ac.ir

بهزاد قنسولی (استاد زبان انگلیسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

ghonsooly@um.ac.ir

آذر حسینی فاطمی (دانشیار آموزش زبان انگلیسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

hfatemi@um.ac.ir

چکیده

زمان مفهومی پیچیده است که در هر فرهنگ و جامعه‌ای معنای خاصی به خود گرفته است. نگاه افراد جامعه نسبت به زمان آن قدر اهمیت دارد که برخی دیدگاه مردم جامعه نسبت به زمان را معرف نوع فرهنگ آن جامعه تلقی می‌کنند. در این مقاله برآنیم تا با استفاده از روش کیفی دیدگاه مدرسان و فراگیران زبان انگلیسی در مورد نقش زمان در نظام آموزشی ایران و همچنین در فرهنگ روزمره ایرانی را بسنجیم. بدین منظور با ۸ مدرس زبان انگلیسی و ۱۰ زبان آموز مصاحبه صورت گرفت. از تحلیل مصاحبه‌ها چند موضوع استخراج شد که عبارتند از: رویکرد منفعلانه نسبت به زمان در فرهنگ روزمره، عدم توجه کافی به زمان در نظام آموزشی ایران، درصد بالای هدر رفتن زمان در کلاس‌های زبان، حق تأخیر بر اساس نوع رابطه اجتماعی، زندگی در زمان آینده و عدم تأثیرپذیری از فرهنگ انگلیسی در وقت شناسی. در پایان، راهکارهایی برای توجه بیشتر به نقش زمان در سطح آموزشی و فرهنگی ارائه شد.

کلیدواژه‌ها: دیدگاه، زمان، نظام آموزشی، فرهنگ، مصاحبه.

۱. مقدمه

در عصر شتاب و ارتباطات امروز، زمان نقش مهمی در تمامی ابعاد زندگی ایفا می‌کند. پدیده جهانی شدن که نزدیکی روابط میان انسان‌ها را به وجود آورده است موجب افزایش اهمیت زمان شده است. به گفته لوین^۱ (۱۹۹۷) نظام ارزشی یک فرهنگ در هنجارها و باورهایش نسبت به زمان تبلور می‌یابد و بدین ترتیب زمان سازه‌ای اجتماعی محسوب می‌شود. به طور کلی، در فرهنگ غربی نگاه به زمان خطی است و بسیار ارزشمند تلقی می‌شود به طوری که به هیچ وجه نباید هدر رود. در مقابل، در فرهنگ شرقی، نگاه به زمان به صورت غیرخطی است و چگونگی گذراندن آن منوط به ارزش‌های گروهی، اجتماعی و فرهنگی وقایع و موقعیت هاست (مک‌گرات و تسچان^۲، ۲۰۰۴). تفاوت‌های فرهنگی در درک زمان و وقت‌شناسی آن قدر مهم است که بعد از تفاوت‌های زبانی به عنوان مهم‌ترین عامل سوء تفاهم‌های میان فرهنگی محسوب می‌شود (بریزلن و کیم^۳، ۲۰۰۳). مدرسان زبان انگلیسی و زبان‌آموزان با فرهنگ انگلیسی‌زبانان سر و کار دارند و بدین ترتیب با استفاده از اصطلاح بوردیو^۴ (۱۹۸۴) در حوزه‌ای^۵ قرار دارند که فرهنگ وقت‌شناسی و ارزشمند دانستن زمان می‌تواند برای آن‌ها تبدیل به عادت‌واره^۶ (بوردیو، ۱۹۸۴) شود. بنابراین، فرض بر این است که این دو گروه به دلیل آشنایی بیشتر با فرهنگ انگلیسی‌زبانان نسبت به سایر اقشار جامعه، نگاه متفاوتی نسبت به زمان و همچنین دیدگاه منتقدانه‌تری نسبت به مدیریت آن در جامعه دارند. در این پژوهش برآنیم با استفاده از روش کیفی دیدگاه مدرسان و فراگیران زبان انگلیسی در رابطه با میزان توجه به زمان در نظام آموزشی و فرهنگ روزمره ایران را بررسی کنیم. جهت بررسی موضوع، در ابتدا به مفاهیمی چون فرهنگ و انواع آن، ارتباط آن‌ها با نحوه نگاه به زمان و همچنین مفاهیم مربوط به زمان که در حوزه آموزش نقش دارند، می‌پردازیم.

1. Levine

2. McGrath & Tschan

3. Brislin & Kim

4. Bourdieu

5. Field

6. Habitus

۲. پیشینه تحقیق

در طی دهه‌های اخیر تعاریف متعددی از «فرهنگ» ارائه شده است و هرکدام بر جنبه خاصی از ویژگی‌هایی که یک گروه را نسبت به دیگران متمایز می‌کند، تأکید کرده‌اند. از نقطه نظر علم انسان‌شناسی، فرهنگ شیوه زندگی مردم است (چستین^۷، ۱۹۸۸) و در واقع عادات و آداب و رسوم روزمره مردم یک سرزمین را نشان می‌دهد. در مورد اینکه چه جنبه‌هایی از زندگی جزء فرهنگ روزمره محسوب می‌شود، نقطه‌نظرهای متفاوتی وجود دارد. جامع‌ترین طبقه‌بندی‌ها برای جنبه‌های فرهنگ روزمره توسط داگلس^۸ (۱۹۷۳) ارائه شده که در آن نگاه مردم نسبت به زمان و چگونگی مدیریت آن مدنظر قرار گرفته است. یکی از طبقه‌بندی‌های فرهنگی که مورد توجه خاص روان‌شناسان بین فرهنگی قرار گرفته است، فردگرایی-جمع‌گرایی (هافستید^۹، ۱۹۸۰) است، به‌طوری که اکثر تحقیقات این علم حول محور این دو سازه فرهنگی دور می‌زند. فردگرایی مربوط به جوامعی است که روابط میان افراد چندان نزدیک و صمیمی نیست و هر فرد می‌بایست مراقب خود و نزدیکانش باشد. در واقع، افراد از هم مستقل‌اند و فرد در وهله اول قرار می‌گیرد و اجتماع در وهله دوم. جمع‌گرایی متضاد فردگرایی است و به جوامعی اشاره دارد که در آن افراد از بدو تولد متعلق به گروه‌هایی هستند که شامل خانواده، طایفه، قوم، گروه‌های مذهبی و ... می‌شود. این افراد در برابر حمایت گروه‌ها متعهد به انجام وظایفی می‌شوند. به عبارتی دیگر، خصوصیت اصلی جوامع جمع‌گرا همین تعهدات و انتظارات متقابل بر اساس موقعیت اجتماعی افراد است. طبق اطلاعات موجود در وب سایت رسمی هافستید، ایران با نمره ۴۱ که شوری جمع‌گراست. البته برخی از تحقیقات صورت گرفته حاکی از آن است که جامعه ایرانی به سمت فردگرایی در حرکت است (جاویدان و دستمالجیان، ۲۰۰۳؛ علی و امیرشاهی، ۲۰۰۲). البته به طبقه بندی فوق دو شاخه دیگر تحت عنوان عمودی^{۱۰} و افقی^{۱۱} توسط فردی به نام تریاندیس^{۱۲} (۱۹۹۸) اضافه شده است که بدین

7. Chastain

8. Douglas

9. Hofstede

10. Vertical

11. Horizontal

12. Triandis

ترتیب چهار گروه فرهنگی به وجود آمده است: جمع‌گرایی عمودی^۱، جمع‌گرایی افقی^۲، فردگرایی عمودی^۳ و فردگرایی افقی^۴. بُعد عمودی-افقی به این اشاره دارد که انسان‌ها خود را را چگونه توصیف می‌کنند: متفاوت با دیگران یا مانند دیگران؟ بنابراین، فرهنگ‌های فردگرایی عمودی بر استقلال در اعمال و نیاز به متمایز نمودن خود از دیگران تأکید دارند در حالی که فرهنگ‌های فردگرایی افقی استقلال در اعمال و تساوی با دیگران را مدنظر دارند. در فرهنگ‌های جمع‌گرایی عمودی استقلال عمل وجود دارد و افراد خود را متمایز از یکدیگر می‌دانند، حال آنکه در فرهنگ‌های جمع‌گرایی افقی، وابستگی میان اعمال برقرار است و افراد خود را برابر با هم می‌دانند (تریاندریس، ۱۹۹۸). جدول زیر ارتباط میان این چهار گروه فرهنگی و نوع نگاه آن‌ها به زمان را نشان می‌دهد:

جدول ۱. رابطه میان فردگرایی/جمع‌گرایی و نگاه به زمان (برگرفته از بیلینگ و دیگران^۵، ۲۰۰۴)

جمع‌گرایی	فردگرایی	
- تأکید بر روابط - تأکید بر به دست آوردن موقعیت اجتماعی برتر - توجه به زمان	- تأکید بر خود و جدا کردن خود از دیگران - تأکید بر به انجام رساندن کارها - توجه به زمان و برنامه‌ریزی	عمودی
- تأکید بر روابط اما عدم توجه به اهداف شخصی - تأکید بر اهداف جمعی - عدم توجه به زمان	- عدم تأکید بر به موفقیت انجام رساندن کارها - عدم توجه کافی به زمان و برنامه‌ریزی ضعیف	افقی

یکی از عواملی که ارتباط مستقیمی با فرهنگ دارد «قدرت» است (فرکلاف^۶، ۱۹۸۹). به گفته نیتو^۷ (۲۰۰۹)، منشأ تفاوت‌هایی که اغلب به فرهنگ نسبت داده می‌شود روابط قدرت است.

1. Vertical collectivism
2. Horizontal collectivism
3. Vertical individualism
4. Horizontal individualism
5. Billing et al.
6. Fairclough
7. Nieto

است. یکی از مقوله‌هایی که ارتباط تنگاتنگی با روابط قدرت دارد، «ادب» است. شاید بتوان گفت یکی از رایج‌ترین نظریه‌های نظام ادب توسط اسکالن و اسکالن^۱ (۲۰۰۱) ارائه شده است. بر اساس این طبقه‌بندی، سه نظام ادب وجود دارد که عبارتند از: احترام^۲، همبستگی^۳ و سلسله‌مراتب^۴. در نظام احترام، گوینده و مخاطب در یک تراز قرار دارند، اما فاصله‌ای بین آن‌ها برقرار است و باید به یکدیگر احترام بگذارند؛ به عنوان مثال، رابطه میان اساتید یک دانشگاه. در نظام همبستگی، گوینده و مخاطب نیز در یک ترازند، اما فاصله‌ای میان آن‌ها برقرار نیست، مانند رابطه میان دو همسر یا دو دوست. در نظام سلسله‌مراتب، میان گوینده و مخاطب رابطه‌ای ناهم‌تراز وجود دارد و یکی در رتبه‌ای بالاتر از دیگری قرار دارد، برای نمونه رابطه بین کارگر و کارفرما، یا استاد و دانشجو. نظام فرهنگی ایران به‌طور کلی از نوع سلسله‌مراتبی است (اسلامی‌راسخ، توکلی و عبدالرضا پور، ۲۰۱۰).

در رابطه با وقت‌شناسی در موقعیت‌های اجتماعی متفاوت، مطالعه‌ای میان‌فرهنگی توسط وایت، والک و دیالمی^۵ (۲۰۱۱) صورت گرفت. در این مطالعه معنای وقت‌شناسی از دیدگاه دانشجویان در سه کشور استونی، مراکش و ایالات متحده آمریکا در رویارویی با افراد با موقعیت‌های اجتماعی متفاوت با هم مقایسه شد. شرکت‌کنندگان می‌بایست سناریوهایی در مورد سه قرار ملاقات در موقعیت‌های اجتماعی متفاوت (احترام، همبستگی و سلسله‌مراتب) مطالعه می‌کردند و زمانی که از نظر آن‌ها برای حضور در موعد دیر یا زود محسوب می‌شد را مشخص می‌نمودند. نتایج نشان داد که شرکت‌کنندگان هر سه کشور در قرار با افراد با تراز اجتماعی بالاتر، سخت‌گیر بودند و همان زمان قرار را مناسب حضور می‌دانستند.

از طرفی، فرهنگ‌های مختلف چهارچوب‌های زمانی^۶ متفاوتی دارند (وایت، والک و دیالمی، ۲۰۱۱). چهارچوب زمانی به مدت زمانی گفته می‌شود که واقعه‌ای در طی آن اتفاق می‌افتد یا برنامه‌ریزی می‌شود. برای مثال، در فرهنگ انگلیسی‌زبانان زمان به‌مثابه ثروت است و

1. Scollon&Scollon
2. Deference
3. Solidarity
4. Hierarchy
5. White, Valk, & Dialmy
6. Time frames

وقت‌شناسی ارزش بسیار بالایی دارد (وایت، والک و دیالمی، ۲۰۱۱). در فرهنگ اسپانیایی، همیشه کار امروز به فردا موکول می‌شود و به تعویق انداختن کارها امری بسیار عادی است (اپستین^۱، ۱۹۷۷). در کشور اندونزی، زمان مانند کشتی فرض می‌شود که قابلیت انعطاف دارد و در واقع رویکرد راحت‌طلبانه مردم آن کشور را نسبت به قرارها و ضرب‌الاجل‌ها نشان می‌دهد (آلوز^۲، ۱۹۹۷). در فرهنگ سرخپوستان، جلسات معمولاً بیش از یک ساعت دیرتر از زمان تعیین‌شده آغاز می‌شوند (هاپکینز^۳، ۲۰۰۶). در فرهنگ کشور مراکش، هیچ نیازی به رعایت زمان در تمام اوقات نیست. این نگرش در دو ضرب‌المثل معروف مراکشی به‌خوبی منعکس می‌گردد که عبارتند از: «امروز مانند فرداست» و «هیچ نیازی به عجله در کارهای خوب نیست» (وایت، والک و دیالمی، ۲۰۱۱، ص. ۴۸۳). به عقیده لوین (۱۹۹۷) اکثر آمریکایی‌ها وقت‌شناسی را در واحدهای ۵ دقیقه‌ای ارزیابی می‌کنند اما اکثر اعراب آن را در واحدهای ۱۵ دقیقه‌ای ارزیابی می‌کنند. آمریکایی‌ها برای مثال می‌گویند: فلانی ۵ یا ۱۰ دقیقه دیر کرده، در حالی که اعراب می‌گویند یک ربع یا نیم‌ساعت دیر کرده است.

مفهوم دیگری که مرتبط با چهارچوب زمانی است، «زمان درک شده»^۴ است. این مفهوم در برابر «زمان ساعتی»^۵ قرار می‌گیرد. زمان ساعتی همان زمانی است که توسط عقربه‌های ساعت نشان داده می‌شود. زمان درک شده نوعی اندازه‌گیری شخصی از زمان است که متأثر از عوامل ایدئولوژیکی است. زمان درک شده در واقع سازه‌ای فردی است که توسط اجتماع و عوامل شخصی به‌دست می‌آید (نک. کاراسکو و دومینگز^۶، ۲۰۱۴). به‌عنوان مثال، اگر خانم و آقای هر دو در زمان ساعتی برابری کار در منزل انجام دهند، زمان درک شده آقای بیشتر از خانم خواهد بود، چراکه آقایان به‌دلیل عوامل اجتماعی خود را موظف به انجام کارهای منزل نمی‌دانند و زمان سپری‌شده را دست بالا می‌گیرند (گرینستاین^۷، ۱۹۹۶).

-
1. Epstein
 2. Alves
 3. Hopkins
 4. Perceived time
 5. Clock time
 6. Carrasco & Dominguez
 7. Greenstein

در طی دهه های اخیر، مطالعات علمی متعددی در مورد تفاوت های میان فردی مربوط به زمان انجام شده است. اکثر این مطالعات در زمینه های جامعه شناسی، روان شناسی و مدیریت صورت گرفته است (فرانسیس-اسمیت و رابرتسون^۱، ۱۹۹۹). این امر موجب پیدایش سازه های مختلفی در رابطه با مدیریت زمان شده که یکی از مهم ترین آن ها «هوش زمانی^۲» (کلمنز و دارلیرمپل^۳، ۲۰۰۵) است. هوش زمانی به شناخت و رفتار یک مدیر نسبت به زمان در رابطه با خود و زیردستانش اشاره دارد (دیل و فرانسیس-اسمیت^۴، ۲۰۰۹). البته به عقیده نگاران این مقاله هوش زمانی را می توان به حوزه آموزش نیز تعمیم داد و آن را برای مدرسان تعریف کرد.

در حوزه آموزش زبان، یکی از مقوله هایی که ارتباط بالایی با مفهوم زمان دارد، «کرونوتوپ^۵» (باختین^۶، ۱۹۸۱) است. کرونوتوپ به «روابط مکانی-زمانی در یک متن» (باختین، ۱۹۸۱، ص. ۱۵) اشاره می کند. این مفهوم در سال های اخیر در شاخه های مختلفی از آموزش زبان، همچون تحلیل ژانر (چرایر^۷، ۲۰۰۲؛ بمونگ^۸، ۲۰۰۶؛ پیدرسون^۹، ۲۰۰۹) انگلیسی برای مقاصد خاص^{۱۰} (چرایر، ۱۹۹۹؛ کراسلی^{۱۱}، ۲۰۰۷) و همچنین در تحلیل مکالمه های انجام شده در کلاس (براون و رنشا^{۱۲}، ۲۰۰۶) بررسی شده است. در حوزه انگلیسی برای مقاصد خاص، به عنوان مثال، کرونوتوپ می تواند ابزاری برای زبان آموزان باشد تا به کمک آن قوانین دستوری مربوط به مکان و زمان در زبان مقصد را بیاموزند. در این مورد تحقیقی توسط پیش قدم و صبوری (۲۰۱۱الف) صورت گرفت که در آن کرونوتوپ نامه های نوشته شده به

1. Francis-Smythe & Robertson
2. Temporal intelligence
3. Clemens & Darlyrmple
4. Doyle & Francis-Smythe
5. Chronotope
6. Bakhtin
7. Schryer
8. Bemong
9. Pederson
10. English for Specific Purposes
11. Crossley
12. Brown & Renshaw

سردبیر مجلات علمی در انگلیسی و فارسی با هم مقایسه شد. کرونوتوپ ابزار خوبی برای مقایسه ژانرها در زبانهای مختلف می باشد.

۳. روش تحقیق

در پژوهش حاضر نتایج به دست آمده از مصاحبه با دو گروه مدرسان زبان انگلیسی و زبان آموزان مورد تحلیل قرار گرفت. تعداد شرکت کنندگان از پیش تعیین نشده بود و از روش اشباع داده^۱ استفاده شد. بدین ترتیب، ۸ مدرس و ۱۰ زبان آموز در تحقیق شرکت نمودند. مدرسان همگی در مؤسسات آموزشی زبان انگلیسی در سطح شهر مشهد مشغول به تدریس بودند. از میان ۸ مدرس، ۵ نفر زن و ۳ نفر مرد بودند و بین ۲۰ تا ۳۷ سال سن داشتند (میانگین=۲۹). نحوه توزیع مدرک و رشته تحصیلی مدرسان بدین قرار بود: ۳ نفر کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی، ۳ نفر کارشناسی ارشد آموزش زبان انگلیسی و ۲ نفر دانشجوی دکتری آموزش زبان انگلیسی. زبان آموزان همگی در مؤسسات زبان انگلیسی مشغول یادگیری بودند. از میان زبان آموزان، ۶ نفر را خانمها و ۴ نفر را آقایان تشکیل دادند. سن آنها بین ۱۹ تا ۳۹ بوده و میانگین کل سن آنها ۲۶ بود. سطح بسندگی زبان آموزان با توجه به سطح کلاسی که در آن ثبت نام کرده بودند، ۲ نفر مبتدی، ۵ نفر متوسط و ۳ نفر پیشرفته بودند.

در این پژوهش روش کیفی مصاحبه نیمه ساختاریافته^۲ به کار رفته است. در این نوع مصاحبه، سؤالات از قبل طراحی شده و هدف آن کسب اطلاعات عمیق از مصاحبه شونده می باشد. در این نوع مصاحبه هر پاسخ با سؤالات تکمیلی، مورد بررسی بیشتر قرار می گیرد و از پاسخگویان با سؤالات «چرا» و «چگونه» خواسته می شود توضیح بیشتری در مورد پاسخهای خود بدهند (درنئی^۳، ۲۰۰۷). در این پژوهش با توجه به اهدافی که از پیش تعیین شده بود، سؤالات صریحی طرح شد. برای پیدا کردن رابطه میان موقعیت شناسی و وقت شناسی از سناریوهایی که در تحقیق وایت، والک و دیالمی (۲۰۱۱) استفاده شده بود، الهام گرفته شد که شرکت کنندگان سه سناریو در مورد سه قرار در موقعیت های اجتماعی متفاوت (احترام،

1. Data saturation

2. Semi-structured

3. Dornyei

همبستگی و سلسله مراتب) را از نظر این که هر فرد چه زمانی به موعد برسد دیر محسوب می شود، ارزیابی می کردند. سؤالات به کار رفته در مصاحبه در قسمت پیوست آمده است.

۴. نتایج

پس از تحلیل مصاحبه ها، موضوعات کلیدی و فرعی مربوط به هریک استخراج شد. به طور کلی، ۶ موضوع کلیدی استخراج شد که هریک جنبه ای از نگاه مشارکت کنندگان نسبت به زمان را نشان می دادند (جدول ۲).

جدول ۲. موضوعات اصلی و فرعی مستخرج از مصاحبه ها

موضوع اصلی	موضوع فرعی
رویکرد منفعلانه نسبت به زمان در فرهنگ روزمره ایران	- عادی بودن تأخیرها - زنجیروار بودن تأخیرها - موکول کردن کارها به آخرین لحظات
عدم توجه کافی به زمان در نظام آموزشی ایران	- یکسان بودن شرایط برای تمامی مقاطع - رعایت زمان در صورت وجود اجبار و نظارت - وجود ریشه فرهنگی
درصد بالای هدر رفتن زمان در کلاس های زبان	- تصحیح بیش از اندازه خطاها - اظهارنظرهای بسیار زبان آموزان
حق تأخیر بر اساس نوع رابطه اجتماعی	- مجاز دانستن تأخیر برای افراد با رتبه اجتماعی بالاتر - مجاز دانستن تأخیر برای افراد نزدیک
زندگی در زمان آینده	- نگرانی نسبت به آینده - مغتنم نشمردن حال
عدم تأثیرپذیری از فرهنگ انگلیسی در وقت شناسی	- آگاهی نسبت به اهمیت وقت شناسی در فرهنگ انگلیسی - عدم تأثیرپذیری به دلیل شرایط بیرونی

۴. ۱. رویکرد منفعلانه نسبت به زمان در فرهنگ روزمره ایران

در پاسخ به سؤال «به نظر شما چقدر در فرهنگ روزمره ما به زمان اهمیت داده می شود؟» مصاحبه شوندگان همگی بر این عقیده بودند که به زمان در فرهنگ روزمره ما اهمیت داده نمی شود و «به طور کلی مدیریت زمان در فرهنگ ایران ضعیفه». آن ها باور داشتند که «حتی برای

وقت خودمون هم ارزش قائل نیستیم چه برسد به وقت دیگران» و با تمام شعارهایی که در مورد ارزشمند بودن وقت می‌دهیم به آن‌ها عمل نمی‌کنیم:

«با وجودی که می‌گیم وقت طلاست اما هیچ وقت بهش عمل نمی‌کنیم. ما جوری هستیم که باید زودتر بگیم تا همه اون وقتی که می‌خواهیم بر سن. حتی برای یک مهمونی ساده. ساعت پنج شروع می‌شه الکی می‌گیم چهار و نیم که همه پنج بیان».

از نظر شرکت‌کنندگان «دیر کردن در حد یک ربع بیست دقیقه» در فرهنگ ما کاملاً عادی تلقی می‌شود و «همیشه برای دیر کردن و تأخیرامون بهانه داریم. ترافیک بود، کاری برام پیش اومد و... بعد با یک عذرخواهی تمومش می‌کنیم.» حتی متأسفانه دیر کردن را نوعی «پرستیژ» و «با کلاس» می‌دانیم.

همچنین به گفته شرکت‌کنندگان عادت داریم کارهایمان را همیشه به دقیقه ۹۰ موکول می‌کنیم. بنابراین «پرتی و قتمون زیاده و بازدهیمون کم.» یکی از مدرسان این موضوع را این گونه بیان کرد:

«ما زمان را کنترل نمی‌کنیم، زمان ما رو کنترل می‌کنه. یعنی به جایی که زمان را در دست بگیریم، نسبت بهش منفعل هستیم.»

نکته جالب در این است که شرکت‌کنندگان رابطه‌ای میان میزان تحصیلات و وقت‌شناس بودن در جامعه نمی‌دیدند:

«در جامعه میزان اهمیت به زمان خیلی کمه. خیلی هم به مشاغل و سطح تحصیلات ربطی نداره. البته این دو عامل بی‌تأثیر نیستند ولی در کل این طور نیست که بتونیم بگیم فردی که تحصیل کرده‌تره به زمان بیشتر اهمیت میده و وقت‌شناس‌تره.»

طبیعی است در جامعه‌ای که تأخیر امری عادی محسوب می‌شود، دیرکردها فراگیر می‌شود و به‌صورت پیوسته تمام ابعاد زندگی را دربر می‌گیرد:

«اهمیت به زمان خیلی ضعیفه. وقت دکتر می‌گیری به‌موقع نمیری تو. حداقل دو ساعت دو ساعت و نیم معطل میشی. با آرایشگاه قرار می‌گذاری امکان نداره کارت به‌موقع انجام بشه. البته شاید اون آرایشگره هم تقصیری نداره چون مشتری قبلش هم نیم ساعت دیر اومده. همه اینا مثل حلقه‌های زنجیر کنار هم باعث میشه آدم همیشه دیرکرد داشته باشه.»

۴. ۲. عدم توجه کافی به زمان در نظام آموزشی ایران

این موضوع از پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان به سؤال «به نظر شما در نظام آموزشی ما چقدر به زمان اهمیت داده می‌شود؟ چرا؟» گرفته شد. شرکت‌کنندگان همگی بر این باور بودند که در جامعه آموزشی ما زمان اهمیت لازم را ندارد. به عقیده آن‌ها ریشه عدم توجه به زمان در سطح آموزشی نیز همان رویکرد منفعلانه نسبت به زمان در فرهنگ روزمره است. از نظر آن‌ها وضعیت در مقاطع مختلف تفاوتی ندارد و به قول یکی از زبان‌آموزان «دبستان تا دانشگاه همش یکیه». در مقطع دانشگاه، مشارکت‌کنندگان از قائل نشدن ارزش برای وقت دانشجویان ابراز نارضایتی می‌کردند و از این که «با استاد قرار می‌داری میری می‌بینی نیومدن». همچنین نبودن برنامه تعریف شده‌ای برای تدریس را عاملی منفی در مدیریت زمان امور آموزشی می‌دانستند.

«در جامعه آموزشی ما اصول خاصی برای مدیریت زمان نداریم. مثلاً هر استادی خودش تصمیم می‌گیرد در طول یک ترم چه مطالبی رو تدریس کنه.»

مشارکت‌کنندگان علت وقت‌شناسی در آموزش را وابسته به عوامل فرهنگی می‌دانستند و بدین باور بودند که «چون در فرهنگ ما مدیریت زمان جا نیفتاده، جامعه آموزشی هم تحت تأثیر قرار گرفته». یکی از مشارکت‌کنندگان در این مورد اظهار داشت:

«مثلاً ما از نظر فرهنگی فکر می‌کنیم اگر دیر بریم مهمونی خیلی باکلاسه. به خاطر همین معلممون همیشه دیر میرن سر کلاس. چون فکر می‌کنن اگر زودتر از شاگردا برن سر کلاس صورت خوبی نداره. حتی اگر در دفتر آماده هم باشند طوری میرن سر کلاس که بعد از شاگردا باشه.»

البته این امر در مورد سخنرانی‌ها و همایش‌ها نیز صدق می‌کند: «اگر سخنرانی به همایش دعوت بشه باید حتماً دیر بکنه و این پرستیژ کارش رو نشون میده.»

از طرفی دیگر، مصاحبه‌شوندگان بر این عقیده بودند که «فقط وقت‌هایی که اجبار وجود داشته باشه زمان درست رعایت میشه». یکی از زبان‌آموزان در این مورد گفت:

«البته اساتید سر کلاس معمولاً سر موقع میان و به موقع کلاس رو تموم می‌کنن. دلیلش هم اینه که بر رفت و آمد اساتید به کلاس نظارت میشه. کلاً ما ایرانی‌ها باید رو کارامون نظارت

باشد تا درست انجام بدهیمشون. در واقع نظارتی که هست باعث میشه زمان کلاس براشون مهم باشه.»

۴.۳. درصد بالای هدر رفتن زمان در کلاس‌های زبان

از نظر مدرسان و زبان‌آموزان در کلاس‌های زبان درصد هدر رفتن وقت بالاست. از صحبت‌های آن‌ها دو دلیل اصلی برای اتلاف وقت به دست آمد: تصحیح خطاها^۱ و اظهار نظرهای زبان‌آموزان.

از آنجایی که خطا کردن مرحله‌ای ضروری و طبیعی در روند یادگیری زبان تلقی می‌شود، تصحیح خطاها یکی از رایج‌ترین انواع بازخورد در کلاس‌های زبان می‌باشد (هندریکسون^۲، ۱۹۷۸). هر دو گروه بر این باور بودند که تصحیح خطاها مقوله‌ای زمان‌بر است و گاهی اوقات وقت کلاس را بیش از اندازه می‌گیرد. یکی از زبان‌آموزان در این مورد اظهار داشت:

«به نظر من لازم نیست مدرس تمام غلط‌ها رو تصحیح و کنترل کنه. این‌طوری هم وقت زیادی صرف این کار میشه و هم گاهی اوقات کلاس از روند اصلیش خارج میشه.»
مدرسان نیز از سعی خود برای اختصاص ندادن بیش از حد زمان به تصحیح خطاها می‌گفتند. یکی از مدرسان در این مورد اظهار کرد:

«یکی از مقوله‌هایی که از نظر زمانی حساسه همین تصحیح اشتباهای زبان‌آموزاست. من خودم برای اینکه در روند کلاس تداخل ایجاد نکنه اشتباهات رو یادداشته می‌کنم و آخر کلاس زمان خاصی رو بهشون اختصاص میدم.»

موضوع اظهار نظرهای زبان‌آموزان بیشتر توسط زبان‌آموزان مطرح شد تا مدرسان. در واقع زبان‌آموزان از زمان بسیاری که در کلاس برای بحث و گفتگوهای سپری می‌شد که جنبه یادگیری نداشت، ابراز نارضایتی می‌نمودند: «به نظر من وقت زیادی در کلاس به خاطر اظهار نظر زبان‌آموزان در مورد موضوعی که کار میشه می‌گذره. یعنی وقت مفید کلاس کمه.» و «گاهی اوقات بحث از موضوع اصلی خارج میشه و زبان‌آموزایی که حرافند بحث رو کنترل می‌کنند و

1. Error correction

2. Hendrickson

کلاس هم خسته‌کننده می‌شه و هم بازدهیش کم می‌شه.» مدرسان نیز اظهار داشتند که مدیریت صحیح کلاس در مواقع بحث و گفتگو بسیار مهم است و باید زمان را در نظر داشت: «موقع بحث و گفتگو در کلاس باید حواسمون باشه که زبان‌آموزان زیاد بحث رو به حواشی نکشون. این‌طوری کنترل کلاس از دستمون خارج می‌شه و خب وقت تلف می‌شه.» وجود زبان‌آموزان پرحرف یا در اصلاح روان‌شناسی «برون‌گرا» یکی از دلایل اتلاف وقت در هنگام بحث و گفتگو در کلاس بود:

«بعضی از زبان‌آموزان پرحرفند و اگر بهشون اجازه بدیم تمام وقت کلاسو میگیرن.» در سؤالات تکمیلی از مدرسان پرسیده شد که آیا برای جلوگیری از اتلاف وقت برنامه‌ریزی پیش از کلاس انجام می‌دهند یا خیر. اکثر آن‌ها اذعان داشتند که معمولاً با برنامه‌ای در ذهن خود وارد کلاس می‌شوند اما کمتر آن را روی کاغذ پیاده می‌کنند. یکی از مدرسان در این مورد این‌گونه بیان کرد:

«من خودم هیچ وقت طرح درس از قبل تهیه نمی‌کنم. چون روند کلاس و نیازها و انگیزه‌های زبان‌آموزان برام مهمه. زمان برام تعیین‌کننده نیست بلکه استقبال زبان‌آموزان از فعالیت یا مبحثی که دارم کار می‌کنم برام اهمیت داره.» در واقع، از نظر این شرکت‌کننده زمان ساعتی در کلاس اهمیت ندارد بلکه آنچه مهم است زمان درک‌شده توسط زبان‌آموزان است.

۴.۴. حق تأخیر بر اساس نوع رابطه اجتماعی

«استادی با دانشجویی در دفترش ساعت ۱۰ صبح قرار ملاقات دارد. به‌نظر شما: دانشجو چه زمانی برسد، دیر محسوب می‌شود؟ استاد چه زمانی به دفترش برسد، دیر محسوب می‌شود؟»

شرکت‌کنندگان برای این موقعیت که در آن بر اساس نظریه اسکالن و اسکالن (۲۰۰۱) ارتباط از نوع سلسله‌مراتبی است، اظهار داشتند که استاد از یک ربع تا چهل و پنج دقیقه می‌تواند دیر کند به‌دلیل آنکه دارای موقعیت اجتماعی بالایی است، اما دانشجو حق دیر کردن ندارد. «استاد هر وقت بیاد عیب نداره چون استاده. اما دانشجو باید سر موقع بیاد.» یا «دانشجو دهش ده و یک دقیقه بشه دیر محسوب می‌شه. چون دانشجویه.» آن‌ها همچنین مجاز بودن

تأخیر استاد را مربوط به مشغله کاری بیشتر وی می دانستند: «فردی که موقعیت اجتماعی بالاتری دارد، چون سرش شلوغ تره طبیعی که دیرتر بیاد.» بنابراین، مصاحبه شونده گان واحد زمانی وقت شناسی را برای ۱ ساعت ۱۵ دقیقه حساب می کردند (یک ربع، نیم ساعت، چهل و پنج دقیقه)، در حالی که دانشجو را مجاز به تأخیر نمی دانستند.

«دو همکار با هم قرار ملاقات دارند. به نظر شما هر کدام تا چند دقیقه دیر برسند، دیر محسوب می شود؟»

در این موقعیت نوع رابطه از نوع احترام می باشد (۱ سکال و ۱ اسکالن، ۲۰۰۱). در واقع دو طرف در یک تراز اجتماعی قرار دارند اما از آنجا که فاصله ای میان آن ها برقرار است، باید به هم احترام بگذارند. مصاحبه شونده گان حداکثر تأخیر مجاز را ۵ تا ۱۰ دقیقه می دانستند. بنابراین، واحد زمانی وقت شناسی را برای دو همکار ۵ دقیقه تلقی می کردند.

«دوست نزدیکتان را به نهار دعوت کرده اید. قرارتان ساعت ۱ بعد از ظهر است. به نظر شما دوستان چه زمانی برسند، دیر محسوب می شود؟»

رابطه حکم فرما در این موقعیت همبستگی است و نزدیک ترین نوع رابطه محسوب می شود (اسکالن و اسکالن، ۲۰۰۱). در مورد این سؤال، پاسخ دهندگان واحد زمانی ۱۵ دقیقه را در نظر گرفتند و مانند حق تأخیری که برای فرد با تراز بالاتر در رابطه سلسله مراتبی قائل بودند، دوست نزدیکشان را هم مجاز به تأخیر تا نیم ساعت می دانستند.

بدین ترتیب می توان نتیجه گرفت که نوع رابطه اجتماعی در قائل شدن حق تأخیر برای دیگران بسیار تأثیر گذار است. طبق یافته ها قائل شدن حق تأخیر در دو نوع رابطه سلسله مراتبی و همبستگی دیده می شود. البته واحد زمانی برای تأخیر در رابطه سلسله مراتبی بالاتر از همبستگی است.

۴.۵. زندگی در زمان آینده

شرکت کنندگان در پاسخ به سؤال «بیشتر در گذشته، حال یا آینده زندگی می کنید؟» آینده را پر رنگ تر از زمان های دیگر می دانستند.

«من بیشتر به آینده فکر می کنم. حتی گاهی اوقات خیال پردازی می کنم. اما این که بگم در حال زندگی می کنم این دروغه. همش خودم را در آینده مجسم می کنم.»

درحالی که آن‌ها بر روی آینده تمرکز داشتند، کمتر در مورد گذشته فکر می‌کردند و زندگی کردن در زمان حال را دشوار می‌پنداشتند:

«خیلی به آینده فکر می‌کنم. به گذشته هم فکر می‌کنم ولی کمتر. البته ای کاش نمی‌گم. افسوس هم نمی‌خورم اعتقاد دارم باید درحال زندگی کرد ولی سخته.»

برخی بر این باور بودند که «گذشته‌ها گذشته» و افسوس خوردن آن بی‌فایده است: «از گذشته هم پشیمون نیستم. بدترین اتفاقات هم برام بیفته به دید تجربه بهش نگاه می‌کنم. در اون زمان با اون عقل فلان کارو انجام دادم. ...» اما برخی نیز از گذشته خود ابراز پشیمانی می‌کردند.

مصاحبه‌شوندگان اهمیت دادن به آینده را نتیجه شرایط «متغیر» و «غیرقابل پیش‌بینی» جامعه می‌دانستند که موجب استرس و نگرانی برای آن‌ها می‌شد: «کشور ما طوریه که همیشه باید آینده را در نظر بگیریم، فکر کردن به آینده منو می‌ترسونه.» یا «بعضی وقتا نگرانی از آینده اذیتم میکنه. از اینکه چی می‌خواد پیش بیاد نگرانم.»

شاید یکی از دلایل تمرکز شرکت‌کنندگان روی آینده این باشد که همگی در سنین جوانی قرار داشتند و طبیعی است که آینده همیشه برای جوانان مهم بوده و هست. اما فکر کردن در آینده نباید به‌صورتی باشد که حال را از دست بدهیم و قدر آن را ندانیم. آن چه در شرکت‌کنندگان محسوس بود بیشتر نگرانی و فکر کردن در مورد آینده بود و نه زندگی کردن در حال و استفاده از آن برای تلاش و برنامه‌ریزی آینده؛ چراکه وقتی در سؤالات تکمیلی از آن‌ها پرسیده می‌شد که چگونه نگرانی از آینده شان را برطرف می‌کنند، پا سخ آن‌ها اغلب این بود که به اندازه کافی تلاش و برنامه‌ریزی ندارند. در این رابطه یکی از شرکت‌کنندگان گفت:

«زندگی کردن در آینده باید طوری باشه که آدم مدام در حال تلاش و کوشش و برنامه‌ریزی باشه و طبعاً این سعی و تلاش باید در زمان حال انجام بشه. اما من به‌صورت منفعلانه در آینده بسر می‌برم. یعنی زیاد برای بهتر کردنش کاری انجام نمی‌دم.»

۶.۴. عدم تأثیرپذیری از فرهنگ انگلیسی در وقت‌شناسی

مدرسان و زبان‌آموزان نسبت به وقت‌شناسی در فرهنگ انگلیسی زبانان آگاه بودند و آن را از عوامل پیشرفت آن‌ها می‌دیدند:

«همیشه در کتاب‌ها، فیلم‌ها و ... می‌بینیم که انگلیسی‌زبان‌ها به زمان خیلی اهمیت میدن. همیشه on time هستن. خب فرهنگشون از این نظر از ما بهتره. شاید یکی از دلایل پیشرفتشون هم همین باشه.»

اما تأثیرپذیری از وقت‌شناسی فرهنگ آن‌ها را در خود کم‌رنگ می‌دیده و دلیل آن را به نبودن شرایط لازم در جامعه نسبت می‌دادند: «سعی می‌کنم وقت‌شناسی اون‌ها رو تقلید کنم. اما سخته چون بقیه وقت شناس نیستن.» و آن را مایه از دست دادن انگیزه خود می‌دانستند: «در فرهنگ خارجی‌ها به موقع و وقت‌شناس بودن خیلی مهمه. حتی اونا دو تا اصطلاح on time و in time دارن. من هم سعی کردم این جنبه از فرهنگ اونا رو یاد بگیرم و بهش عمل کنم. اما خب همیشه موفق نیستم. مخصوصاً وقتی می‌بینم وقتی با یکی قرار میذارم اون به موقع نمیاد انگیزم رواز دست میدم.»

یکی از شرکت‌کنندگان در این رابطه بیان کرد:

«آشنایی با وقت‌شناسی در فرهنگ انگلیسی‌زبان‌ها در من بی‌تأثیر نبوده و باعث شده نسبت به این موضوع حساس بشم. ولی خب چون در جامعه وقت‌شناسی زندگی نمی‌کنیم، تلاشم برای on time بودن همیشگی نیست و on و off میشه.»

بعضی از مصاحبه‌شوندگان نیز به این نکته اذعان داشتند که وقت‌شناسی را «باید به مرور زمان فراگرفت و تمرین کرد» و اینکه «یک دفعه نمیشه آدم خودشو در این مورد تغییر بده.»

۵. بحث و نتیجه‌گیری

هدف از انجام این مطالعه بررسی دیدگاه مدرسان زبان انگلیسی و زبان‌آموزان بود در مورد اهمیت و توجهی که به زمان در امور آموزشی و فرهنگ روزمره ما داده می‌شود. نتایج به‌طور کلی نشان داد که مدرسان و زبان‌آموزان از نحوه مدیریت زمان در این سطوح ناراضی‌اند و خود نیز با وجود آشنایی کامل با اهمیت زمان در فرهنگ انگلیسی‌زبانان، وقت‌شناس نیستند و زمان خود را به‌درستی مدیریت نمی‌کنند. در این قسمت به بسط و تفسیر یافته‌ها می‌پردازیم.

کلاس‌های زبان انگلیسی به دلیل ویژگی‌های خاصی که دارند حائز شرایطی متفاوت با سایر کلاس‌ها می‌باشند. نمونه‌هایی از این ویژگی‌ها عبارتند از: بحث در مورد موضوعات مختلف، انجام دادن کارهای گروهی، و داشتن محیطی دوستانه و صمیمی (نک: پیش‌قدم ۲۰۱۱؛

پیش‌قدم، ذبیحی و شایسته، ۲۰۱۵). میزان فردیت^۳ در این کلاس‌ها بالاست و زبان‌آموزان به دنبال عرضه نظرات و عقاید خود می‌باشند. بی‌شک، این ویژگی‌ها مزایای بسیاری دربردارند و می‌توانند موجب افزایش خلاقیت، هوش هیجانی، تمایل به گفتگو، مهارت‌های اجتماعی و مقابله با خجالت و ترس از صحبت کردن در زبان‌آموزان شوند. در عین حال، باید توجه داشت که اگر مدیریت صحیحی در کلاس صورت نگیرد، این ویژگی‌ها می‌توانند موجب هدر رفتن زمان شوند.

یکی دیگر از ویژگی‌هایی که مختص کلاس‌های زبان انگلیسی است، مقایسه فرهنگ خودی با فرهنگ‌های دیگر به‌خصوص فرهنگ انگلیسی‌زبانان است. تحقیقات پیشین نشان داده است که متأسفانه این امر در اغلب موارد موجب استحاله فرهنگی زبان‌آموزان و حتی مدرسان می‌گردد (پیش‌قدم و صبور، ۲۰۱۱؛ ب؛ پیش‌قدم و ناوری، ۲۰۰۹؛ رحیمی، ۲۰۱۱؛ شاه‌سوندی، قن‌سولی و کامیابی، ۲۰۱۰). به‌نظر می‌آید زبان‌آموزان و مدرسان فقط جنبه‌های منفی فرهنگ غربی را فراگرفته و تقلید می‌کنند؛ در حالی که نسبت به جنبه مثبت آن که توجه به زمان و وقت‌شناسی است تأثیرپذیری کمتری دارند؛ البته به گفته خود آن‌ها شرایط بیرونی انگیزه وقت‌شناسی را تا حدودی از آن‌ها می‌گیرد.

تناقضی که در یافته‌ها دیده می‌شود این است که مصاحبه‌شوندگان نسبت به تأخیر اساتید در قرارها ابراز نارضایتی می‌کردند اما وقتی در سناریوی فرضی قرار می‌گرفتند و از آن‌ها پرسیده می‌شد که تا چه اندازه استاد می‌تواند دیر کند، تا نیم ساعت یا چهل و پنج دقیقه را بیان می‌کردند. این نکته نشان‌دهنده این مسئله است که در جامعه ما بُعد فرهنگی بر بعد اخلاقی ارجحیت دارد. در واقع همه می‌دانند که از نظر اخلاقی استاد نباید زمان دانشجویان را هدر دهد، اما به‌دلیل آن که رتبه استاد بالاتر از دانشجویست و نظام ادب در فرهنگ ما از نوع سلسله‌مراتبی است (اسلامی‌را‌سخ، توکلی و عبدالر‌ضاپور، ۲۰۱۰)، دانشجو تأخیر استاد را می‌پذیرد.

نکته جالب توجه این بود که شرکت‌کنندگان با واژه «وقت» بیشتر مأنوس بودند تا واژه «زمان» و در حین مصاحبه از واژه «وقت» بیشتر استفاده می‌کردند. این نکته می‌تواند به‌دلیل

رسمی تر بودن واژه «زمان» و در نتیجه پایین تر بودن میزان حس هیجانی^۴ (پیش قدم، طباطبایی و ناوری، ۱۳۹۲) م صاحبه شوندگان به آن با شد. این مسئله همچنین می تواند متذکر این نکته شود که در مصاحبه هایی که در پژوهش ها صورت می گیرد، کلماتی به کار رود که میزان حس هیجانی آنها برای شرکت کنندگان بالاتر است.

همان طور که یافته ها مشخص کردند، ریشه بی توجهی یا کم توجهی به زمان فرهنگ است. اگرچه در فرهنگ دینی و همچنین ادبیات ما توصیه بسیار به مغتنم شمردن وقت و هدر ندادن آن شده است، متأسفانه در فرهنگ روزمره آن طور که باید و شاید این توصیه رعایت نمی شود. بنابراین اگر بخواهیم مشکلات ناشی از عدم توجه به زمان را حل کنیم، می بایست فرهنگ وقت شناسی را در جامعه گسترش دهیم. این امر با نظارت بر رعایت زمان در کارها می تواند آغاز شود، زیرا همان طور که مصاحبه شوندگان اذعان داشتند، در اموری که نظارت بر آنها وجود دارد زمان رعایت می شود. نظارت و تشوق و تنبیه در ابتدا انگیزه بیرونی ایجاد می کند و به تدریج موجب ایجاد عادت واره و فرهنگ سازی می گردد. راهکار دیگر مربوط به حوزه آموزش زبان می شود. وقت شناسی که در فرهنگ انگلیسی زبانان وجود دارد می تواند الهام بخش و تأثیرگذار باشد. بدین ترتیب، این جنبه از فرهنگ انگلیسی زبانان (برخلاف جنبه های منفی آن) می بایست در کلاس های زبان و مطالب درسی پررنگ گردد. نکته قابل توجه دیگر آن است که میل افراد به سمت آینده که در نتایج مصاحبه ها آشکار بود، ضرورت انجام مطالعات در زمینه آینده پژوهی و سوق دادن هدفمند افراد به سمت آینده را ایجاد می کند.

موضوع زمان در حوزه آموزش زبان اهمیت و کاربردهای بسیاری دارد. با توجه به اینکه یادگیری زبان امری ضروری در دنیای امروز است، هرچه این فرآیند سریع تر صورت گیرد، به نفع زبان آموز است. در برخی از موارد، مانند آزمون های آیلتس و تافل، زبان آموزان در تنگنای زمان برای به دست آوردن نمره لازم قرار دارند که این مسئله اهمیت هوش زمانی را پررنگ می کند. در فرآیند آموختن ساختار زبان نیز شاید بتوان گفت زبان آموزی که حساسیت بیشتری نسبت به زمان دارد، صیغه های افعال را بهتر می تواند فراگیرد که این فرضیه جای تحقیق و

بررسی دارد. مفهوم کرونوتوپ نیز که پیش تر به آن اشاره شد، نقش بارزی در یادگیری ساختار زمانی زبان ایفا می کند.

پژوهش های بیشتری در راستای این مطالعه می تواند صورت گیرد. اولاً، دیدگاه دانشجویان و مدرسان سایر رشته ها در مورد مفهوم زمان و میزان اهمیتی که در نظام آموزشی، فرهنگ و جامعه ما به آن داده می شود، می تواند بررسی شود. ثانیاً، دیدگاه دانشجویان رشته های مختلف نسبت به مفهوم زمان می تواند با هم مقایسه شود. برای مثال، دانشجویان رشته فیزیک ممکن است دیدگاه متفاوتی نسبت به دانشجویان علوم انسانی در مورد مفهوم زمان داشته باشند. علاوه بر بافت آموزشی، دیدگاه سایر اقشار و مشاغل در مورد مسئله زمان و نحوه مدیریت آن جای تحقیق و بررسی دارد. پژوهش حاضر در سطح شهر مشهد به انجام رسیده است. بنابراین، انجام آن در سایر شهرهای ایران ممکن است نتایج متفاوتی را نشان دهد. همچنین، انجام این نوع پژوهش در سطح روستاها و مقایسه نتایج آن با دیدگاه مردم نسبت به زمان در شهرها می تواند اطلاعات جالبی در مورد این موضوع فراهم آورد.

کتابنامه

- پیش قدم، ر.، طباطبایی، م.، و ناوری، ص. (۱۳۹۲). تحلیل انتقادی و کاربردی نظریه های فراگیری زبان / اول: از پیدایش تا تکوین. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- Ali, A. J., & Amirshahi, M. (2002). The Iranian manager: work values and orientation. *Journal of Business Ethic*, 40, 133-143.
- Alves, B. (1997). Information about rubber time. Retrieved from [http:// www2.hmc.edu/~alves/rubber.html](http://www2.hmc.edu/~alves/rubber.html).
- Bemong, N. (2006). Chronotopes in the 19th-century Belgian historical novel: The case of Joseph Ronsse's Arnold Van Schoorisse. *Dutch Crossing*, 30(2), 276-294.
- Billing, et al. (2004). Temporal orientation and its relationships with organizationally valued outcomes: Results from a 14 country investigation. Retrieved from www.iaccp.org/sites/default/files/spetses_pdf/23_Billing.pdf
- Bourdieu, P. (1984). *Distinction: A social critique of the judgement of taste*. London: Routledge.
- Brislin, R. W., & Kim, E. S. (2003). Cultural diversity in people's understandings and uses of time. *Applied Psychology: An International Review*, 52, 363-382.
- Brown, R. & Renshaw, P. (2006). Positioning students as actors and authors: A choronotopicanalysis of collaborative learning activities' in mind. *Culture and Activity*, 13(3), 247-259.

- Carrasco, C., & Dominguez, M. (2014). Measured time, perceived time: A gender bias. *Time & Society*, 0(0), 1-22.
- Chastain, K. (1988). *Developing second language skills: Theory and practice* (3rded.). USA: Harcourt Brace Jovanovich.
- Clemens, J.K., & Dalrymple, S. (2005). *Time mastery: How temporal intelligence will make you a stronger, more effective leader*. New York: Amacom Books.
- Crossley, S. (2007). Achronotopic approach to genre Analysis: An exploratory study. *English for Specific Purposes*, 26, 4-24.
- Dornyei, Z. (2007). *Research methods in applied linguistics*. Oxford: Oxford University Press.
- Douglas, M. (1973). *Natural symbols: Explorations in cosmology*. London: Barrie and Jenkins.
- Doyle, A. & Francis-Smythe, J. A. (2009). Temporal intelligence and time management. Paper presented in 14th Congress of the European Association of Work and Organizational Psychology, Spain.
- Epstein, J. (1977). *Along the gringo trail*. Berkeley, CA: And/Or Press.
- Eslami-Rasekh, A., Tavakoli, M. & Abdolrezapour, P. (2010). Certainty and conventional indirectness in Persian and American request forms. *The Social Sciences*, 5(4), 332-339.
- Fairclough, N. (1989). *Language and power*. London: Longman.
- Francis-Smythe, J. & Robertson, I. (1999). Time-related individual differences. *Time & Society*, 8(2), 273-292.
- Greenstein, T. (1996). Gender ideology and perceptions of the fairness of the division of household labor: Effects on marital quality. *Social Forces* 74(3), 1029-1042.
- Hendrickson, J. (1978). Error correction in foreign language teaching: Recent theory, research, and practice. *The Modern Language Journal*, 62, 387-398.
- Hofstede, G. (1980). *Culture's Consequences: International Differences in Work-Related Values*. Beverly Hills, CA: Sage.
- Hopkins, J. C. (2006, July 12). "Indian time" irritates committee members. *The Gallup Independent* Retrieved from <http://gallupindependent.com/2006/july/071206ndntm.html>
- Javidan, M., & Dastmalchian, A. (2003). Culture and leadership in Iran: The land of individual achievers, strong family ties and powerful elite. *Academy of Management Executive*, 17(4), 127-142.
- Languages and its application. *Ferdowsi Review*, 1(1), 49-76.
- Levine, R. (1997). *A geography of time: The temporal misadventures of a social psychologist*. New York, NY: Basic Books.
- McGrath, J.E., & Tschan, F. (2004). *Temporal matters in social psychology: examining the role of time in the lives of groups and individuals*. Washington, DC: American Psychological Association.
- Nieto, S. (2010). *Language, culture and teaching*. (2nded.). London: Routledge.

- Pedersen, A. R. (2009). Moving away from chronological time: Introducing the shadows of time and chronotopes as new understandings of 'Narrative Time'. *Organization*, 16(3), 389-406.
- Pishghadam, R. & Navari, S. (2009). *Cultural literacy in language learning: Enrichment orderichment*. Paper presented in International Conference on Languages, Malaysia.
- Pishghadam, R. (2011). Introducing applied ELT as a new approach in second/foreign language studies. *Iranian EFL Journal*, 7(2), 8-14.
- Pishghadam, R., & Saboori, F. (2011b). A qualitative analysis of ELT in the language institutes of Iran in the light of the theory of 'World Englishes'. *Journal of Language Teaching and Research*, 2, 569-579.
- Pishghadam, R., & Saboori, S. (2011a). A chronotopic analysis of cover letters in Persian and English. *Cross-cultural Communication*, 7(3), 116-125.
- Pishghadam, R., Zabihi, R., & Shayesteh, Sh. (2015). *Applied ELT: A movement beyond applied linguistics*. Mashhad, Iran: KhateSefid.
- Rahimi, F. (2011). The thorny issue of teacher development in Iran: An utter fiasco or an alternative function? *World Applied Sciences Journal*, 13(6), 1380-1386.
- Schryer, C.F. (1999). Genre time/tpace: Chronotopicstrategies in the experimentalarticle. *Journal of Advanced Composition*, 19(1), 81- 89.
- Schryer, C.F. (2002). Genre and power: A chronotopic analysis. In R. Coe, L. Lingard, & T. Teslenko (Eds.), *The rhetoric and ideology of genre* (pp. 73-102). Cresskill, NJ: Hampton Press.
- Scollon, R., & Scollon, S. (2001). *Intercultural communication* (2nd ed.). Maiden, MA: Blackwell Publishers.
- Shahsavandi, Sh., Ghonsooly, B. & Kamyabi, A. (2010). Designing and
- Triandis, H.C. (1998). Vertical and horizontal individualism and collectivism: Theory and research implications for international comparative management. *Advances in International Comparative Management*, 12, 7-35.
- Validating home culture attachment questionnaire for students of foreign
- White, L.T., Valk, R., & Dialmy, A. (2011). What is the meaning of "On time"? The sociocultural nature of punctuality. *Journal of Cross-cultural Psychology*, 42(3), 482-493.

پیوست

۱. به نظر شما در نظام آموزشی ما چه قدر به زمان اهمیت داده می شود ؟
۲. به نظر شما در کلاس های زبان انگلیسی چه قدر به زمان اهمیت داده می شود ؟
۳. به نظر شما در فرهنگ روزمره ما چه قدر به زمان اهمیت داده می شود ؟
۴. بیشتر در گذشته، حال یا آینده زندگی می کنید؟

۵. آیا آشنایی با وقت شناسی در فرهنگ انگلیسی زبانان بر میزان وقت شناسی شما تأثیر گذاشته است؟
۶. استادی با دانشجویی در دفترش ساعت ۱۰ صبح قرار ملاقات دارد.
۷. به نظر شما: دانشجو چه زمانی برسد، دیر محسوب می‌شود؟
۸. استاد چه زمانی به دفترش برسد، دیر محسوب می‌شود؟
۹. دو همکار با هم قرار ملاقات دارند.
۱۰. به نظر شما هر کدام تا چند دقیقه دیر برسند، دیر محسوب می‌شود؟
۱۱. دوست نزدیکتان را به نهار دعوت کرده‌اید. قرارتان ساعت ۱ بعدازظهر است.
۱۲. به نظر شما دوستان چه زمانی برسد، دیر محسوب می‌شود؟

تحلیل فمینیستی گفتمان و توازن قدرت در رمان شمال و جنوب اثر الیزابت گاسکل بر پایه نظریه کنش‌های گفتاری جان سرل

سارا خزاعی (دانشجوی دکتری ادبیات انگلیسی دانشگاه تهران، پردیس البرز، کرج، ایران)

sarakhazai@hotmail.com

مریم سلطان‌بیاد (دانشیار زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه تهران، تهران، ایران، نویسنده مسئول)

msbeyad@ut.ac.ir

محمودرضا قربان‌صباغ (استادیار زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

mrg.sabbagh@um.ac.ir

چکیده

مطالعه جایگاه زنان در قرن نوزدهم انگلستان با بررسی گفت‌وگوهای رمان شمال و جنوب اثر الیزابت گاسکل بر مبنای نظریه کنش گفتارهای جان سرل و شاخص‌های مؤثر بر آن‌ها نشان می‌دهد زنان، علی‌رغم قوانین حاکم بر مراودات اجتماعی و با حفظ شئون رفتار دوران خود، از زبان برای بهبود موقعیتشان به‌طور غیرمستقیم بهره برده‌اند. نورمن فرکلایف معتقد است ایدئولوژی غالب بر جامعه به‌شکلی چهره منطقی و طبیعی به‌خود می‌گیرد که گفتمان قدرت در دست گروه حاکم باقی بماند؛ اما بررسی زبان‌شناختی-فمینیستی آشکار می‌سازد که همسو با نظریه دبورا تانن، کلام و رفتار زنان بیشتر از آن که نشان‌دهنده شخصیت درونی آن‌ها باشد، حالت نمایشی دارد. قهرمان زن در نمونه گفت‌وگوهای بررسی‌شده غالباً تغییراتی در انتخاب کنش خود ایجاد می‌نماید تا در توصیف ذهنیت شخصی‌اش موفق به ایجاد تأثیر قابل قبول در مخاطب شود. در پایان رمان‌هایی نظیر شمال و جنوب، علی‌رغم سکوت و فروتنی شخصیت زن در پایان داستان، دیدگاه‌های وی طی فرآیندی متشکل از تأثیرهای پی‌درپی، به قهرمان مرد داستان منتقل شده و در تصمیم‌ها و رفتار اجتماعی بعدی مرد نمود آشکاری دارد.

کلیدواژه‌ها: تحلیل گفتمان، شمال و جنوب، جان سرل، کنش گفتار، فمینیسم

۱. مقدمه

مطالعات بسیاری درباره جایگاه زنان در قرن نوزدهم انگلستان و روابط اجتماعی حاکم بر آن‌ها انجام شده است. تحلیل گفتمان نیز نشان داده است که تفاوت رفتاری زنان و مردان در گفت‌وگو و انتظارات آن‌ها از شنونده خود با میزان اختلاف نظر و سوء تعبیر آن‌ها از کلام یکدیگر ارتباط مستقیم دارد.^۱ به‌کارگیری تئوری‌های جان سرل^۲ در زمینه کنش‌های گفتاری^۳ از منظر بررسی توازن قدرت و شاخص‌های^۴ مؤثر بر آن‌ها می‌تواند بر تأیید یا رد تفوق مردان در جامعه مردسالار این دوره ابزار قابل توجهی باشد و در نقد شخصیت‌پردازی و درون‌مایه رمان‌های کلاسیک انگلیسی مورد استفاده قرار بگیرد.

۲. پیشینه پژوهش

در قرن نوزدهم توماس رید^۵ از نخستین افرادی بود که انواع مختلف جمله را بر مبنای کاربرد اجتماعی^۶ یا کنش‌های اجتماعی^۷ تعریف کرد (رید، ۱۸۹۵، ص. ۷۲). چند سال بعد ۱۹۱۳ آدولف رایناخ^۸ نیز به کنش‌های اجتماعی اشاره کرد و برای اولین بار نظریه نظام‌یافته کاربرد اجرایی^۹ زبان را ارائه داد (رایناخ، ۱۹۸۳، ص. ۱۴۲). جی. ال. آستین^{۱۰} در ۱۹۵۵ طی سخنرانی مشهوری در هاروارد که پس از مرگش با عنوان *چه می‌توان کرد*، منتشر شد، با فرضیه قدیمی ارسطو که زبان تنها شامل جملات صحیح یا غلط است، مخالفت کرد و

۱. این تحقیق مستخرج از رساله دکتری سارا خزاعی با عنوان *گفتمان زنانه: تحلیل سبک شناختی گفتگو در رمان‌های «اما» (جین آستین)، «شرلی» (شارلوت برونته)، «شمال و جنوب» (الیزابت گاسکل) و «دور از اجتماع خشمگین» (توماس هاردی)* می‌باشد که در آن نظریه سرل در تحلیل گفتمان چهار رمان انگلیسی قرن نوزدهم استفاده و نتایج با یکدیگر مقایسه شده است.

2. John Searle
3. Speech Acts
4. Dimensions
5. Thomas Reid
6. Social Operations
7. Social Acts
8. Adolf Reinach
9. Performative Use
10. J. L. Austin

نظریه پاره‌گفتارهای اجرایی^۱ خود را ارائه کرد. از نظر آستین، زبان ماهیتی اجرایی دارد؛ چرا که در هر گفتار، عملی با نتیجه مختص آن انجام می‌شود (آستین، ۱۹۶۲، ص. ۷).

۳. فرضیه‌ها

۳.۱. جان سرل در کتاب خود با عنوان کنش‌های گفتاری، مقاله‌ای در باب تفسیر زبان (۱۹۶۹) از نظریه آستن فراتر رفت و گفتار را شامل اجرای کنش‌هایی دانست که اهداف و قوانین خاص خود را دنبال می‌کنند (سرل، ۱۹۶۹، ص. ۴). سرل کنش‌های گفتاری را به پنج گروه تقسیم کرد:

کنش گفتار تصریحی^۲ که در آن گوینده به درجات مختلف، حقیقت محتوای گزاره‌ای^۳ را قابل اثبات می‌داند، مانند بیانیه‌ها، توضیح‌ها و تأکیدها.

کنش گفتار جهت‌بخش^۴ که گوینده قصد دارد بدین وسیله شنونده را به سوی انجام کاری سوق دهد، مانند دستورات، خواهش‌ها و توصیه‌ها.

کنش گفتار تعهدی^۵ که گوینده توسط آن‌ها خود را ملزم به انجام کاری در آینده می‌کند. بارزترین نمونه این کنش گفتار قول‌دادن است، اما سوگندها، تهدیدها، قراردادهای و تعهدات هم از این دسته‌اند.

کنش گفتار بیانی^۶ که در آن‌ها گوینده نظر یا احساس خود را در مورد امر یا وضعیتی ابراز می‌دارد. عذر خواهی، سپاس‌گزاری و تبریک از این دسته‌اند.

کنش گفتار اعلامی^۷ که در آن‌ها گوینده با گفتار خود شرایط را متحول می‌کند و در صورت موفقیت سخنش، تغییری در جهان پیرامونش به وجود می‌آید، مانند اعلام جنگ، اعلام وصلت زناشویی دو نفر یا اعلام ختم جلسه (سرل، ۱۹۶۹، ص. ۵-۶).

-
1. Performative Utterances
 2. Assertive
 3. Propositional Content
 4. Directive
 5. Commissive
 6. Expressive
 7. Declarative

- ۲.۳. سرل سپس کنش‌های گفتاری جهت‌بخش را به دو دسته تقسیم می‌کند:
۱. جهت‌بخش‌های آمرانه یا الزامی^۱ که گوینده قصد دارد از طریق آن‌ها تغییری در شرایط یا رفتار شنونده به نفع خود ایجاد کند (مانند تقاضاها، دستورات و خواهش‌ها).
 ۲. جهت‌بخش‌های رهنمودی یا ترغیبی^۲ که هدفشان ایجاد رفتاری در شنونده است و مصلحت او را در بر داشته باشد (مانند نصیحت، هشدار، راهنمایی و دستورالعمل).
 - ۳.۳. سرل می‌افزاید که گاهی کنش‌های گفتاری غیرمستقیم^۳ هستند؛ به این معنا که «یک کنش به صورت غیرمستقیم حاوی کنش دیگری» است (سرل، ۱۹۷۵/۲۰۰۲، ص. ۶۰).
 - ۳.۴. آستین، گفتار را به دو گروه بیان^۴ و منظور^۵ تقسیم کرده و سرل گروه سومی را با عنوان تأثیر^۶ به این طبقه‌بندی افزوده است. البته وی اذعان می‌کند که اصطلاحات آستین را با تردید به کار می‌برد و کاملاً با دسته‌بندی وی موافق نیست (سرل، ۱۹۷۵/۲۰۰۲، ص. ۶۰). سرل توضیح می‌دهد:
- هیچ گفتاری بدون در نظر گرفتن بافت اجتماعی و فیزیکی و ذهنیات گوینده‌اش قابل درک نیست. کنش گفتار، به قصد، باور یا خواسته محدود نمی‌شود بلکه با قصدمندی^۷ سروکار دارد (...). قصدمندی از منظور گوینده فراتر می‌رود و با زبان (...) و با باورهای ما هنگام توصیف جهان مرتبط است... (ص. ۵) هنگام بیان جملات، تنها هدف ما رساندن منظور خود نیست بلکه به دنبال ایجاد تأثیر هستیم. (سرل، ۱۹۷۵/۲۰۰۲، ص. ۲۰)
- ۳.۵. چنانچه منظور قادر به ایجاد تأثیر مورد نظر در شنونده نباشد، سرل معتقد است قابلیت بیانی^۸ می‌تواند به گوینده کمک کند با کنش‌گفتارهای متعدد مفهوم خود را روشن‌تر نماید (فوشن^۹، ۲۰۰۰، ص. ۱۹).

-
1. Impositive
 2. Non-Impositive
 3. Indirect
 4. Locution
 5. Illocution
 6. Perlocution
 7. Intentionality
 8. Principle of Expressibility
 9. Nick Fotion

۳. ۶. سویه انطباق^۱: در سال ۱۹۷۵ در مقاله «رده‌بندی کنش منظوری» سرل طبقه‌بندی خود را با طرح قانون جدیدی نظام‌مندتر کرد. او از سویه انطباق میان زبان و واقعیت یا ذهن و جهان که در دو جهت بررسی می‌شود سخن به میان آورد. برخی کنش گفتارها هیچ‌گونه سویه انطباقی ندارند، در حالی که برخی دوسویه هستند. انواع گفتار تصریحی دارای سویه انطباق کلام به جهان هستند. به این معنا که حقیقت آن‌ها در جهان اطراف قابل مشاهده است. گفتار جهت‌بخش سویه انطباقش جهان به کلام است. به عبارتی کلام باعث ایجاد تغییر در جهان می‌شود. کنش گفتارهای بیانی سویه انطباق ندارند. یعنی گوینده تنها با واقعیات شخصی خود سروکار دارد و قصد توصیف واقعیات جهان یا تغییر آن‌ها را ندارد. کنش گفتار اعلامی هم‌زمان سویه انطباق کلام به جهان و جهان به کلام را دارد. هم توصیف‌گر واقعیات است و هم در جهان خود تغییر به وجود می‌آورد.

۳. ۷. سرل دوازده نوع شاخص^۲ برای کنش گفتارهای خود در نظر می‌گیرد (سرل، ۱۹۷۹، ص. ۸-۲):

۱. هدف کنش؛
۲. سویه انطباق (خصوصاً در کنش‌های اعلامی)؛
۳. فکر یا ذهنیت ابراز شده؛
۴. شدت یا قدرت بیان (مخصوصاً در کنش‌های تعهدی، تصریحی، جهت‌بخش و بیانی)؛
۵. موقعیت یا جایگاه نسبی شنونده و گوینده (مخصوصاً در کنش‌های جهت‌بخش و اعلامی)؛
۶. منفعت نسبی گفتار برای شنونده و گوینده (مخصوصاً در کنش‌های تصریحی و بیانی)؛
۷. بافت گفت‌وگو (مخصوصاً در کنش‌های تصریحی)؛
۸. محتوای گزاره‌ای^۳؛

1. Direction of Fit

2. Dimension

3. Propositional Content

۹. الزام کنش گفتار بودن برخی کنش‌ها و عدم وجود چنین الزامی در برخی دیگر (مثلاً اعلام یک فهرست کنش نیست در حالی که قول دادن ماهیت کنش گفتاری دارد)؛
۱۰. نیاز یا عدم نیاز به تأیید نهادی فرازبانی (مخصوصاً در کنش‌های اعلامی و تعهدی)؛
۱۱. استفاده یا عدم استفاده از افعال منظوری مخصوصاً در کنش‌های تصریحی؛
۱۲. نحوه اجرای کنش گفتار.
۳. ۸. دشواری به کار بستن دقیق تئوری سرل زمانی آشکار می‌شود که در جملات مورد بحث، انواع کنش‌های گفتاری به آسانی قابل تفکیک نیستند. برای مثال، در دسته‌بندی کنش‌های گفتاری تصریحی و بیانی سرل توضیح می‌دهد که در گفتار بیانی از آنجا که گوینده تنها قصد دارد ذهنیت شخصی خود را به شنونده منتقل کند، حقیقت گفته او جای بحث و بررسی ندارد (سرل، ۱۹۷۹، ص. ۱۵-۱۶). جاشوا^۱ راست^۲ در همین مورد می‌افزاید که در گفتار بیانی از آن جا که انتظار عکس‌العمل خاصی از شنونده نداریم، برای موفق بودن کنش، شرایط خاصی وجود ندارد و بدون سویی انطباق است (راست، ۲۰۰۹، ص. ۱۰۳). نیک فوشن نیز توضیح می‌دهد که از نظر سرل، کنش گفتار بیانی الزاماً تنها بیانگر احساسات نیست و هدف اجتماعی آن درک متقابل و بهبود روابط طرفین است (فوشن، ۲۰۰۰، ص. ۵۰-۵۴).
- مارینا اسبیس^۳ می‌گوید قضاوت‌ها، عکس‌العمل‌ها و سردرگمی‌های فکری، کنش گفتار بیانی هستند در حالی که کنش‌های تصریحی مشتمل بر اطلاعات قابل اثباتند: «گاهی کنش تصریحی با افعالی مانند تصور، فکر یا گمان کردن همراه هستند که در دسته‌بندی تصریح احتیاط‌آمیز^۴ قرار می‌گیرند و پاسخ شنونده یا برداشت^۵ او نوع کنش را مشخص می‌کند» (اسبیس، ۱۹۹۲، ص. ۱۰۷).

1. Joshua Rust

2. Marina Sbisa

3. Hedged Assertives

4. Uptake

۴. بحث و بررسی

شمال و جنوب^۱ اثر الیزابت گاسکل^۲ داستان دختر جوانی را به نام مارگارت نقل می‌کند که در اواسط قرن نوزدهم همراه خانواده‌اش از زندگی سنتی و آرام جنوب انگلستان به نواحی صنعتی و پر جنب‌وجوش شمال نقل مکان نموده و در ابتدای امر نسبت به ارزش‌های مدرن و مادی شمال دیدگاهی بسیار منتقدانه دارد.

در بررسی رمان شمال و جنوب، دو نکته از زندگی شخصی گاسکل حائز اهمیت هستند. نخست اینکه وی پس از زندگی در لندن و سپس دهکده ناتزفورد در جنوب انگلستان در ۱۸۳۲ با کشیشی وحدت‌گرا ازدواج کرد و در شهر منچستر سکنی گزید. شهر صنعتی تخیلی میلتن در این داستان براساس منچستر قرن نوزدهم ترسیم شده و گاسکل با توجه به اطلاعات وسیع و شخصی خود از انقلاب صنعتی این دوران، مباحث روز را به شکل اختلاف آرا و گفت‌وگوهای بین شخصیت‌ها مطرح کرده است.

نکته مهم دوم اینکه گاسکل همچنین با شارلوت برونته، نویسنده معاصر خود، دوستی و مکاتبه داشت و زندگینامه وی را نیز به رشته تحریر در آورد. رمان شرلی^۳ (۱۸۴۹) برونته که شش سال قبل از شمال و جنوب (۱۸۵۵) منتشر شده بود نیز محوریت انقلاب صنعتی و اعتصاب‌ها و شورش‌های متعاقب آن را دارد و پیچیدگی‌های مشکلات موجود را عمدتاً از دیدگاه رابرت مور^۴، شخصیت کارخانه‌دار داستان، به رشته تحریر در می‌آورد. خانم گاسکل نیز در رمان پیشین خود مری بارتون^۵ (۱۸۴۸) به موضوع مشکلات کارگران منچستر پرداخته بود، اما قهرمانان اصلی این کتاب همگی از طبقه کارگر شهر هستند.

شمال و جنوب برخلاف آثار مشابه، شخصیت زن خود، مارگارت، را از خانواده‌های اصیل و سنتی مناطق کشاورزی جنوب انگلستان و پشتیان و دلسوز حقوق کارگران، و تورنتون^۶، شخصیت مرد، را صاحب کارخانه نساجی از شمال انتخاب می‌کند که در دیدگاه مارگارت،

-
1. North & South
 2. Elizabeth Gaskell
 3. Shirley
 4. Robert Moore
 5. Mary Barton
 6. Thornton

تازه به دوران رسیده و نسبت به شرایط کارگران خود بی تفاوت است. مشکل اعتصاب‌های کارگری و شورش‌های خشن علیه کارخانه‌داران که در شرلی به نابودی دستگاه‌های جدید کارخانه و تیراندازی به صاحب آن می‌انجامد، در اینجا با بحث‌های مفصل شخصیت‌ها همراه است و یک نمونه مهم آن مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

مارگارت و تورنتون در فصل هفتم کتاب برای نخستین بار ملاقات کرده و گفت‌وگوی کوتاهی دارند که راوی آن را گزارش می‌کند. در مجموع، در طول داستان دوازده تبادل گفتاری میان آن‌ها صورت می‌گیرد که مکالمه مورد بحث در این مقاله سومین برخورد مهم آن‌هاست. از آنجا که در ادامه داستان به تدریج دیدگاه‌های تورنتون بسیار به مارگارت نزدیک می‌شود و این تغییر در مکالمه‌های بعدی، در اعمال توصیه‌های مارگارت برای برخورد با کارگران و بهبود شرایط آن‌ها توسط تورنتون، محسوس است و در عین حال مارگارت نیز به تدریج درک بهتری از شرایط کارفرمایان پیدا می‌کند، گفت‌وگوی فصل پانزدهم شمال و جنوب با عنوان «کارگران و کارفرمایان» (گاسکل، ۲۰۱۲/۱۸۵۵، ص. ۱۸۱-۱۸۳) از جایگاه ویژه‌ای در درون‌مایه داستان و شخصیت‌پردازی آن برخوردار است.

در اینجا مارگارت به تازگی در مکالمه کوتاهی با مادر آقای تورنتون با مفهوم اعتصاب آشنا شده و اطلاعاتی در مورد وضعیت کارگران از طریق دوستی با کارگری معترض و عضو فعال اتحادیه کارگران و دختر بیمارارش کسب کرده است. با اشاره آقای تورنتون به اعتصابی عنقریب در تمام کارخانه‌های میلتن، گفت‌وگوی طولانی بین آن‌ها رخ می‌دهد که بخشی از آن از دیدگاه نظریه کنش گفتار سرل بررسی خواهد شد.

«به نظر من دسته‌جمعی اعتصاب خواهند کرد. ظرف چند روز آینده می‌توانید میلتن را بدون دود ببینید دوشیزه هیل.»

مارگارت پرسید:

«چرا دلایل موجهتان در مورد رکود تجاری را به کارگران توضیح نمی‌دهید؟ شاید من درست از اصطلاحات استفاده نمی‌کنم، ولی گمانم متوجه منظور من می‌شوید.»

«شما به خدمت‌کاران منزلتان توضیح می‌دهید که چه‌طور پولتان را خرج می‌کنید یا در آن صرفه‌جویی می‌کنید؟ ما اجازه نداریم در مورد سرمایه تجاری خودمان شخصاً تصمیم بگیریم؟»

مارگارت زیر لب گفت:

«حق انسانى.»

«مى بخشید؛ نشنیدم چه گفتید.»

«ترجیح مى دهم جمله ام را تکرار نکنم. این به عواطفى مربوط مى شود که فکر نمى کنم شما درکش کنید.»

ناگهان همه توجه آقای تورنتون روی شنیدن جمله مارگارت متمرکز شد و با ملایمت خواهش کرد:

«چرا امتحانم نمى کنید؟»

مارگارت از پافشارى او کلافه شده بود، اما ترجیح داد به کلام خود، اهمیتی زیاده از حد نسبت ندهد.

«گفتم بله، شما حق قانونی دارید که هرچه خواستید با سرمایه تان انجام بدهید، ولی باید حق انسانى را هم در نظر گرفت.»

«مطمئناً عقاید مذهبی ما با هم خیلی تفاوت دارند، اما باور نمى کنید که من هم اعتقاداتی دارم؟»

آقای تورنتون با صدای آرام، طوری صحبت می کرد که گویی تنها مارگارت را طرف خطاب قرار می دهد و مارگارت میل نداشت تنها مخاطب او باشد، بنابراین با صدای بلندتر جواب داد: «من قصد کنکاش در عقاید مذهبی شخص شما را ندارم. منظورم فقط این بود که از نظر قانونی، کارفرما حق دارد پولش را هدر بدهد یا حتی دور بریزد، اما بنا بر آنچه در انجیل آمده، من به شخصه نتیجه می گیرم که کارفرما نسبت به کارگر خود وظیفه سرپرستی دارد. به هر حال، من در مورد اعتصاب، میزان حقوق و سرمایه هیچ اطلاعی ندارم و بهتر است با کسی مثل شما که تجربه اقتصاد سیاسی هستید، صحبت نکنم.»

آقای تورنتون با اشتیاق گفت:

«اتفاقاً بهتر است سؤالاتتان را مطرح کنید. اگر به عنوان یک تازه وارد، نکته ای به نظرتان متناقض یا مرموز می رسد، با کمال میل برایتان توضیح خواهم داد، به خصوص که این روزها همه قلم به دست گرفته اند که تصمیم های ما را زیر سؤال ببرند.»

مارگارت به سردی پاسخ داد:

«متشکرم، ولی اگر در این شهر عجیب به نکته مبهمی برخورد کنم، ابتدا سؤالاتم را با پدرم در میان خواهم گذاشت».

«میلتون به نظرتان عجیب می‌آید؟ چرا؟»

«نمی‌دانم... شاید به این دلیل که دو طبقه اجتماعی آن از همه نظر به هم متکی هستند، اما هریک منافع دیگری را ضد منافع خود می‌داند. تا به حال ندیده بودم که دو گروه تا این حد از هم انتقاد کنند».

«آن نکات منفی در مورد کارخانه‌داران را از که شنیده‌اید؟ می‌دانم مُصرّید حرف‌های آن شب مرا سوء تعبیر کنید و به همین دلیل نمی‌پرسم چه کسی ضد کارگران حرف زده، اما چه کسی از کارفرماها بد گفته؟»

مارگارت سرخ شد و لبخندی زد:

«از بازخواست خوشم نمی‌آید و به سؤالتان جواب نمی‌دهم. به هر حال، هویت راوی تأثیری روی شرایط و واقعیات موجود ندارد. باید حرفم را بپذیرید. فقط می‌گویم که شنیده‌ام کارفرماها ترجیح می‌دهند کارگرها بی‌پول باشند، چون اگر در بانک پس‌اندازی داشته باشند، زیادی مستقل می‌شوند» (گاسکل، ۲۰۱۲/۱۸۵۵، ص. ۱۸۱-۱۸۳).

از آنجاکه آقای تورنتون زاده و ساکن شهر صنعتی میلتون و کارخانه‌داری مجرب است، طبیعتاً انتظار می‌رود گفتار او عمدتاً از نوع کنش تصریحی باشد و مارگارت به عنوان یک زن ویکتوریایی ناآشنا با زیر و بم محیط شهری می‌بایست با تعدادی کنش گفتار جهت‌بخش الزامی، به دنبال آشنایی عمیق‌تر با شهر و پاسخ سؤالات خود باشد. پس احتمال دارد وی اطلاعاتی را که در اختیارش گذاشته شده، با چند کنش گفتار بیانی مورد ارزشیابی قرار دهد تا نظر و احساس خود را نسبت به یافته‌هایش اعلام دارد. همچنین تسلط آقای تورنتون به موضوع مورد بحث بایستی موجب شود وی تعداد کنش‌های بیشتری در این گفت‌وگو داشته باشد.

مطابق پیش‌بینی و انتظار خواننده، مارگارت در لابه‌لای جملات خود اذعان می‌کند که اطلاعات روشنی در اختیار ندارد و طی چند کنش گفتار بیانی، تورنتون را «خبره اقتصاد

سیاسی» می‌خواند. وی همچنین در یک کنش گفتار تعهدی، اعلام می‌دارد که سؤال‌های آینده خود را با پدرش (یعنی یک مرجع مذکر دیگر) در میان خواهد گذاشت:

«شاید من درست از اصطلاحات استفاده نمی‌کنم...»

«به هر حال من در مورد اعتصاب، میزان حقوق و سرمایه هیچ اطلاعی ندارم و بهتر است با کسی مثل شما که خبره اقتصاد سیاسی هستید بحث نکنم.»

«نمی‌دانم...»

«...اگر در این شهر عجیب به نکته مبهمی برخورد کنم، ابتدا سؤالاتم را با پدرم در میان خواهم گذاشت.»

اما جالب توجه است که در مجموع مارگارت فقط از یک کنش گفتار جهت‌بخش الزامی برای مطرح کردن سؤال استفاده می‌کند و تنها کنش جهت‌بخش دیگر او در این مکالمه طولانی کنش گفتار الزامی آمرانه است: «چرا دلایل موجهتان در مورد رکود تجاری را به کارگران توضیح نمی‌دهید؟» و «باید حرفم را بپذیرید...».

در مقابل، آقای تورنتون تعداد زیادی کنش گفتار جهت‌بخش در قالب سؤالات خود استفاده می‌کند:

«شما به خدمتکاران منزلتان توضیح می‌دهید که چطور پولتان را خرج می‌کنید یا در آن صرفه‌جویی می‌کنید؟» / «چرا امتحانم نمی‌کنید؟» / «مطمئنأ عقاید مذهبی ما با هم خیلی تفاوت دارند، اما باور نمی‌کنید که منهم اعتقاداتی دارم؟» / «میلتون به نظرتان عجیب می‌آید؟ چرا؟» / «آن نکات منفی در مورد کارخانه‌داران را از که شنیده‌اید؟... چه کسی از کارفرماها بد گفته؟»

مارگارت مشخصاً تمایلی به ارائه پاسخ به این سؤالات از خود نشان نمی‌دهد:

تورنتون: «می‌بخشید نشنیدم چه گفتید.»

مارگارت: «ترجیح می‌دهم جمله‌ام را تکرار نکنم.»

عدم تمایل مارگارت به ارائه پاسخ مناسب به سؤالات تورنتون طبق نظریه لوینسون^۱ نوعی پاسخ نامطلوب^۲ است که طی آن شنونده با تأخیر، مقدمه‌چینی یا توضیحات از پاسخ مستقیم

1. Levinson

2. Dispreferred Response

خودداری می‌کند، جواب رد می‌دهد یا مخالفت می‌نماید (لویسنسون، ۱۹۸۳، ص. ۳۳۳-۳۳۶). در اینجا مارگارت تلاشی در جهت ملایم‌تر یا مسالمت‌آمیزتر کردن جواب خود به خرج نمی‌دهد. با اینکه پاسخ‌های نامطلوب غالباً طولانی‌تر هستند و توضیحاتی در توجیه گوینده یا عذرخواهی وی از شنونده به همراه دارند، مارگارت تنها به اختصار و صراحت، به پاسخ منفی اکتفا می‌کند. مشخصاً اختلاف نظر موجود، از نظر مارگارت بی‌اهمیت است، اما تورنتون برای رسیدن به پاسخ «مطلوب» تلاش می‌کند:

ناگهان همه توجه آقای تورنتون روی شنیدن جمله مارگارت متمرکز شد و به ملایمت خواهش کرد:

«چرا امتحانم نمی‌کنید؟»

مارگارت از پافشاری او کلافه شده بود، اما ترجیح داد به کلام خود، اهمیتی زیاده از حد نسبت ندهد.

نهایتاً مارگارت سؤالات تورنتون را مورد نقد قرار می‌دهد و با استفاده از یک کنش گفتار جهت‌بخش الزامی تند به «بازخواست» او پایان می‌دهد: «از بازخواست خوشم نمی‌آید.» به سؤالتان جواب نمی‌دهم. / به هر حال هویت راوی تأثیری روی شرایط و واقعیات موجود ندارد. / باید حرفم را بپذیرید.»

علاوه بر این، در طول مکالمه تعداد کنش‌های مارگارت، سی و آقای تورنتون نوزده عدد است که نشان می‌دهد مارگارت بیشتر گوینده بوده تا شنونده. البته همان‌طور که انتظار می‌رفت بیشتر کنش‌های گفتاری هر دو طرف تصریحی هستند. چند کنش گفتار بیانی برای ابراز تردید و بی‌اطلاعی مارگارت، پس از کنش‌های تصریحی بیشترین تعداد کنش‌های او را به خود اختصاص می‌دهند. در گفتار تورنتون، رتبه دوم پس از کنش‌های تصریحی، چندین جهت‌بخش سؤالی هستند. تعدادی از کنش‌های وی نیز علی‌رغم بیانی بودن با عباراتی مانند «به نظر من» و «تصور می‌کنم» همراه هستند که باعث می‌شود در دسته‌بندی احتیاط‌آمیز قرار بگیرند و به کنش‌های تصریحی نزدیک شوند: «به نظر من دسته‌جمعی اعتصاب خواهند کرد. تصور می‌کنم ظرف چند روز آینده بتوانید میلتون را بدون دود بینید دوشیزه هیل.»

دومین کنش بیانی تورنتون نیز از گروه احتیاط‌آمیز است و در حقیقت کاربرد جهت‌بخشی و خواهشی دارد: «بخشید نشنیدم چه گفتید.» یکی از سؤالات او نیز با وجود قرار گرفتن در گروه کنش گفتارهای جهت‌بخش، در حقیقت حالت تصریحی دارد و سؤال واقعی نیست: «شما به خدمتکاران منزلتان توضیح می‌دهید که چطور پولتان را خرج می‌کنید یا در آن صرفه‌جویی می‌کنید؟» استفاده مکرر تورنتون از کنش گفتارهای احتیاط‌آمیز البته ناشی از استراتژی‌های برخورد مؤدبانه^۱ در فرهنگ طبقه تحصیل‌کرده و متوسط به بالای قرن نوزدهم است. مارگارت نیز سه کنش گفتار تعهدی به کار می‌برد که همگی احتیاط‌آمیز هستند و آشکارا نشان می‌دهند که تورنتون را به عنوان منبعی موثق نپذیرفته و تمایل به ختم مکالمه دارد: «بهرتر است با کسی مثل شما که تجربه اقتصاد سیاسی هستید بحث نکنم.» (کنش بیانی در قالب تعهدی)

«اگر در این شهر عجیب به نکته مبهمی برخورد کنم، ابتدا سؤالاتم را با پدرم در میان خواهم گذاشت.» (کنش تعهدی به معنای بیانی: مایل نیستم سؤالاتم را از شما بپرسم.) «به سؤالاتان جواب نمی‌دهم.» (کنش بیانی در قالب تعهدی: مایل به جواب دادن نیستم.) در شاخص دهم سرل برای کنش‌های گفتار، احتمال نیاز به تأیید یک نهاد فرا زبانی مطرح می‌شود. آقای تورنتون برای موجه نشان دادن کنش‌های تصریحی و بیانی خود اغلب به تجربه بیشتر و دانسته‌های اقتصادی تجاری که از زندگی طولانی در یک شهر صنعتی کسب کرده، تکیه می‌کند. خواننده کتاب طبیعتاً ترغیب می‌شود در سنجش کنش‌های گفتاری وی به عمق اطلاعات و تجربه موفق کاری‌اش رجوع کند. در مقابل، پایه کنش‌های تصریحی بیانی مارگارت، عقاید سنتی مذهبی، نوع دوستی و خیرخواهی اوست که در سفر مجدد خود به هلستون، صراحتاً به رؤیایی بودن ذهنیت‌های سابقش در مورد بی‌نقص بودن جنوب اعتراف می‌کند.

علی‌رغم نوع دوستی و همدلی مارگارت با طبقه کارگر، وی از ابتدا تعصب شدیدی نسبت به تجار تازه به دوران رسیده از خود نشان می‌دهد و در مکالمه‌ای در ابتدای کتاب از معاشرت با آنان ابراز انزجار می‌کند: «خانواده گورمن که ثروتشان نتیجه تجارت در ساوت‌همپتون است؟

چه بهتر که با آن‌ها معاشرت نکنیم. من از بازاری‌ها خوشم نمی‌آید. کارگران، روستایی‌ها و مردم بی‌ادعا خیلی به آن‌ها ارجحیت دارند (...). قرار نیست با قصاب و نانوا و شمع‌ساز دم‌خور شوم؛ نه مادر؟» (ص. ۳۵-۳۶). همچنین زمانی که پدرش به وی اطلاع می‌دهد به کارخانه‌داران میلتون ادبیات کلاسیک تدریس خواهد کرد با لحن تحقیرآمیزی می‌پرسد: «تدریس خصوصی؟ یک مشت تاجر بازاری می‌خواهند مثل اصیل‌زادگان، ادبیات کلاسیک بیاموزند؟ به چه هدفی؟» (ص. ۶۵) و حتی با وجود تفوق مالی آقای تورنتون بر خانواده‌اش، کارخانه‌دار بودن وی را از ضعف‌هایش می‌داند: «این‌که آقای تورنتون تاجر شده، خب مرد بی‌چاره دیگر تحصیلاتش اجازه نمی‌دهد شغل دیگری انتخاب کند» (ص. ۱۱۷).

در فصل بیستم کتاب با عنوان «مرد یا نجیب‌زاده» شاهد گفتگوی کوتاه دیگری بین مارگارت و آقای تورنتون هستیم که علی‌رغم فاصله زیاد با پایان داستان، تفاوت محسوسی در نحوه تعامل آن‌ها نشان می‌دهد. با وجود کوتاه‌بودن این مکالمه، از موضوع آن برای عنوان فصل استفاده شده و در ادامه کتاب نیز چندین بار بدان اشاره می‌شود:

«صدای آقای تورنتون از کنار دست مارگارت او را از افکارش بیرون کشید:

«در بحث سر میز شام، احساس کردم شما با موضوع ما موافقید؛ درست است دوشیزه هیل؟»
 «البته! گرچه اطلاعات چندانی در این زمینه ندارم، اما از این‌که کسی مخالف این عقاید باشد، در حیرتم. مثلاً همان آقای ماریسون - که آقای هورس‌فال از او نام بردند - نباید نجیب‌زاده واقعی باشد، نه؟»

«شاید من مرجع خوبی برای قضاوت در مورد نجیب‌زاده بودن افراد نباشم دوشیزه هیل. منظورم این است که نمی‌دانم شما کدام کاربرد این اصطلاح را در نظر دارید. اگر بخواهم بر مبنای صحبت‌های آقای هورس‌فال نظر بدهم، باید بگویم که آقای ماریسون مرد واقعی نیست.»

«فکر می‌کنم اصطلاح نجیب‌زاده که من استفاده کردم، شامل اصطلاح مرد شما هم هست.»
 «اما تصور می‌کنم شما با به‌کار بردن اصطلاح نجیب‌زاده، خصوصیات مثبت دیگری هم منظور می‌کنید و این‌جا با شما اختلاف نظر دارم. از دید من، مرد از نجیب‌زاده کامل‌تر است و بیش‌تر شایسته احترام.»

«متوجه نمی‌شوم. ظاهراً برداشت ما از این کلمات، متفاوت است.»

«به نظر من، لفظ *نجیب‌زاده* شخص را در ارتباط با دیگران، یعنی نیاکانش و برخوردش با مردم توصیف می‌کند، در حالیکه وقتی می‌گویم کسی مرد واقعی است، با خودش، با زندگی، با زمان و با ابدیت سنجیده می‌شود. مثلاً قدرت و تحمل کشتی شکسته‌ای تنها مثل رابینسون کروزوئه یا زندانی بی‌گناهی محکوم به حبس ابد در یک دخمه یا حتی قدیسی در پاتموس را می‌توان *مردانه* توصیف کرد. از این اصطلاح متداول و سطحی *نجیب‌زاده* که اغلب یا غلط به کار می‌رود یا معنی‌اش به نحو اغراق‌آمیزی تحریف می‌شود، خسته شده‌ام. این روزها سادگی عمیق اسم مرد و صفت *مردانه* کم‌تر به چشم می‌آید.»

مارگارت به فکر فرورفت، اما پیش از آن‌که فرصت کند بگوید با استدلال آقای تورنتون کاملاً موافق است، چند تن از کارخانه‌داران، مشتاقانه او را نزد خود خواندند. (ص. ۲۴۹-۲۵۱)

در این گفتگو مارگارت مانند نمونه قبل اذعان می‌کند که اطلاعات روشنی در اختیار ندارد: «گرچه اطلاعات چندانی در این زمینه ندارم» و کنش گفتار بیانی خود را با تردید ابراز می‌کند: «نباید *نجیب‌زاده* واقعی باشد، نه؟» همچنین از آنجا که منظور تورنتون قادر به ایجاد تأثیر مورد نظر در وی نبوده، مارگارت با نشان دادن تمایل بیشتری برای درک کامل وی با دعوت او به استفاده از قابلیت بیانی، از او می‌خواهد با کنش‌های گفتاری متعدد مفهوم خود را روشن‌تر نماید: «متوجه نمی‌شوم. ظاهراً برداشت ما از این کلمات، متفاوت است». یکی از کنش‌های وی نیز علی‌رغم بیانی بودن با عبارت «فکر می‌کنم» همراه است که باعث می‌شود در دسته‌بندی احتیاط‌آمیز قرار بگیرد: «فکر می‌کنم اصطلاح *نجیب‌زاده* که من استفاده کردم شامل اصطلاح *مرد شما هم هست*».

تأثیر این گفتگو بر مارگارت و همدلی وی با نظرات تورنتون در اظهار نظر چند روز بعد وی آشکار است:

«اگر *نجیب‌زاده* بودید (و برای یادآوری مکالمه قدیمشان دوباره تکرار کرد) بله، اگر *نجیب‌زاده* بودید، متوجه می‌شدید که هر زن شایسته زن بودن، آماده است علی‌رغم ضعف زنانه

مقدسش، برای حمایت از مردی که ظالمانه در خطر قرار گرفته، قدم پیش بگذارد.» (ص. ۲۹۷-۲۹۸)

با گذشت زمان بیشتر، از تعصب طبقاتی برادر خود آشفته می‌شود:
«از مشخصاتی که دادی، فکر کردم منظورت کارگر یا فردی بازاری است، نه آقای محترم و متشخص.»

فردریک بی‌اعتنا پاسخ داد:

«حالا من تصور کردم کاسب و مغازه‌دار است و کارخانه‌دار از آب درآمد. فرقی نمی‌کند.»
«مارگارت سکوت کرد. به یاد می‌آورد که خودش هم چند ماه قبل و پیش از آشنایی با شخصیت آقای تورنتون، به همین نحو در مورد او صحبت کرده بود و برداشت فردریک از دیدگاه جنوبی‌ها کاملاً طبیعی است، اما با این حال، از ارزیابی و برخورد برادرش ناراضی بود.» (ص. ۳۸۰)

در گفت‌وگوی مارگارت و تورنتون، تعداد کنش‌های تورنتون ده عدد و مارگارت چهار است. علاوه بر این، کنش‌های مارگارت در مقایسه، کوتاه و از نوع پاسخ مطلوب^۱ برای ترغیب تورنتون به ادامه بحث هستند. البته آقای تورنتون نیز غالباً به‌جای کنش‌های تصریحی از بیانی احتیاط‌آمیز استفاده می‌کند: «احساس کردم شما با موضع ما موافقید؛ درست است دوشیزه هیل؟» / «شاید من مرجع خوبی برای قضاوت در مورد نجیب‌زاده بودن افراد نباشم دوشیزه هیل. منظورم این است که نمی‌دانم شما کدام کاربرد این اصطلاح را در نظر دارید. اگر بخواهم بر مبنای صحبت‌های آقای هورس‌فال نظر بدهم، باید بگویم که آقای ماریسون مرد واقعی نیست.» / «اما تصور می‌کنم شما با به‌کار بردن اصطلاح نجیب‌زاده، خصوصیات مثبت دیگری هم منظور می‌کنید و این‌جا با شما اختلاف نظر دارم. از دید من، مرد از نجیب‌زاده کامل‌تر است و بیش‌تر شایسته احترام.» / «به‌نظر من...»

شواهد داستان نشان می‌دهد که این نحوه بیان احتیاط‌آمیز آقای تورنتون تنها در هنگام برخورد وی با مارگارت به‌کار می‌رود. به‌عنوان مثال، درست بلافاصله پس از این گفت‌وگو، راوی به‌نقل از برداشت مارگارت گزارش می‌دهد که تورنتون در صحبت با کارخانه‌داران

1. Preferred

صریح و مصمم است: «پاسخ‌های کوتاه و قاطع آقای تورنتون همچون شلیک توپی در دوردست، محکم و کوبنده بود» (ص. ۲۵۱).

از بین شاخص‌های سرل، موقعیت و جایگاه نسبی شنونده و گوینده در اینجا دستخوش تغییر محسوس شده است. در این مکالمه تورنتون میزبان یک مهمانی مجلل و در جمع کارخانه‌داران، دارای نفوذ و اقتدار است و منش و برخورد او (شاخص دوازدهم)، قدرت بیان (شاخص چهارم) و افکار یا ذهنیت ابراز شده‌اش (شاخص سوم) باعث می‌شوند کنش‌های مارگارت با شدت و قدرت کمتر انجام شوند و توازن قدرت به نفع تورنتون تغییر کند.

کنش‌های گفتاری جهت‌بخش در گفتار هر دو شخصیت در مابقی کتاب به‌وفور یافت می‌شوند، اما معمولاً در جملات تورنتون آمرانه و محکم و در کاربرد مارگارت سؤالی هستند. علی‌رغم آن‌که در پایان کتاب تجارت تورنتون ورشکسته شده است و مارگارت به ارثیه کلانی رسیده است (شاخص پنجم، موقعیت و جایگاه نسبی شنونده و گوینده) کنش‌های تورنتون همچنان قدرتمند و دستوری هستند در حالی‌که مارگارت تعداد کنش خود را کاهش داده و اغلب سکوت اختیار می‌کند (شاخص چهارم، شدت یا قدرت بیان): «پس از چند سؤال کوتاه احوال‌پرسی از آشنایان میلتن، دیگر حرفی برای گفتن به ذهن مارگارت نمی‌رسید.» (ص. ۶۱۸) و «مارگارت... اغلب به صندلی خود تکیه زده و ساکت بود» (ص. ۶۱۹).

و در مقابل، دیگر شخصیت‌ها بیان محکم تورنتون را تحسین می‌کنند:

«آقای کولت هرست مردی باهوش و نماینده اصلاح طلب مجلس بود (...). با یک جمله آقای تورنتون سر میز شام، توجهش به او جلب شد (...). آقای تورنتون و آقای کولت هرست در مورد چند موضوع، به‌اختصار سخن گفتند و ادامه گفت‌وگو را به بعد از شام موکول کردند.» (ص. ۶۱۹)

«باورتان نمی‌شود این مستأجرتان [تورنتون] چه مرد خوش‌آیند و با درایتی است. تمام

اطلاعاتی که کولت هرست لازم داشت یک‌جا به او داد.» (ص. ۶۲۰)

آقای تورنتون در مکالمات خود در طول کتاب از کنش گفتارهای بیانی فراوانی استفاده می‌کند که اغلب مشتمل بر ابراز نظر یا احساس او در مورد موقعیت‌ها و وقایع مختلف و هدف آن‌ها درک متقابل و بهبود روابط طرفین است. برخلاف کنش‌های تصریحی وی که سویه

انطباق کلام به جهان دارند و بر پایه واقعیات استوار هستند، کنش گفتارهای بیانی‌اش فاقد سوییۀ انطباق هستند و قصد توصیف جهان یا متحول کردن آن را ندارند:

«حقیقتی که در پی حرف‌های شما نهفته بود قابل انکار نبود و به حق باعث شد با کارگران رو در رو شوم.» (ص. ۲۹۶)

«خیلی‌ها از بیان حقیقت طفره می‌روند. من دیگر اعتقاد را به صداقت دیگران از دست داده‌ام.» (ص. ۴۷۷)

«هر شرایطی پیش بیاید، من همان جان تورنتون هستم. سعی می‌کنم درست کار باشم، مرتکب اشتباه می‌شوم و بعد تلاش می‌کنم شجاع باشم و از نو شروع کنم.» (ص. ۶۱۱)

کنش‌های گفتاری مارگارت در ابتدا بیشتر بیانی و تصریحی و نشان‌دهنده برداشت‌ها و واکنش‌های او به وقایع و محیط جدید هستند. به تدریج با توجه به تحولاتی که قصد دارد در جهت بهبود شرایط کارگران و برخورد کارفرمایان با آن‌ها به وجود بیاورد، بیشتر صورت جهت‌بخش الزامی به خود می‌گیرند که سوییۀ انطباق جهان به کلام دارند، با شدت و قدرت بیان می‌شوند (شاخص چهارم) و به دلیل جایگاه برتر اخلاقی او دارای قدرت هستند (شاخص پنجم):

«آقای تورنتون اگر شجاعت دارید همین الان مثل یک مرد بیرون بروید و با مردم روبرو شوید! باید این ایرلندی‌های بیچاره را که اینجا به دام انداخته‌اید، نجات دهید. با کارگزاران مثل انسان صحبت کنید و مهربان باشید.» (ص. ۲۶۸)

«منظورم روابط کاری و مالی بین شما و کارگران نیست، بلکه نفوذ اخلاقی فراوانی است که می‌توانید روی زیردستان خود داشته باشید. شما نمی‌توانید منکر این نفوذ و قدرت شوید...» (ص. ۱۸۸)

کنش گفتارهای بیانی مارگارت به جای آن که با هدف بهبود روابط و درک متقابل وی با تورنتون انجام شوند، اغلب به قصد ترغیب تورنتون به بهبود روابطش با کارگران ابراز می‌شوند. برخلاف نظر جاشوآ راست که گفتار بیانی انتظار عکس‌العمل خاصی از شنونده ندارد و مشروط به موفق بودن نیست، کنش‌های بیانی مارگارت با این قصد به تورنتون منتقل می‌شوند

که ذهنیت او را متحول کنند و علی‌رغم فرضیه سرل، صحت و سقم آن‌ها نیز قابل بحث و بررسی است.

۵. نتیجه‌گیری

همان‌طور که قبلاً ذکر شد مسئله قصدمندی^۱ در درک کنش‌گفتارها بسیار حائز اهمیت است و با باورهای گوینده هنگام توصیف جهان سر و کار دارد. هدف از بیان جملات، تنها انتقال منظور نیست، بلکه ایجاد تأثیر هم هست. علی‌رغم سکوت و تواضع مارگارت در پایان داستان، کنش گفتارهای بیانی، تصریحی و جهت‌بخش او در قالب کلمات متعدد با برداشت موفق همراه بوده است. تأثیر ایجادشده وی در تورنتون در کنش‌های گفتاری پایانی تورنتون آشکار شده است؛ چراکه کنش بیانی و تصریحی و تعهدی وی اغلب تکرار دیدگاه‌های مارگارت هستند: «در مجموع به این باور رسیده‌ام که تا افراد از طبقات مختلف با هم روابط شخصی نداشته باشند هیچ نهادی قادر نیست آن‌ها را با هم آشتی دهد. این ارتباط، روح زندگی است» (ص. ۶۲۱). در جای دیگر: «دوشیزه هیل، تعدادی از کارگرانم برایم طوماری جمع کرده‌اند (...) به این مضمون که اگر روزی دوباره قصد استخدام کارگر داشته باشم، همگی مایل به کار کردن برای من هستند. باعث خوشحالی است، نه؟» (ص. ۶۲۲).

در حقیقت، علی‌رغم قوانین محدودکننده بر مراودات اجتماعی این دوره، مارگارت با حفظ شئون رفتار قرن نوزده، در انتخاب کنش‌های گفتاری خود خلاقیتی به کار می‌برد که باعث می‌شود از زبان برای بهبود موقعیت خود به‌طور غیرمستقیم بهره ببرد.

نورمن فرکلاف^۲ معتقد است ایدئولوژی حاکم بر جامعه به تدریج صورت منطقی و طبیعی به خود می‌گیرد و ارتباط بین گفتمان و ایدئولوژی (شاخص دهم سرل - تأیید نهاد فرا زبانی) شفافیت خود را از دست می‌دهد تا قدرت در دست طبقه حاکم باقی بماند (فرکلاف، ۱۹۸۹). بررسی کنش‌های گفتاری دو شخصیت رمان حاضر نشان می‌دهد که قهرمان زن با استفاده از شاخص دوازدهم سرل (نحوه اجرای کنش گفتار) و شاخص چهارم وی (شدت یا قدرت بیان)، موفق می‌شود شفافیت را به ایدئولوژی حاکم بازگردانده، نقایص آن را آشکار کند و

1. Intentionality

2. Norman Fairclough

نهایتاً بافت گفت‌وگو (شاخص هفتم) را متحوّل کند. سکوت و تواضع پایانی مارگارت منطبق با نظریهٔ دبورا تانن^۱ شاید بیشتر از آن که نشان‌دهندهٔ شخصیت درونی او باشد، حالت نمایشی دارد (تانن، ۱۹۹۴، ص. ۱۹۸).

قوانین حاکم بر گفتار و رفتار زنان در قرن نوزدهم انگلستان که در کتاب‌های راهنمای منش متعددی در آن دوره چاپ می‌شد، چنین حکم می‌کرد که آنان بایستی در وهلهٔ اول با دقت در گوش‌دادن به سخنان مردان، شنوندگان خوبی باشند و سپس در هنگام پاسخ، همواره با نظرات مردان، همراهی و توافق نظر نشان دهند. بررسی گفتار زنان در رمان‌های این دوره حاکی از آن است که در عمل، بسیاری از شخصیت‌های قوی مانند مارگارت هیل، در ظاهر به مدل‌های رایج تکلم وفادار هستند و در عمل با استفاده از کنش‌های گفتاری احتیاط‌آمیز، برداشت گفتار را مدیریت می‌کنند. در حقیقت، پرهیز از فراوانی کنش‌گفتارهای تصریحی در تبادلات، به کلام آن‌ها نفوذ و اعتبار می‌بخشد، فردیت و هویت شخصیشان را مستحکم می‌کند و باعث می‌شود انتقاد دیگران به منش و دیدگاه‌هایشان محدود شود.

علی‌رغم این تصور که بایستی با گذر زمان و بهبود جایگاه زنان، آزادی بیشتر و تفاوت محسوسی در ابراز نظر و کلام زنان دیده شود، مقایسهٔ گفتار شخصیت‌های رمان‌های جین آستن در اوایل قرن، با الیزابت گاسکل در اواسط آن و توماس هاردی در اواخر، تنوع یا ابداعات تازه‌ای در به‌کارگیری کنش‌گفتارها آشکار نمی‌کند. به‌علاوه، بررسی رمان‌های هر نویسنده در طول زمان نیز نشان می‌دهد که شخصیت‌های زن آن‌ها محافظه‌کارتر، درون‌گراتر و ساکت‌تر شده‌اند. احتمال دارد علت این پدیده، منفی‌تر شدن نگرش نویسندگان به مرور زمان باشد یا شاید آن‌ها بیشتر به قضاوت اجتماعی ناشی از تکلم حساس شده باشند. زیاد شدن قوانین حاکم بر نحوهٔ صحبت‌کردن در طول قرن نوزده شاید باعث شده سکوت، راهکار منطقی برای در امان ماندن از نقد شدید دیگران باشد. در عین حال، سکوت حربهٔ بسیار زیرکانه‌ای است که می‌تواند دیدگاه‌های بسیاری را در خود پنهان کند و باعث شود طرف مقابل با حدس و گمان تلاش به کشف دیدگاهشان نماید.

1. Deborah Tannen

به کارگیری نظریه‌های سرل در بررسی دیگر گفتگوهای ادبی در رمان‌ها می‌تواند قابلیت‌ها و روشنگری‌های بسیاری به همراه داشته باشد. این روش قادر است طرز تفکر زنان در قالب ظرافت‌های زبانی آنان را آشکار کند و ارتباط بین نحوه بیان و توازن قدرت میان طرفین گفت‌وگو را به نمایش بگذارد.

کتابنامه

- گاسکل، ا. (۱۸۵۵). *شمال و جنوب*. ترجمه سارا خزاعی. مشهد: گل آفتاب.
- Austin, J. L. (1962). *How to do things with words*. Oxford: Oxford University Press.
- Bomarito, J, & Hunter, J.W. (2005). *Feminism in literature: A Gale critical companion*. Detroit: Thomson Gale.
- Fairclough, N. (1989). *Language & power*. London: Longman.
- Fairclough, N. (1995). *Critical discourse analysis. The Critical Study of Language*. London: Longman Group. Ltd.
- Fotion, N. (2000). *John Searle*. Teddington U.K.: Acumen Publishing.
- Gaskell, E. (2012). *North and south*. Manchester: Northern Grove Publishing Project. (Original work published in 1854-55).
- Grewendorf, G., & Meggle, G. Eds. (2002). *Studies in linguistics and philosophy: Speech acts, mind, and social reality* (Vol.79). Netherlands: Springer. (Original work published in 1975).
- Levinson, S. C. (1983). *Pragmatics*. Cambridge, England: Cambridge University Press.
- Reid, T. (1895). *The works of Thomas Reid*. Sir William Hamilton (Ed.). London: Longmans.
- Reinach, A. (1983). The apriori foundations of the civil law, *ALETHEIA* 3, 31-142. Irving, Texas: The International Academy of Philosophy Press.
- Rust, J. (2009). *John Searle*, Cornwall: Continuum International Publishing Group.
- Sbisà, M. (1992). Speech acts, effects and responses. In J. Searle et al. (Eds.), *(On) Searle on conversation* (pp.101-111). Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins.
- Searle, J. (1979). *Expression & meaning: Studies in the theory of speech acts*. UK: Cambridge University Press.
- Searle, J. R. (1969). *Speech acts: An essay in the philosophy of language*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Searle, J.R. (1975). Indirect speech acts. In P. Cole and J.L. Morgan (Eds.), *Syntax and semantics* 3 (pp.59-82). New York: Academic Press.

- Tannen, D. (1994). *Talking from 9 to 5: Women & men in the workplace: Language, sex & power*. New York: Avon.
- Tannen, D. (1996). *Gender and discourse*. New York: Oxford University Press.

مضمون «اگزیتانسیسم و اگزیتانسیالیسم» در نزد شخصیت‌های ژان-ماری گوستاو لوکلزیو

وحید نژاد محمد (استادیار زبان و ادبیات فرانسه دانشگاه تبریز، تبریز، ایران)

nejad_mohammad@yahoo.com

چکیده

انسان با زمینه خاص آفرینش خود «موقعیت» خود را تعریف می‌کند و ادراکات و استنباط‌های وی در موقعیت‌های گوناگون زیستی وی از دیگری متفاوت است. به بیان دیگر، موجودی در «زمان» است و تاریخ و اهداف خود را به واسطه «آزادی و توانایی انتخاب خود» شکل می‌دهد. فلسفه با ایجاد پیوندی عمیق با ادبیات و رسوخ در ساختارهای فکری و عالم خیال نویسندگان و خالقان آثار هنری، توانست متون ادبی را به آینه تفکر تبدیل کرده و الگوهایی را برای پردازش در نزد آنان ایجاد کند. در این مقاله تلاش بر این است تا با نشان دادن سازه‌های فلسفی اگزیتانسیالیسم در نزد لوکلزیو، رُمان‌نویس معاصر فرانسوی، معنای گُش‌ها و رفتارهای شخصیت‌های داستانی و واقعی وی را از ورای آگاهی، ادراک، طرح و هدفمندی آن‌ها توجیه کرده و پاسخی به بحران‌های زیستی و اجتماعی شخصیت‌های وی در بحبوحه قرن بیستم و صحن نوشتار رئالیستی پیدا کنیم.

کلیدواژه‌ها: ادبیات، سارتر، اگزیتانسیالیسم، لوکلزیو، هستی، شخصیت داستانی.

۱. مقدمه

قرن بیستم نظاره‌گر روابط بسیار تنگاتنگ فلسفه و آفرینش‌های ادبی و قلمرو خیالی و نوشتاری بشر بوده است. ژاک دریدا با طرح مفهوم «ساختارشکنی»، لاکان با طرح «ساختاربندی ناخودآگاه همچون زبان»، «مرگ مؤلف» در نزد بارت، طرح «روابط پیوندی» در نزد ساختارگرایان و انسان‌شناسانی همچون لوی-استراوس، و فیلسوفانی همچون هایدگر، ژان پل سارتر که با بسط تفکر وجودی در قالب مقولات «هستی و زمان» و اصالت بشر، مباحث هرمنوتیک وجودی و ادبیات متعهد را شکل دادند. فیلسوفانی که با جهت‌دهی اندیشه‌های

انسانی مسیر را برای رهیافت اندیشه‌های فلسفی در بستر ادبیات میسر کردند. هایدگر با طرح هرمنوتیک فلسفی و ادبی و پرسش بنیادین از هستی و هستنده متأثر از پدیدارشناسی هوسرل و «عینیت حقیقی» و سارتر با گذشتن از معبر «تصادفی بودن» هستی، با نمود دادن «کنش و واکنش» سوژه در بستر فلسفه و ادبیات -همچون شخصیت آنتوان روکانتن^۱ در رمان تهوع- دست به واکنش و حرکت در مقابل مقولات پوچ‌گرا می‌زنند. از این منظر در نگرش‌های فلسفی جدید، فردیت سوژه یا اصالت سوژه بیشتر مطرح است تا ویژگی‌های عمومی و همگانی بشر. در فلسفه‌های اگزیستانس انسان در لابلای عنا صر طبیعی و تعبیر و برداشتهای اخلاقی و اعتقادی تعریف و تفسیر می‌شود و «آگاهی و ادراک وی همواره آگاهی و ادراک یک چیزی است» (سارتر^۲، ۲۰۰۵، ص. ۱۱). این یعنی مثلاً آگاهی از صندلی بدون صندلی وجود ندارد. آگاهی زمانی پدیدار می‌شود که آگاهی از چیزی است (آگاهی همواره آگاهی از چیزی است). جستجوی حقیقت، جستجوی چرائی حوادث و شناسایی عالم محسوس و نامحسوس، پرسش در باب «آگاهی و حیات»، عواملی هستند که فلسفه را قویاً به ادبیات و دستاوردهای خیالی و هنری پیوند زده‌اند. وجود آنجایی یا حضور وجود یگانه در جهان^۳، نگاه دیگری، تشویش آگاهی از هست بودن و نیستی، مفاهیم «انتخاب و اختیار»، صورت ادراکی من از دیگری و واکنش و نگاه «دیگری» در مقابل من، طرح و گرایش و آزادی من، مقولاتی را تشکیل می‌دهند که در فلسفه‌های قرن بیستم به خصوص اگزیستانسیالیسم برای ترسیم «یک موجود ذهنی و نفسانی» بدان پرداخته شده است. ژان ماری گوستاو لوکلزیو^۴ رمان‌نویس معاصر فرانسوی،

۱. Antoine Roquentin: در این رمان اگزیستانسیالیستی، توانایی سوژه و آزادی وی درک «امکان خاص» سوژه را تبیین می‌کند. سارتر به کمک این رمان تجربی هستی‌شناختی روکانتن را برای خواننده خود نشان می‌دهد. تجربه تهی بودن و «امکان خاص» این امکان را به روکانتن می‌دهد تا هستی -مستعد آزادی- خود را دوباره احساس کرده و ضرورت هستی خود را در بی‌معنایی و بی‌تفاوتی (gratuité) معنادار سازد.

۲. Sartre

۳. Dasein

۴. Jean-Marie Gustave Le Clézio

شدیداً تحت تأثیر مکاتب فلسفی و ادبی رُمان نو^۵، ساختارگرایی، پدیدارشناسی هو سرل و هایدگر، اگزیستانسیالیسم، اومانیزم، ایدئالیسم و مباحث اسطوره‌شناسی قرار گرفته و با قرار دادن شخصیت‌هایش در «موقعیت‌های» گوناگون و با کُنش‌های متفاوت، در بطن «تشویش‌ها و بیگانگی‌ها»، مسئله ماهیت و هستی فرد -رها شده- را در جامعه غربی نشان داد. وی اصالت سوژه را در مقابل جامعه ماشین‌محور که وی را به بردگی گرفته، قرار داده و «گریز» را و سیله شناخت و جستجوی خویشتن از ورای شناخت «دیگران» معرفی کرد. ساختارهای متنی وی با مطرح کردن روابط پیچیده زبان و واقعیت زیستی، تفکر انتزاعی و عقل‌گرایی دکارتی را به تصویر می‌کشند. در واقع لوکلزیو همچون نویسنده متعهد در قلب حوادث زمانه خود قرار گرفته است. آیا تلاش لوکلزیو بر این است که ارتباطی میان ماده و جوهره جهان ایجاد کرده تا بتواند «با خویشتن و در کنار زبان دیگری سخن بگوید؟» (باختین^۶، ۱۹۷۸، ص. ۱۳۵) آیا شخصیت‌های لوکلزیو با حرکت، کُنش و جنب‌وجوش‌های خود الزاماً برای تعریف ماهیت خود، هستی خود را به نمایش در می‌آورند تا مسئله اصالت واقعیت و اصالت معنی را ممکن و تأویل‌پذیر سازند؟ و در نهایت آیا این شخصیت‌ها با تظاهر به هستی خود، تشویش‌های خود را در قالب هدفمندی‌های خود تبیین می‌کنند؟

۲. فلسفه وجودی و آفرینش‌های ادبی

انسان از زمان‌های بسیار گذشته در پی شناسایی هویت و جهان‌بینی خود بوده است و همه دردها و برداشت‌های خود را در قالب خواب و خیال به تصویر کشیده است. انسان معاصر و عقلانی نیز برای بیان بحران هویتی خود در جامعه نو شتار و رویاپردازی را دستاویز خود قرار داده است. همین جستجو و سردرگمی، گریز و ایستادگی، اسطوره انسان مدرن را شکل می‌دهد. زیرا که وی بی‌وقفه به دنبال برقراری تعادل بین وجود لفسه^۷ (دارای اختیار و آگاهی)

۵. یکی از جریان‌های معاصر (اواخر دهه ۱۹۵۰) که در فرانسه شکل گرفت. این جریان ادبی که بیشتر تحت نفوذ تغییرات فرهنگی، اجتماعی و تاریخی بود شیوه نوشتار کلاسیک و سنتی رُمان‌نویسی را به سخره گرفت و با حذف روان‌شناسی در تار و پود روایت داستان، نظام ساختاری و ایدئولوژیکی متن را ویران کرد.

6. Bakhtine

7. Pour-soi

دردآلود و بحران‌زده خود و جامعه و پیرامون وی است. آفرینندگان و مولفان شاهکارهای ادبی بدنبال مفهوم سرنوشت و اصالت خود در لابلای متون ادبی و خیالی خود بوده و تلاش کردند تا مفهومی از خود «انسان» و غایت و هدفمندی وی برای جامعه و فرهنگ زیستی خود ارائه دهند. همان‌طور که در نزد فلاسفه باستان، همچون افلاطون، «دیگری» محور اندیشه و افسانه است؛ همان‌طور که کانت چندین بار آثار خیالی و تعلیمی ژان-ژاک رو سو را مطالعه کرد تا به حقیقت و ماهیت انسان دست یابد. اگر ادعای فلسفه، نمود عقل و منطق بشر است ادبیات نیز در پی تو صیغ ساختار عقل و احساسات در بطن متون ادبی است. اگر نقطه پر تحرک این رویکرد را از عصر شکوفایی (قرن هجده) ملاک قرار دهیم خواهیم دید که هر دو در دستیابی به شعور و هست بودن انسان پیشتاز بودند. در واقع، با تأملی در ریشه «اگزیستانس» می‌توان بسیاری از مفاهیم کلیدی این نحله فکری را شناسایی کرد:

«فعل *existere* و *existo* در زبان لاتینی به معنی خروج از، ظاهر شدن، و برآمدن است. این اصطلاح مترادف با بودن و هستی استعمال می‌شود. ولی به اصطلاح فلسفه‌های اصالت وجود خاص انسانی و پدیدارشناسی، فقط به موجودات آگاه از واقعیت گفته می‌شود که می‌توانند آگاهی خود را از این واقعیت به موجودات آگاه دیگر انتقال دهند. به عبارت دیگر، اگزیستانس به نحو خاص هستی انسان اطلاق می‌شود.» (نوالی، ۱۳۷۴، ص. ۱۷)

آگاهی از همین هست بودن ما را در مقابل مفاهیم کلی اصالت فرد، ماهیت وی و ارزش‌های اخلاقی و ذهنی فرد و مقتضیات جسمانی و حیاتی وی قرار می‌دهد. اگزیستانس را می‌توان «توانایی بودن و یا در امکان خاص خود» (کوروز، ۱۳۷۸، ص. ۳۱) تلقی کرد که سوژه با آگاهی و انتخاب خود ماهیت هستی خود را کیفیت بخشیده و سرنوشت و آینده خود را می‌سازد. عبارت معروف سارتر «هستی مقدم بر ماهیت است»^۸، یعنی انسان آزاد است و قبل از اینکه دست به انتخاب بزند «وجود و هستی» دارد، توازن ماهیت انسان را در موقعیت‌های تعریف شده نشان داده و به اقتضای اختیار وی، به هست بودن وی، معنی و جهت دهد ولی «قطعاً هیچ امری ممکن نیست آدمی را از ترس آگاهی هست بودن رهائی بخشد.» (ورنو،

۸. L'existence précède l'essence

۱۳۷۲، ۲۸۰) از این منظر، یافتن حلقه گمشده ماهیت انسان و جهان، حقیقت و ارزش‌های اخلاقی، از اهداف نوشتار و فلسفه معاصر به‌شمار رفته و در پی کشف احوالات انسانی خودنمایی می‌کند. همین سوژه با «طرح واقعیت فردی خویش» موجودیت خود را تحقق می‌بخشد. همان‌طور که به قول لوکلزیو، آنتونن آرتو^۹ در نوشته‌های اول شخص خود و در حیطه تأثر فراواقع‌گرایانه و شقاوت^{۱۰} خود، «بدنبال شناسایی هستی خویش بود، بدنبال منطبق کردن هستی خود با هستی جهان» بود (لوکلزیو^{۱۱}، ۱۹۷۳، ص. ۵۵)

الف) پدیدارشناسی

شناخت و شناسایی پدیدارها، اشیاء و ظواهر پدیده‌ها نیازمند نگاه عمیق و واقعی به آن‌ها بوده و حصول موضوع و مضمون را الزام می‌کند. در واقع، تعبیر و تکنیک‌هایی همچون تأویل، تعلیق یا اپوخه^{۱۲} در قاموس هوسرل که در نقطه مقابل شکاکیتون قرار گرفته، به «عین اشیاء» می‌پردازد تا نظام معنایی و پردازشی آن‌ها را تعیین و نمایان کند. در واقع توصیف ما از جهان به واسطه پدیدارها همان مقطعی است که شناسایی جهان را به واسطه «موجود بودن در آگاهی ما» ممکن می‌سازد. بنابراین در پدیدارشناسی استعلایی هوسرل که خصوصیت ذهنی داشته و متعلق به فاعل حس و ادراک، مُراد، آگاهی مستقیم و بی‌واسطه از ساختار و ترکیب پدیده‌هاست. به قول هوسرل «من جهان را همچون یک سوفسطایی انکار نمی‌کنم، و همچون یک فرد شکاک وجود آن را در هاله تردید نمی‌برم. اما به یک تعلیق (اپوخه) پدیدارشناختی دست می‌زنم که مانع هرگونه قضاوت من در مورد وجود مکانی و زمانی می‌شود» (هوسرل، ۱۹۵۰، ص. ۱۰۱). بنابراین تأویل پدیدارشناختی همان توصیف و تبیین بدیهی و مسلّم^{۱۳} است

۹. Antonin Artaud: نویسنده، مقاله‌نویس و نظریه‌پرداز تأثر معاصر فرانسوی.

10. Théâtre de la cruauté

11. Le Clézio

۱۲. Epoché: مراد از این واژه یونانی باستان همان تعبیر نظر است که تمامی برداشتهای ما از جهان و پیرامون آن به حالت تعلیق در می‌آید. در واقع انسان بر مبنای اپوخه می‌تواند باور و اعتقاد خود را به جهان بیرونی به حالت تعلیق درآورد تا معنایی بر آن اعاده کرده و اعتباری بر آن صادر کند.

۱۳. Apodictique

که به دنبال اصالت معنی بوده و در دستور آگاهی مان قرار دارد: «برحسب تأویل پدیدارشناختی، آنچه به ذهن نمود داده می شود باقی می ماند، اما این باقی ماندن فقط از آن جهت است که بی و ا سطح در مقابل وجدان و یا در وجدان^{۱۴} حضور دارد [...] بنابراین قلمرو پدیدارشناسی، وجدان محض یا حالات وجدان یا پدیدارهای آن است.» (ورنو، ۱۳۷۲، ص. ۳۱-۳۲) هو سرل متاخر گام را از ذهن گرایی و آرمان گرایی در حیطه پدیدارشناختی فراتر نهاد تا به کاوشی هستی شناختی دست یابد و زمینه را برای هگل و اگزیستانسیالیست ها باز کرد. از این منظر، سوژه های لوکلزیو با آگاهی خود از اُبژه ها و واقعیت های خارجی تلاش می کنند تا ماهیت پدیدارها را تجربه کنند؛ زیرا که فهم انسان از جهان و پدیده ها در بطن و به کمک «آگاهی» صورت می گیرد. بنابراین در سایه آگاهی سوژه، پدیده ها و اشیاء تجسم می یابند. سوژه ارتباطی آگاهانه با پدیده های پیرامون خود برقرار کرده و تجربیات حسی خود را در برخورد با آن ها نمایان می کنند. در داستان *صحرا* «لالا»^{۱۵} خیلی آرام به راهش ادامه می دهد و با چنان دقتی به شن های خاکستری نگاه می کند که چشمانش به درد می آیند. چیزهای زمین را می پاید، بی آنکه به چیز دیگری فکر کند» (لوکلزیو، ۱۹۸۰، ص. ۷۶). معرفت بنیادین^{۱۶} لوکلزیو که دانش قرن بیستم را با خود به همراه دارد، برگرفته از الگوهای شرقی و تفکر دیالکتیک است که ابزار تفکیکات عقلانی دانش مذکور را در زیر نو ستار به خدمت گرفته اند. حال آنکه شعور سوژه و حقیقت در نو ستار لوکلزیو همیشه در پی شناسایی خویشتن و جهان پیرامون است. پدیدارها برای موندو (Mondo) در حکایات موندو و داستان های دیگر و آکسی (Alexis) در رُمان *جوینده طلا* در زمان و مکان ظاهر می شوند و ماحصل تجربیات آن ها را در قالب «شناخت» شکل می دهند: «من بر روی شن تیره نزدیک رودخانه رُز»^{۱۷} دراز کشیده ام، بدون اینکه بخوابم و یا در رویا با شم. و بر روی صورتم نور ملایم ستاره ها را حس می کنم، حرکت زمین را حس

۱۴. اگر به متن لاتین این نقل قول رجوع شود کلمه conscience «وجدان» ترجمه شده است. و این همان چیزی است که در این مقاله «آگاهی» نامیده شده است. بدیهی است که این واژه کاربردی از طرف مترجم کتاب، به کلمه «آگاهی» یک معنی اخلاقی «وجدان» داده است.

15. Lalla

16. épistémè

17. Roseaux

می‌کنم [...] من در بهت و سردرگمی زمان را پشت سر گذاشتم در حالی که به آسمان پُرستاره نگاه می‌کردم.» (لوکلزیو، ۱۹۸۵، ص. ۳۳۴). حرکت و «طرح» اصالت‌مدارِ آلکسی به عبارتی جستجوی عصر طلایی بشر یا رسیدن به سعادت ابدی است که در پی جنبش وی مفهوم می‌یابد: «حالا می‌فهمم بدنبال چه چیزی آمده‌ام: نیرویی بیشتر از نیروی من، یاد و خاطره‌ایی که قبل از تولد من شروع شده است.» (لوکلزیو، ۱۹۸۵، ص. ۲۰۹). بنابراین هر ادراکی، همواره ادراک چیزی است. ادراک آلکسی با رجوع به ماهیت اشیاء، از خلال تجارب و حوادث، در پی یافتن معانی آن‌ها بوده و بی‌وقفه مابین امور انضمامی و وقایع و شناخت رابطه برقرار می‌کند. و همین عناصر ارکان اساسی پدیدارشناسی شخصیت‌های لوکلزیو را تشکیل داده و آن‌ها را در بطن «مکان» و «موقعیت» بازنمایی می‌کند.

ب) هستی در جهان

هایدگر با رویکرد هرمنوتیکی و تأویل‌مدن و طرح مفهوم «هستی در جهان» خود را در مقابل فلسفه دکارتی قرار داد و شناسایی سوژه رهاشده را در بطن «زمان و مکان» تبیین کرد. از سوی دیگر، انسان در میان اسباب و علل زندگی می‌کند و هستی وی با «امکانات شناخت» تعریف می‌شود. بنابراین «در جهان بودن و موقعیت محدود از ضروریات هستی انسان است» (نوالی، ۱۳۷۴، ص. ۳۰۰). روش تفسیر سوژه نیز در نزد لوکلزیو تأویل نظام‌مند نیست بلکه بیان استعاری است که از نگرش فردی به اگزیستانس نشأت می‌گیرد. هایدگر با امتناع از تعاریف قبلی از ماهیت انسان، هستی انسان یا «دازاین» را که از هرگونه فرآیند مفهوم‌پذیری و مفهوم‌گرایی به دور است، با گذشته‌اش تعریف می‌کند؛ به عبارت دیگر، در بطن امکان و احتمالاتش. از این منظر، دازاین دیباچه‌ایست به جهان، به هستی خویشتن، به زمان و مکان. هایدگر با باور به اومانیزم در پرتو تاریخ و ذهنیت‌گرایی، نشان داد که سوژه به‌طور بی‌واسطه هستی و موجودیت خود را تعریف می‌کند: «دازاین مطابق با صورت هست بودن که به آن تعلق دارد، تمایل دارد تا هستی خاص خویش را با توجه به باشنده درک کند. همین باشنده که برحسب آن، دازاین اساساً به‌گونه‌ای دائمی و آنی، متناسب 'جهان' خود را نشان می‌دهد» (هایدگر، ۱۹۸۵، ص. ۳۴). ماهیت هستی و چیستی موندو و آلکسی (جوینده طلا) نتیجه نحوه

و کیفیت هست بودن آنها در جهان پیرامون خود شان است: «موندو اینجا، در این شهر، افراد زیادی را می شناخت [...] و از آنها چیزهای مشکل نمی خواست» (لوکلزیو، ۱۹۷۸، ص. ۵۸) یا نزد آلکسی در داستان جوینده طلا «حس می کنم در وجودم هیجان وسعت می گیرد حال آنکه کشتی به ساحل می رسد. چیزی تمام می شود، آزادی، سعادت دریا. حال باید بدنبال پناه بود، بدنبال سخن گفتن، پرسیدن» (لوکلزیو، ۱۹۸۵، ص. ۱۸۵). زیرا که آنها همه این شخصیت ها در کردارشان مسئول کیفیت خاص هستی خود هستند و «آگاهی و جهان» آنها که دو عنصر لاینفک است به هستی آنها اصالت می دهد. از سوی دیگر، همین اصالت با «دیگری» نیز پیوند برقرار کرده و «می اندیشم» دیکارتی را از انحصار خارج کرده و به «می اندیشم جمعی» رهنمون می کند.

پ) سارتر

وی با آثار فلسفی خود همچون هستی و نیستی، اگزیستانسیالیسم/انسانگرایی است، ادبیات چیست؟ و با آثار ادبی و فلسفی خود همچون رُمان تهوع، نشان داد که تاریخ و هویت سوژه متعلق به آینده است نه گذشته. سارتر در کتاب خود به نام ادبیات چیست؟ مسئله ادبیات متعهد را مطرح کرد و با شفافیت نشان داد که ادبیات و آفرینش های ادبی به دنبال هدفی هستند و آن دستیابی به قوه شناخت و آزادی است. این کتاب دربرگیرنده عناوینی است همچون «نوشتار چیست؟»، «چرا باید نوشت؟» و «برای چه کسی باید نوشت؟» و سارتر با پاسخ به آنها تلاش کرد تا قلمرو نوشتار یک مؤلف را همچون یک عمل تعهدآمیز نشان دهد. به نظر وی ادبیات درمانگر و راهگشا، ادبیاتی است که انسان را به سمت بهبود شرایط و سرنوشت حاکمش هدایت کند. سارتر همین هستی در جهان را تنها واقعیت انسانی قلمداد می کند و همان طور که قبلاً عنوان شد به تعبیر هایدگر، «وجود حضوری و یا دازاین»^{۱۸} که تنها عنصر و هستی معنادار در جهان است، خارج از جهان معنی ندارد. همین هستی از ورای افعال و مقاصد تعریف شده و آگاهی را در زمان، موقعیت و طرح نشان می دهد و بقول سارتر «واقعیتی خارج از عمل وجود ندارد... انسان جز طرح و برنامه ریزی خود چیزی نیست، او در حلی وجود دارد که

خود را محقق می‌سازد» (نوالی، ۱۳۷۴، ص. ۳۰۲). سوژه سارتر با آزادی و در کنار «دیگری» و در میان الزامات جغرافیایی و اجتماعی تعریف می‌شود. این برداشت از «اصلت وجود انسانی»^۱ انسانی^۱ موقعیت وی را نیز از لابلای امکانات و شرایط وی نشان می‌دهد. وی با طرح سوژه آگاه و توانایی‌های خاص سوژه توانست ماهیت وی را از تعریف سنتی خارج کرده و با توسل به «می‌اندیشم»^۲ دکارتی^۳ و نگرش «موقعیت‌محور» در باب انسان ادعا کند که «آدمی جز عقل نیست» (سارتر، ۱۳۸۰، ص. ۵۱). تصور و برداشت سارتر از انسان در باب ساختن دنیای خود توسط اعمال خود، همان سبک و سیاق فلسفی است که از هایدگر به عاریه گرفته و توانست امکان اختیار و افعال انسانی را با آزادی توجیه کند. سارتر همچون گابریل مارسِل^۴ فرانسوی بر این باور بود که «وجود و هست بودن» بالاتر از همه چیز است و تعریف و تبیین‌کننده ماهیت و ذات بشر بوده و جستجوی سر دیگری^۵ و تعامل با وی، معنای هست بودن را کامل می‌کند.

۳. پیوند اگزیستانس و ادبیات

- سوژه‌باوری

در فلسفه اصلت وجود، انسان آزاد متولد می‌شود و مسئول اعمال خویش است. به بیان دیگر، «وجود وی مقدم بر ماهیت وی است». در داستان صحرا، سوژه (لالا) با «تمامیت» خود و با عقل و احساس و آینده‌نگری دست به «انتخاب»^۶ می‌زند تا رفتار و حرکت خود را با

1. existentialisme

2. cogito

۳. دکارت علاوه بر طرح «وجود اندیشه‌محور» انسان، به ثنویت دو جوهر -تن و روان- نیز قائل بود که نسبت به هم غیرمتجانس و غیرقابل تأویل هستند.

۴. Gabriel Marcel؛ فیلسوف اگزیستانسیالیست معاصر فرانسوی. به نظر وی هسته فلسفه، بررسي «وجود» است؛ وجودی که همچون یک «راز» خودنمایی کرده و در سیلان است.

۵. از این منظر هر دو فیلسوف به برداشت و مفهوم و حضور دیگری در نزد امانوئل لویاتاس نزدیک می‌شوند. زیرا که لویاتاس بر این باور بود که انسان از ذهنیت‌گرایی خود خارج شده و دارای یک ارزش اخلاقی و دینی است. متافیزیک لویاتاس رابطه سوژه و «دیگری» را به نحو احس تبیین و تعریف می‌کند.

6. Choix

شکل‌دهی تاریخ آینده نشان دهد. «لالا تنها ماند در میان صحرا، ایستاده و کمی خمیده بر روی سنگ کف. باد سرد او را می‌سوزاند، باد مهیبی که زندگی انسان‌ها را دوست ندارد» (لوکلزیو، ۱۹۸۰، ص. ۲۰۲). لوکلزیو با خلق رمان‌هایی همچون *جوینده طلا*، *موندو و داستان‌های دیگر*، *صحرا*، *جنگ*، *طوفان نوح*، *خلسه مادی*، *آفریقایی*، *آنتیشا*، نشان داد که نه به تحول‌گرایی ماذه و نه به ذهن‌گرایی باور داشت بلکه هدف وی از طرح برخورد ذهنی و بصری با پدیده‌های طبیعی و عقلی، ارائه مسئله آگاهی و اصالت در مورد انسان بود. سوژه لوکلزیو هم مسئول و هم شخصی است زیرا که از برداشت کلی بسیار به دور است. وقتی که آن‌ها «هدفی» را انتخاب می‌کنند موقعیت خود را نیز برحسب آن هدف جهت‌دهی می‌کنند و در نتیجه اشیاء را منطبق با اهداف و تصمیمات خود معنادار می‌کنند و این اشیاء از وضعیت بی‌معنایی و بی‌ارزشی خارج می‌شوند. «انسان امری قابل تبدیل به داده‌های اولیه و گرایش‌های مشخص و معین نیست که خود نیز حامل آن‌ها باشد مانند خصایصی که یک شیء دارد» (سارتر، ۱۹۷۶، ص. ۶۲۰). سوژه‌های لوکلزیو با توصیف پدیدار و اشیاء و با التفات به آن‌ها، شناخت خود را بی‌واسطه معنادار می‌کنند. این شخصیت‌ها در سایه آگاهی، حرکت خود را از شناخت حسی به سمت آگاهی پیش می‌برند تا معرفت مطلق خود را به تعبیر هوسرل با سوژه استعلایی نشان دهند. در واقع همین سوژه «علاوه بر این که خود تحول می‌یابد، آشیای عالم را نیز زمان‌مند می‌کند؛ یعنی با التفات به آن، معانی تازه‌ای به آن‌ها می‌بخشد» (نوالی، ۱۳۸۳، ص. ۲۲۵) از خودبیگانگی و انزوای آدام پولو (Adam Polo) در رمان *صورتجلسه*^۱ نشانگر تیرگی تقدیر انسانی است. داستان با محتوایی آکنده از نشانه‌های اسطوره‌ای، سوژه‌ای را به تصویر می‌کشد که تنش‌های اجتماعی را در خود ضبط کرده و دستخوش کهن‌الگوهای عصر جدید است. شخصیت‌های لوکلزیو از تمدن‌های خود جدا شده و با عصیان در مقابل آن‌ها به پی‌شواز حوادث و ماجراها می‌روند. همین فرآیند جدایی از دیار و تمدن، یادآور قهرمان داستان *رابینسون کروزوئه* اثر دانیل دفوئه است که بی‌وقفه در تلاطم وقایع و اتفاقات^۲ غوطه‌ور هستند. سوژه لوکلزیو

1. Procès-verbal

2. Robinsonade

همچون انسان مورد نظر راتر^۱ (روانشناس آمریکایی) «می‌تواند تجربیات خود را تنظیم و هدایت کند و رفتارهای خود را برگزیند. راتر معتقد است که اگرچه مردم تحت تأثیر متغیرهای بیرونی هستند، اما قادرند ماهیت و میزان این تأثیر را شکل بدهند» (کریمی، ۱۳۹۲، ص. ۱۹۴-۱۹۵). بنابراین آدام پولو در رمان *صورتجلسه* به عنوان منشأ عمل انسانی نشان داده شده و «نگرش و حالت درونی و آگاهی او از وضعی است که در جهان دارد» (نوالی، ۱۳۷۴، ص. ۱۷۵) و برای وی بسان سوژه، وجود لئفسه و فی‌نفسه اهمیت خود را از منظر «آگاهی و شناخت» حفظ کرده و به حرکت وی جهت می‌دهد.

- شخصیت

لوکلزیو نویسنده‌ای است که صفحات زیادی از نوشته‌های خود را به رؤیا، اسطوره، مکان‌های جغرافیایی و وقایع تاریخی سرزمین‌های آفریقایی یا آمریکای لاتین اختصاص داد. رفتار و حرکت شخصیت‌های لوکلزیو با «موقعیت»، گرایش و اهداف آن‌ها تفسیر می‌شود. رفتاری که در بطن روابطی است که نقش اساسی را آینده و آتیه بازی می‌کند. سوژه لوکلزیو دارای حضوری باورنکردنی است و در کانون تنش‌های گوناگون اجتماعی قرار گرفته است. از اولین اثر *صورتجلسه* گرفته تا پایان سال‌های هفتاد فعالیت‌های نوشتاری مؤلف، سوژه از یک «آگاهی ناگوار از خویش‌شن» برخوردار است. این آگاهی نشانگر تغییرات اساسی ارزش‌هایی موجود در فرهنگ‌ها و اجتماعات است که بیشتر در نزد مؤلف رنگ و بوی تاریخی به خود دارند. سوژه لوکلزیو یک کارکرد اجتماعی دارد. به بیان دیگر سوژه لوکلزیو در حالت دگرگونی است و تعریف ثابتی ندارد. شاید همین نکته گویای تفکر هایدگر در باب ماهیت تحول‌پذیر انسان باشد. سوژه لوکلزیو به دنبال «طرح و هدف» و «وحدت» است و همین ادراک کل معنای رفتارهایش را توجیه می‌کند. لوکلزیو در داستان *صحرا* با نشان دادن آگاهی سوژه که مجموعه التفات وی به اشیاء و توصیف ذات‌ها است، درصدد برآمد تا به عین‌ها صورت

1. Julian Rotter

تکوینی دهد: «لالا چشمانش را می‌بندد، پیش می‌رود، کمی خمیده به سمت جلو، همانطور که قبلاً در صحرا بسوی منبع روشنائی پیش می‌رفت» (لوکلزیو، ۱۹۸۰، ص. ۲۹۳). و همین جنبش‌ها، تغییر موضع‌ها تعریفی از ماهیت سوژه را در ذهن خواننده ایجاد می‌کند؛ «زیراکه ماهیت انسان در وجود اوست، یعنی از وجود او که همین امکان خاص است، نشأت می‌گیرد» (نوالی، ۱۳۷۴، ص. ۲۵). در مجموعه داستانی *مولدو*، لولابی^۱ با تصمیم‌های خود جهش یا امکان خاص خود را نیز تبیین می‌کند: «روزی لولابی تصمیم گرفت تا دیگر به مدرسه نرود، صبح زود و اواسط ماه اکتبر بود» (لوکلزیو، ۱۹۷۸، ص. ۸۱). در داستان *چرخ آب*^۲، شخصیت داستان، «ژوبا»^۳ از مزارع خالی از سکنه می‌گذرد، از واپسین خانه‌های دهقانان دور می‌شود» (لوکلزیو، ۱۹۷۸، ص. ۱۴۹) و ژوبا می‌گوید «می‌خواهم ابدی باشم، برای اینکه این سرزمین را ترک نکنم، تا همیشه آن را ببینم» (لوکلزیو، ۱۹۷۸، ص. ۱۶۰). لالا در داستان *تعلیمی صحرا* از ارزش‌هایی امتناع می‌ورزد که در جامعه مورد قبول واقع شده‌اند «حالا که من تو را انتخاب کرده‌ام هیچ کسی قادر نخواهد بود مرا بدزد و یا به زور مرا برای ازدواج کردن نزد قاضی ببرد» (لوکلزیو، ۱۹۸۰، ص. ۲۱۹). مادر آکسی در *جوینده طلا* اظهار می‌کند «باید از اینجا برای همیشه حرکت کنیم» (لوکلزیو، ۱۹۸۵، ص. ۴۷). شخصیت ناچاراً به یک جابه‌جایی، به یک آغاز، به یک سفر و حرکت دست می‌زند تا شاهد بازی تخیل و دگرپیشی‌های خود باشد. از این‌رو، سوژه لوکلزیو در قاموس سارتر و انسان‌شناسی راتر «آزاد است تا نه فقط رفتار کنونی خود، بلکه آینده خود را نیز شکل دهد» (کریمی، ۱۳۹۲، ص. ۱۹۵).

– مضمون اصالت

برای شناسایی این مضمون ابتدا باید تعریفی از «احساس تشویش» ارائه گردد. این احساس که بسیار مورد توجه کیبرکی گارد^۴ (فیلسوف دانمارکی) و هایدگر است، سوژه را فرا می‌گیرد.

۱. Lullaby

۲. La roue d'eau

۳. Juba

۴. Kierkegaard: فیلسوف دانمارکی و پدر اگزیستانسیالیسم بود که با تأکید بر انتخاب و تعهد سوژه، و با افشای آزادی وی در عرصه وجود، معنای زندگی را بر انسان زنده کرد. به باور وی تشویش و دلهره نیستی از آزادی انسان ناشی می‌شود.

سوژه دست به انتخاب زده و تاوان ارزش‌های خود را می‌دهد. در نزد لوکلزیو موقعیت سوژه، همیشه با حوادث تاریخی و اجتماعی مواجه هست. وی در داستان *خلسه مادی* نشان می‌دهد که چگونه سوژه به دنبال تولید معنا بوده و یک جهان‌بینی جسم‌گرا و ماده‌گرا را در خود شکل می‌دهد. سوژه لوکلزیو با جامعیت وحدانی خود، احساس هستی خود را شکل می‌دهند. اصالت این سوژه از ریشه‌ها و سنت‌های معمول خود دور شده و توانایی خود را با حس کردن «لحظات آنی» در کنار طبیعت غنا می‌بخشد. وی که در بطن الزامات گوناگون قرار گرفته، از «آزادی مطلق» و «قدرت انتخاب» برخوردار است. سوژه که در یک «موقعیت» تاریخی و اجتماعی قرار گرفته باید دست به عمل بزند. حتی افرادی که از اقدام به تصمیم و کاری امتناع می‌ورزند، در قاموس سارتر دست به انتخاب می‌زنند. از این منظر، اگزیستانسیالیسم لوکلزیو در پی این است که با فهم ماهیت و طبیعت انسان، پا را فراتر گذشته و با نشان دادن وحدت انسانی، تجارب فیزیکی آن‌ها را نشان می‌دهد. لالا در *رُمان صحر* گذشته را با آینده خود با طرح معمای هستی پیوند می‌زند و پاسخ آن را خواه ناخواه در آخرین سطور رمان با تولد انسانی ارائه می‌دهد؛ این پاسخی است به تقدیر نوشته شده خویش. هرچند که بحران چارچوب خانوادگی شخصیت‌های لوکلزیو (از لالا گرفته تا فتنان در *رُمان انیشتا*) از ورای لحظات واقعی خود را نمایان می‌کند، ولی پیوسته زندگی آن‌ها بر اساس معنی، هدف و اصل واقعیت مرتبط با طبیعت تعریف و مطالعه می‌شود. زیرا که اشیاء به تعبیر سارتر تابع تصمیمات بشری هستند و همان‌طور خواهند بود که او تصمیم می‌گیرد. موندو و آلکسی (در *جوینده طلا*) همچون طرفداران نظام مارکسیسم دارای بینش مادی نیستند و نقش طبیعی انسان را حذف نمی‌کنند بلکه آن‌ها موجوداتی هستند که بعضی مواقع رفتارهای آن‌ها غیرقابل پیش‌بینی است. آدام پولو در *صورتعجله سه* نیز با امتناع از قوانین و گداهای اجتماعی و شهری، انزوا را برگزیده و تلاش می‌کند تا واکنشی در مقابل شرایط و موقعیت‌ها نشان دهد. وی حتی با نوع پوشش خود علیه گداهای اجتماعی حرکت کرده و تصویر اجتماعی قهرمان را دگرگون می‌کند: «به نظر یک گدا بود. نیم‌تنه عریان، سر برهنه، پاهای عریان [...] با شلوار پارچه‌ای درب و داغون به رنگ بژ [...]» (لوکلزیو، ۱۹۶۳، ص. ۱۵). در واقع برای جلوه‌های اصالت، داستان‌ها و حکایات لوکلزیو گام را فراتر نهاده و ترکیبی از «حکایت و میل» ایجاد

می‌کند یا به تعبیر رولان بارت: «منشأ حکایت، میل درونی است. با این وصف، این میل درونی باید تغییر یابد و به یک نظام برابری‌ها و مجازها وارد شود» (آدام، ۱۹۹۴، ص. ۲۷۳).

- آزادی

طرفداران اصالت وجود اعتقاد داشتند که انسان با «آزادی» خاص وجود انسانی، هستی و موقعیت خود را تعریف می‌کند. و اگر طرح (project) و هدفی برای خود تعریف می‌کند به این خاطر است که دارای انتخاب و آزادی است. همین «طرح» فی‌نفسه مستلزم عمل است و به‌واسطه آن وجود انسانی تبیین می‌گردد. سوژه‌های لوکلزیو با دخل و تصرف، با طرح و هدف و با تغییر و تحول، به موجوداتی تبدیل می‌شوند که «هستی» می‌یابند و از قبل تعریف شده نیستند؛ زیرا که به تعبیر اگزیستانسیالیست‌ها اساساً «طرح» هستند نه سازش‌پذیر و خنثی، نه مادی‌گرا و جبرگرا، بلکه همیشه در حال «تحول و تکون» بوده و جهان را از بی‌معنایی^۱ تهی می‌کنند: «أفعال انسانی منبعث از گذشته نیستند که از اختیار انسان خارج شوند بلکه حاصل هدفی هستند که ما مصمم به تحقق بخشیدن آن هستیم» (سارتر، ۱۹۷۶، ص. ۵۱۴). از نظر طرفداران اصالت وجود، انسان تنها موجودی است که در سایه باورهایش با انتخاب، اعمال و آزادی خود، اهداف و طرح خود را تعیین می‌کند و نمی‌تواند اسیر جبرگرایی‌های (déterminisme) متعارف شود زیرا که به‌نظر آن‌ها «جبری وجود ندارد، انسان آزاد است، انسان خود آزادی است» (سارتر، ۱۹۹۶، ص. ۴۵). در داستان *آوای گر سنگی*، لوکلزیو با صراحت ابراز می‌کند که «از سال‌های بی‌روح و کسل‌کننده خارج می‌شوم، در روشنایی وارد می‌شوم. من آزاد هستم. وجود دارم» (لوکلزیو، ۲۰۰۸، ص. ۱۳). و به‌قول خود لوکلزیو «آزادی را انجامی نیست، همچون گستره زمین، وسیع است؛ زیبا و بی‌رحم همچون نور، شیرین مثل چشمه‌های آب» (لوکلزیو، ۱۹۸۰، ص. ۴۳۹). در بیشتر موارد، شخصیت قادر نیست با شرایط زیستی خود، با ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و قراردادهای خطه‌ای پیوند برقرار کند در نتیجه هویت خود را گسیخته می‌یابد؛ همچون شخصیت داستانی موندو در داستانی به همین نام و شخصیت لالا^۲ در *رمان صحر*. در این رمان لالا دست به اعتراض می‌زند و آزادی خود را

1. Gratuité

2. Lala

در صحرای بیکران پاکی و طهارت می‌یابد. باید افزود که این سوژه‌ها آزادی خود را در سایه «دیگری» و در برخورد با جهان و پدیدارها حاصل می‌کنند در غیر این صورت آن‌ها جز ذهنیت‌های محض چیز دیگری نیستند. تمامی کُنش سوژه‌ها (اِتل، فَنَتان، موندو) دارای هدف هستند زیرا که «اصولاً آزادی باید به عمل منتهی شود و الا انتخاب هدف‌های غیرعملی مبین آزادی نیست» (نوالی، ۱۳۷۴، ص. ۱۶۸). موندو و فَنَتان در رُمان اُنیتِش^۱ در موقعیت‌ها و امکانات خاص خود آزادی خود را نشان می‌دهند. در واقع، آن‌ها با توسل به «انتخاب» و «مقاصد» خود، به هستی و پیرامون خود معنا می‌دهند: «فَنَتان دفتر قدیمی مدرسه را برداشت و به نوشتن داستان ادامه داد، یک سفر بزرگ، کشتی اِسِتر بر روی رودخانه حرکت می‌کرد، و همچون یک شهر شناور بزرگ بود» (لوکلزیو، ۱۹۹۱، ص. ۱۲۰). اِتل در آوای گرسنگی که می‌تواند تصویر مادر مؤلف باشد، در تن دادن به ازدواج با لوران فلد^۱ سرنوشت خود را انتخاب می‌کند. از این رو «ماهیت انسان از کیفیت برخورداری او از آزادی‌اش، سرچشمه می‌گیرد، او محکوم به آزادی است [...] و بسوی امکانات گشوده است» (نوالی، ۱۳۷۴، ص. ۴۳) آزادی لالا در رمان صحرای نیازمند قبول آگاهی، انتخاب و مسئولیت در دنیای او است. لالا آزادی خود را در بطن امکان و توانایی خود خواسته یا ناخواسته نشان می‌دهد زیرا که تصمیم وی دلیل آزادی وی است و نگرش و اعتقاد وی، بیانگر «طرح‌های» وی است که معنای «متعالی» به خود می‌گیرند. لوکلزیو این احساس «ارزشمندی و هدفمندی» را در درون شخصیت‌هایش ایجاد می‌کند تا وجود خاص انسانی خود را مقدم بر ماهیت‌شان نشان دهند؛ زیرا که آن‌ها پیوسته تلاش می‌کنند تا «امکان خاص» خود را تحقق بخشند.

- موقعیت

به باور سارتر «هستی انسان مقدم بر ماهیت وی است»، زیرا که انسان در موقعیت زیستی خود آزاد است و قبل از اینکه دست به انتخاب بزند «وجود و هستی» دارد و به واسطه همین «وجود داشتن» ماهیت خود را تعریف و تبیین می‌کند. به عبارت دیگر مفهوم عبارت سارتر «بدین معنی است که انسان، ابتدا، وجود داشته و در جهان ظاهر می‌شود و بعداً خود را تعریف

می‌کند» (سارتر، ۱۹۹۶، ص. ۲۹). سوژه لوکلزیو بیانگر نوعی وحدت در ساختار خویشتن انسانی است. «میل و گرایش» وی که یکی از ارکان اساسی اگزیستانسیالیسم محسوب می‌شود، در جهت ارضای امیال مادی بی‌معنا بوده و در مسیر پر کردن خلأ و فقدان ماهیت مفهوم پیدا می‌کند. آهنگ میل و طرح به عبارتی دعوت به خودآگاهی است. آگاهی از خویشتن و دنیای پیرامون. بُعد عاطفی و انتخابی این «گرایش و طرح» نیز به سوژه بستگی داشته و عاملی برای «هدف» در نزد وی می‌باشند:

«اختیار قوام‌بخش موقعیت است، زیرا که موقعیت فقط برای وجدانی است که خود را از آن می‌رهاند و آن را با طرح‌ها و پیشنهادهای خود روشن می‌سازد [...] هیچ واقعیهایی برای من روی نمی‌دهد مگر اینکه آن را با اختیار انتخاب کرده باشم.» (ورنو، ۱۳۷۲، ص. ۲۷۱)

همین اختیار مفهومی را به فعل «تغییر» ارائه می‌دهد و همه وقایع را معنادار می‌کند. در واقع سوژه با آگاهی از امکانات بی‌پایان هستی، علت غائی خود را مبنا قرار داده و طریقی را که به آن می‌نگرد، می‌گزیند. بنابراین برای لوکلزیو، همچون آدلر و یونگ، «شکل‌دهی رفتارها را ناشی از هدف‌های انسان می‌داند. یعنی رفتار انسان را تابع هدف‌هایی می‌داند که در پیش روی او قرار دارد» (کریمی، ۱۳۹۲، ص. ۸۳) و به همین علت، ضرورت عمل است که تجارب و فعالیت‌های شخصیت‌ها رنگ و بوی خلاقیت به خود می‌گیرند. همان‌طور که آلکسی و خانواده‌اش در جوینده طلا تعیین‌کننده الگوها و رفتارهای خود هستند: «چهارشنبه ۳۱ اوت، ما دنیای خودمان را ترک می‌کنیم، زیرا که دنیای دیگری را نشناخته‌ایم. همه چیز را از دست می‌دهیم، خانه بزرگ در منطقه بوکان (Boucan)، جایی که متولد شدیم. ایوانی که مامان کتاب مقدس را برایمان می‌خواند» (لوکلزیو، ۱۹۸۵، ص. ۹۹).

- تشویش

شخصیت‌های لوکلزیو در تشویش، هستی خاص خود را شکل می‌دهند زیرا که «مسئولیت» انتخاب‌های خود را بر عهده می‌گیرند. برای سوژه لوکلزیو، آن چیزی که دارای معناست دارای اعتبار است و با آگاهی از گذشته خود موقعیت خود را به «هستی و هست» در می‌آورد و هر حالت و واکنش آن‌ها محرکی برای «عمل، طرح و انتخاب» آن‌ها محسوب می‌شود. ولی آگاهی آن‌ها دستخوش تشویش اگزیستانسیالیستی است و برای چاره آن دست به تغییر و تحول و

انتخاب می‌زنند؛ زیرا که همین «دلهره» یک احساس ساده ذهنی نیست و نباید آن را مترادف «ترس» دانست بلکه دلهره‌ای از «نیستی» است و تجربه واقعی وجود انسانی. طرفداران نحله اصالت وجود بر این باور بودند که همین «دلهره» ماهیت هستی انسان را شکل می‌دهد. در *آوای گرسنگی* «اتل احساس می‌کرد که تشویش و ترس وی را فرا می‌گیرد. از صندلی خود بلند شد و به سمت آشپزخانه دور شد که در آنجا آیدای مهربان ظرف می‌شست. و برای خشک کردن و چیدن بشقاب‌ها به وی کمک کرد» (لوکلزیو، ۲۰۰۸، ص. ۷۷). به نظر سارتر نیز همین دلهره، همان تشویش آزادی و نیستی است: «(اتل همان تهوع را در گلویش حس می‌کرد» (لوکلزیو، ۲۰۰۸، ص. ۸۳). برداشت سارتر از تشویش-در-جهان رابطه تنگاتنگی با «تعهد» در نزد سوژه دارد. به قول وی «بشر یعنی دلهره. این دلهره حجابی نیست که ما را از عمل و اقدام جدا کند، بلکه جزئی از عمل است» (سارتر، ۱۳۸۰، ص. ۳۰-۴۲). دیدگاه اگزیستانسیالیستی با رویکرد اهداف و تعلیمات آتیۀ سوژه دقیقاً در مقابل روان‌کاوی زیگموند فروید قرار گرفته است. زیرا که در نزد فروید شخصیت در بطن یک جبر -بازگشت به گذشته- قرار گرفته که برای شناخت اختلالات شخصیتی وی علم به آن دوره ضروری است. به قول سارتر «ترس آگاهی ساختار دائمی وجود آدمی است [...] من تنها و در ترس آگاهی، در مقابل طرح یگانه و نخستینی که مقوم وجود من است، سر بر می‌آورم؛ تمام موانع و جان‌پناه‌ها، نیست گرفته شده به واسطه وقوف من به مختار بودن، از بین می‌روند» (ورنو، ۱۳۷۲، ص. ۲۷۳) بنابراین این حزن و اندوه هم با تعهد آدمی و هم با آزادی وی برای اقدام مواجه است. موندو، لولابی، لالا، نور، کودکان تنهایی هستند که از جامعه و مدرسه (مُدرن) بریده شده‌اند ولی پی‌درپی از ماهیت زیستی خود سؤال می‌پرسند و برای آن راه حل ارائه می‌دهند. آن‌ها مابین انقلاب و وحشت درونی تقلا می‌کنند. حتی زمان و گریز آن نیز به دلهره هستی آن‌ها می‌افزاید و واکنش‌های آن‌ها در برابر گذر زمان، تصاویری را برای خواننده داستان‌هایشان می‌دهد که بیشتر از اینکه خیالی و داستانی باشند درونمایۀ اگزیستانسیالیستی دارند. از سوی دیگر، شهر و جامعه نیز تصاویر تشویش‌آوری را برای شخصیت‌های لوکلزیو به وجود می‌آورند. در نتیجه، دلهره حاصل حاکی از از خود بیگانگی سوژه بوده و کلام و روان را نیز تحت اشاعه قرار می‌دهد. در زمان کتاب‌گریز تشویش جامعه و زمان به‌طور تنگاتنگی درهم آمیخته شده است: «به تدریج شهر، او

را طرد می‌کرد، او را به‌طور نامحسوسی کنار می‌زد، او را با دیوارهایش در تنگنا قرار می‌داد» (لوکلزیو، ۱۹۶۹، ص. ۱۲۵).

- دیگری

یکی از الزامات اجتماعی انسان، همزیستی وی با انسان‌هاست. البته همین همزیستی نیز انسان را از آزادی واقعی و مطلق‌اش محروم می‌کند. بعضی مواقع نیز همین رابطه با دیگری نیز به عرصه تنش و تعارض تبدیل می‌گردد. ولی به هر حال انسان باید «معنایی» را به زندگی خود در بطن اجتماع اعاده کند. قسمتی از واقعیتی که وجود من است ناشی از خودِ دیگری و نگاه دیگری بوده و خارج از دسترس من است. موندو با تجربه مستقیم خود از پدیدارها و تجربیات ذهنی و درونی خود تلاش می‌کند پاسخی به غیر ارائه کند. همین پاسخ، عامل و محرک، من را از خود بیگانه می‌کند و آن را در بطن یک برهان قرار می‌دهد. سارتر متأثر از فلسفه هگل، بر این باور بود که نه تنها «دیگری و نگاه دیگری» بلکه قضاوت وی نیز زندگی انسان را تحت الشعاع قرار می‌دهد. از این‌رو، سوژه محوری در اینجا جای خود را به دیگر محوری و ادراک دیگری می‌دهد که نظام هستی سوژه را دچار تغییر و تحول می‌کند. همین تحول و دگردیسی را در نزد شخصیت‌های نمایش‌نامه در بسته (Huis clos) سارتر شاهد هستیم که خود را در آینه چشمان دیگری می‌بینند. شخصیت‌های لوکلزیو نیز به دیگری وابسته هستند همان‌طور که دیگری نیز به آن‌ها وابسته است: «دیگری واسطه ضروری من و خویشتنم است» (سارتر، ۱۹۷۶، ص. ۲۶۵). شاید بتوان برداشت بدبینانه‌ای از دیگری در نزد سارتر را این‌گونه نیز بیان کرد که روابط انسانی را تعبیر و مفاهیمی همچون عشق، عاطفه، روابط خونی و محبت و غیره، بسیار تلطیف می‌کنند. ولی هرگز برای انسان گریزی از نگاه و قضاوت دیگری وجود ندارد. نمایش حضور دیگری در طول گفتگوها، کلمات و تبادلات کلامی، تحولات و عملکردهای دیگری را نشان می‌دهد، به‌طوری‌که می‌توان دموکراسی مطلق «دیگری» را در آثار لوکلزیو مشاهده کرد. از این‌رو، شعور شخصیت از حضور دیگری نفع برده و خود را جزئی از دیگری به حساب می‌آورد. همان‌طور که نمونه‌های کثیری را در نزد مؤلف می‌توان ذکر کرد؛ مثلاً در رمان جوینده طلا: «به دنبال کسی هستی؟ - نه، [...] دریا را می‌پایم. - نگاه کن به کشتی که می‌گذرد. نامش را می‌بینی؟ - آن را می‌شناسم. آرگو است. کشتی من. به

دنبال من است. - قصد رفتن داری؟ - بله. به زودی خواهم رفت» (لوکلزیو، ۱۹۸۵، ص. ۷۸) همین دیگری وضعیت و موقعیت مادی و انسانی ما را می‌تواند دچار تحول کند زیرا که قادر است نگرش و شخصیت ما را جهت‌دهی کند؛ زیرا که «من نگاه غیر را که به سوی من انداخته شده، به عنوان یکی از امکانات وجود عینی او تلقی می‌کنم» (سارتر، ۱۹۷۶، ص. ۳۰۳). غالباً دیگری در نزد لوکلزیو تبدیل به موضوع شناخت و تجربه می‌شود. از یک سو، با حضور و نگاهش مجموعه‌ای از نشانه‌هایی را شکل می‌دهد که به تعبیر باختین سازنده «نتیجه گفتگویی و حادثه‌ای» (باختین، ۱۹۷۰، ص. ۲۷۹) است. بنابراین سوژه‌های لوکلزیو مدام «دیگری» را تجربه می‌کنند و در بطن روابط بین‌الذهان خود را تعریف می‌کنند. به عبارت دیگر، وجود و هستی این سوژه‌ها بدون دیگری معنای انسانی ندارد. در واقع «دیگری همچون فلان ظهور تجربی و ملموس وجود ندارد، بلکه به لحاظ ریشه‌ای همچون یک شرط وحدت و عینیت از جهان وجود دارد. در واقع، رابطه بین‌ذهنیتی شرط امکان و عینیت جهان است» فونتن^۱، ۱۹۹۹، ص. ۱۴۷). به مین دلیل است که دیگری در کانون توجه مؤلف فرانسوی قرار گرفته و پیوند مستحکم با هستی «من» ایجاد می‌کند.

۴. نتیجه‌گیری

اگزیستانسیالیسم سارتر تلاش کرد تا با توسل به «آگاهی سوژه» و کشف «ماهیت انسانی»، انسان و اعمال و کنش‌های وی را در بستر موقعیت‌ها تعریف کند. سارتر در فلسفه خود، «زبان» را به نشانه تبدیل کرده و حوادث پیرامون انسانی را تبیین کرد. به نظر سارتر، سوژه با رفتار، طرح آینده‌نگرانه خود، هستی خود را بیان می‌کند و سوژه لوکلزیو نیز با تمامیت هستی خود، وجود فی‌نفسه را به‌عین به تصویر می‌کشاند. همان‌طور که جهت‌گیری هوسرل در پدیدارشناسی آرمانی بود، رویکرد لوکلزیو نیز با نشان دادن سوژه‌های نیت‌مند^۲، پدیدارشناسی خود را شکل داده و سوژه‌ها در پی کشف دنیای خود، رابطه خود را با گذشته خود قطع می‌کنند چون در مقام اختیار و گرایش هستند. سوژه‌های لوکلزیو با نگاه و طرح و اهداف و

1. Fontaine

2. Intentionnel

تصمیمات خود، اشیاء و دنیای بیرونی را از بی‌ارزشی و تهی بودن و حالت فی‌الفسه خارج می‌کنند. شخصیت‌هایی همچون اِتل، موندو و آلکسی و فِنتان به «وضعیت محدود» بسنده نکرده بلکه موقعیت و وضعیت خود را ایجاد می‌کنند. زیرا که خودِ طرح، گرایش، قصد و هدف هستند و با فرآیند تغییر و تحول، به جهان بیرونی و اشیاء معنا می‌بخشند. به عبارت دیگر، به‌لحاظ اصالت‌گرایی خود، پیوسته به خارج از وجود خود نظر دارند و با «جابه‌جایی» خود، سرنوشت خود را موجب می‌شوند. در واقع وجود داشتن شخصیت‌ها و سوژه‌های لوکلزیو به معنی «تعالی دائمی» است و حرکت و هدفمندی آن‌ها از ورای آگاهی، همین تعالی و گذر از وضع موجود را ضرورت می‌بخشد و کیفیت ادراک خود از جهان را برای آن‌ها تمامیت می‌بخشد. همین عمل آن‌ها است که کمال آزادی آن‌ها را تعریف می‌کند. بنابراین «ماهیت وجود در جهان انسان، از کیفیت هستی خاص وی یا از اِگزِستانس او ناشی می‌شود» (نوالی، ۱۳۷۴، ص. ۱۹). «دیگری» نیز در نزد لوکلزیو، قبل از خویشستن، قبل از من، قبل از تجربه و قبل از جهان، یک طرح اصیل است: طرحی برخوردار از حرکتی به سمت آینده و شدن. دیگری نیز به کمک من موجودیست که خود را آشکار می‌کند. لوکلزیو با نشان دادن تعهد نویسنده و التزام اثر ادبی خود توانست شالوده فلسفی آثار خود را بر پایه اندیشه وجودی و اجتماعی شخصیت‌های خیالی و اتوبیوگرافیک خود طرح کند. نگرش اصالت وجود در نزد لوکلزیو، همان بازگشت به خویشستن و یا به تعبیر سقراط «خودشناسی» بود. همان‌طور که در نزد هوسرل در کتاب *تأملات دکارتی* «از پدیدارشناسی اُبژه‌مدار به پدیدارشناسی سوژه‌مدار می‌رسیم که در آن خود، خویشستن را همواره شکل می‌دهد و همه چیز را در پیوند با خود می‌سازد» (احمدی، ۱۳۹۴، ص. ۵۴۷) سوژه‌های لوکلزیو نیز با عینیت بخشیدن به هستی و آگاهی خود، تجربه‌های خود را مقدم قرار داده و فهم و شناخت خود را با ذهنی نیت‌مند و موجودی هدفمند سازگار می‌کنند تا سوژه‌های متعالی خود را عریان کنند. داستان‌های لوکلزیو اهداف پدیدارشناسی و اِگزِستانسیالیسم را مبنای بحث قرار داده و با «مشاهده اشیاء» سعی می‌کنند تا با واقعیت عینی و ملموس اشیاء و تصورات رابطه برقرار کرده و با آزادی خود، اعمال خود را بارور و معنادار کنند. بنابراین سوژه لوکلزیو «جز آنچه انجام می‌دهد و خود را می‌سازد، نیست» (نوالی، ۱۳۷۴، ص. ۲۷). به عبارت دیگر اِگزِستانسیالیسم لوکلزیو همان

اومانیسم سارتر در بستر فلسفه زیستی بوده و گزینش و طرح‌های شخصیت‌ها «وجود فی نفسه» را غنا بخشیده و با تغییر و تحول خود، خود و جهان پیرامون خود را تعریف می‌کنند. آثار لوکلزیو را می‌توان از حیطة نقد بوم‌گرا (écocritique) و رابطه فرد با طبیعت و دانش زیستی نیز مورد مطالعه قرار داد و برای مسائل آن راه حل ارائه نمود.

کتابنامه

- احمدی، ب. (۱۳۸۲). هایدگر و پرسش بنیادین، تهران: نشر مرکز.
- احمدی، ب. (۱۳۹۴). ساختار و تأویل متن. تهران: نشر مرکز.
- سارتر، ژ. (۱۳۸۰). اگزیستانسیالیسم و اصالت بشر. ترجمه مصطفی رحیمی. تهران: نیلوفر.
- جمادی، س. (۱۳۸۵). زمینه و زمانه پدیدارشناسی: جستاری در زندگی و اندیشه‌های هوسرل و هایدگر، تهران: ققنوس.
- کریمی، ی. (۱۳۹۲). روانشناسی شخصیت. تهران: پیام نور.
- کوروز، م. (۱۳۷۸). فلسفه هایدگر. ترجمه محمود نوالی. تهران: حکمت.
- نوالی، م. (۱۳۷۴). فلسفه‌های اگزیستانس و اگزیستانسیالیسم تطبیقی. تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز.
- نوالی، م. (۱۳۷۴). نگرش اگزیستانسیالیستی. تبریز: موسسه تحقیقاتی علوم اسلامی-انسانی دانشگاه تبریز.
- ورنو، ر. (۱۳۷۲). نگاهی به پدیدارشناسی و فلسفه‌های هست بودن. ترجمه یحیی مهدوی، تهران: خوارزمی.

Adam, Jean-Michel, *Le texte narratif*, Paris, Nathan, 1994.

Amar, Ruth, *Les structures de la solitude dans l'œuvre de J. M. G. Le Clézio*, Paris, Publisud, 1994.

Fontaine, Philippe, *La question d'autrui*, Paris, Ellipses, 1999.

Bakhtine, Mikhaïl, *La Poétique de Dostoïevski*, Paris, Seuil, 1970.

Bakhtine, Mikhaïl, *Esthétique et théorie du roman*, Paris, Gallimard, 1978.

Heidegger, Martin, *Être et Temps*, traduit par Emmanuel Martineau, Paris, Authentica, 1985.

Husserl, Edmund, *Idées directrices pour une phénoménologie pure et une philosophie phénoménologique*, Paris, Gallimard, 1950.

- Le Clézio, Jean-Marie Gustav, *Le livre des fuites*, Paris, Gallimard, 1969.
- Le Clézio, Jean-Marie Gustav, "L'Envouté", in *Les Cahiers du Chemin*, 1973.
- Le Clézio, Jean-Marie Gustav, *Mondo et autres histoires*, Paris, Gallimard, 1978.
- Le Clézio, Jean-Marie Gustav, *Désert*, Paris, Gallimard, 1980.
- Le Clézio, Jean-Marie Gustav, *Le chercheur d'or*, Paris, Gallimard, 1985.
- Le Clézio, Jean-Marie Gustav, *Ritournelle de la faim*, Paris, Gallimard, ۲۰۰۸.
- Sartre, Jean-Paul, *L'Être et le néant*, Paris, Gallimard, 1976.
- Sartre, Jean-Paul, *Existentialisme est un humanisme*, Paris, Gallimard(Folio), 1996.
- Sartre, Jean-Paul, *Situations philosophiques*, Paris, Gallimard(Folio), 2005.

فرآیند و ویژگی‌های زیرنویس غیرحرفه‌ای در ایران

مسعود خوش‌سلیقه (استادیار مطالعات ترجمه، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، نویسنده مسئول)

khoshsaligheh@um.ac.ir

الهام فاضلی حق‌پناه (دانشجوی کارشناسی ارشد مترجمی زبان انگلیسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

fazeli.20008.e@gmail.com

چکیده

این پژوهش اکتشافی به توصیف پدیده نوظهور زیرنویس غیرحرفه‌ای در بستر ترجمه دیداری‌شنیداری در ایران می‌پردازد. این پژوهش با استفاده از داده‌های کیفی جمع‌آوری شده از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با نمونه‌ای منتخب از زیرنویس‌گذاران غیرحرفه‌ای ایرانی و محصولات ایشان، فرآیند تولید و نحوه عرضه زیرنویس غیرحرفه‌ای فارسی، دست‌اندرکاران و جزئیات فنی و امکانات و تجهیزات مورد نیاز را معرفی می‌نماید. تحصیلات شرکت‌کنندگان (۳ نفر مرد و ۴ نفر زن) غالباً در رشته‌های علوم پایه و مهندسی با میانگین سنی حدود ۲۳ و سابقه فعالیت بین ۷ تا ۱۰ سال بود. مراحل اصلی معرفی شده فرآیند تولید زیرنویس غیرحرفه‌ای فارسی شامل (۱) تهیه نسخه اصلی انیمه، (۲) ترجمه، (۳) ویرایش ترجمه، (۴) زمان‌بندی، (۵) فرمت‌بندی و تنظیم ترانه تیتراژ، (۶) ویرایش نهایی، (۷) انکد فایل ویدئو و اسکرپت ترجمه شده، (۸) کنترل کیفیت و (۹) انتشار نسخه نهایی است. همچنین، در بررسی کیفیت نمونه‌ای تصادفی از محصولات زیرنویس غیرحرفه‌ای اشتباهات زبانی و ترجمه‌ای واضحی مشاهده گردید که با توجه به عدم آموزش رسمی زیرنویس‌گذاران غیرحرفه‌ای ایرانی، همانند دیگر هم‌تایان خود در دیگر نقاط جهان، دور از انتظار نبود.

کلیدواژه‌ها: ترجمه دیداری‌شنیداری، زیرنویس، ترجمه غیرحرفه‌ای، زیرنویس غیرحرفه‌ای، انیمه.

۱. مقدمه

در جهان امروز پیشرفت فناوری شتاب قابل توجهی گرفته است و حوزه‌های مختلفی را تحت تأثیر خود قرار داده است. دنیای ترجمه نیز از تأثیر این پیشرفت دور نمانده است. از مهم‌ترین آثار پیشرفت فناوری در دنیای ترجمه، تولد جوامع مجازی زیرنویس‌گذاری غیرحرفه‌ای می‌باشد که محصولات دیداری شنیداری کشوری را برای اقصا نقاط جهان ترجمه و پخش می‌کنند (گامبیر، ۲۰۱۳). با وجود دسترسی آسان به انواع رایانه و همچنین نرم‌افزارهای زیرنویس‌گذاری رایگان و همیشه در دسترس، تقریباً زیرنویس تولید برای همگان آسان شده است و در نتیجه «ترجمه غیرحرفه‌ای» (آنتونینی و بوچاری، ۲۰۱۶) به‌ویژه زیرنویس‌های غیرحرفه‌ای روزبه‌روز در حال افزایش هستند (دیاس‌سیتاس، ۲۰۱۰). «ترجمه برای همه با کمک همه» (دیاس‌سیتاس و مونچز، ۲۰۰۶، ص. ۱) پدیده‌ای پذیرفته‌شده و روبه‌رشد در مطالعات ترجمه و به‌خصوص ترجمه دیداری شنیداری می‌باشد. وجود تأخیر در پخش، ممیزی یا حتی عدم ترجمه محصولی در جامعه‌ای باعث شکل‌گیری این نوع ترجمه‌ها گردیده است (بگوسکی، ۲۰۱۳). توسعه روزافزون این نوع ترجمه مخصوصاً زیرنویس‌های غیرحرفه‌ای که همیشه بیش از هر نوع ترجمه دیگری توسط طرفداران انجام شده است، در دهه گذشته ابعاد ترجمه غیرحرفه‌ای را در کانون بررسی پژوهشگران بسیاری در مطالعات ترجمه قرار داده است (اورگو، ۲۰۱۵) و هم‌اکنون مقاله‌ها و کتاب‌های متعددی در جهان در این باره منتشر شده است. اگرچه ترجمه غیرحرفه‌ای به‌خصوص زیرنویس غیرحرفه‌ای در دیگر زبان‌ها به‌ویژه زبان‌های اروپایی در سطح بین‌الملل توسط پژوهشگران شاخص متعددی مانند لوئیس پرزگونزالز (۲۰۰۷ الف، ۲۰۰۷ ب، ۲۰۰۷ ج، ۲۰۱۲ الف، ۲۰۱۲ ب و غیره) در سال‌های اخیر به‌طور متمرکز بررسی شده است، در ایران پژوهش‌های محدودی در این حوزه انجام شده است (مانند خوش‌سلیقه، مهدیزادخانی و عامری، ۲۰۱۶؛ عامری و قاضی‌زاده، ۲۰۱۵؛ نورد، خوش‌سلیقه و عامری، ۲۰۱۵).

از آنجا که در ایران پدیده زیرنویس غیرحرفه‌ای در اواسط دهه هشتاد شمسی با فعالیت انجمن‌هایی چون انیمپارادایس^۱ با تشکیل گروه زیرنویس غیرحرفه‌ای «آپتا» پا به عرصه ظهور

1. Animparadise

نهاد و سپس در طی سال‌های بعد انجمن‌های مطرحی چون انیمورلد^۲ و انیم‌آپ^۳ نیز در این حوزه فعال شده و در حال حاضر نزدیک به بیش از ۳۰ گروه مستقل زیرنویس غیرحرفه‌ای ایرانی در حوزه انیمه و پویانمایی مشغول به فعالیت می‌باشند، مقاله حاضر در پژوهشی اکتشافی به توصیف و معرفی نمونه‌ای از زیرنویس‌های غیرحرفه‌ای ایرانی می‌پردازد. امید است نتایج این پژوهش به ارائه تصویر روشن‌تری از این عمل در ایران بپردازد و توجه دیگران برای پژوهش‌های بیشتر در این حوزه را جلب نماید. در این پژوهش تلاش شد پاسخ‌هایی برای پرسش‌های زیر ارائه شود: ۱) فرآیند تولید زیرنویس غیرحرفه‌ای فارسی در ایران شامل چه مراحل است؟ ۲) چه کسانی در فرآیند تولید زیرنویس غیرحرفه‌ای فارسی در ایران فعالیت می‌کنند؟ ۳) چه تجهیزاتی در فرآیند تولید زیرنویس غیرحرفه‌ای فارسی در ایران استفاده می‌شود؟ و ۴) کیفیت ترجمه در زیرنویس غیرحرفه‌ای فارسی در ایران چگونه است؟

۲. پیشینه پژوهش

۲.۱. ترجمه غیرحرفه‌ای و گروهی

ترجمه در دنیای کنونی هیچ حد و مرزی نمی‌شناسد و به‌نظر می‌رسد پژوهشگران مطالعات ترجمه می‌بایست گستره تحقیقات علمی را به مرزهای جدید عمل ترجمه در بسترها، عاملیت و شیوه‌های متنوع و نوظهور نزدیک نمایند (گنتزler، ۲۰۱۴). به‌رغم فاصله پژوهش و عمل ترجمه، برخی به‌دلیل دامنه وسیع، متنوع و چندبعدی پژوهش ترجمه، اتخاذ رویکردی فرارشته‌ای در حوزه مطالعات ترجمه و نگاهی پویا و بدون مرز به ترجمه را ضروری می‌دانند (نرگارد و آردیونی، ۲۰۱۱). از مهم‌ترین مرزهای جدید ترجمه، انجام ترجمه توسط افرادی غیر از مترجمان حرفه‌ای و آموزش‌دیده، ترجمه برای سرگرمی، و ترجمه گروهی و داوطلبانه است (اوهاگان، ۲۰۰۹؛ گامبیر، ۲۰۱۴). در مطالعات ترجمه، ترجمه غیرحرفه‌ای را ترجمه‌ای تعریف کرده‌اند که گروهی داوطلب بدون هیچ‌گونه مطالبه هزینه و دستمزدی انجام می‌دهند. این گروه معمولاً آموزش رسمی ترجمه نداشته و آشنایی با زبان و فرهنگ خاصی، آن‌ها را به‌سمت ترجمه سوق داده است (آنتونینی و بورسیا، ۲۰۱۶). نمونه بسیار بارز و اولیه این نوع

2. Animworld

3. Animup

ترجمه‌های غیرحرفه‌ای پویانمایی‌های ژاپنی (کان و وستول، ۲۰۱۲) است که هم‌اکنون به نام فنساب از آن یاد می‌شود (اوهاگان، ۲۰۰۹). به عقیده ماسیدا (۲۰۱۶) ترجمه با کمک طرفداران گونه‌ای جدید از ترجمه در حوزه مطالعات دیداری‌شنیداری است که در ارتباط با پویانمایی‌های ژاپنی بررسی شده است. در چند دهه اخیر، گسترش روزافزون فناوری‌های اینترنت طرفداران را در عرصه فضای مجازی قدرتمند کرده است؛ یعنی به جای آنکه طرفداران، مصرف‌کنندگان محصولات رسانه‌ای باشند، تولیدکنندگان این گونه محصولات شده‌اند (بانکس، ۲۰۰۹). این تولیدکنندگان غیررسمی پارادایم رسانه جهانی مخصوصاً محصولات دیداری‌شنیداری تلویزیونی را تغییر می‌دهند و بر قدرت متخصصان آماتوری می‌افزایند که می‌توانند چالش بزرگی برای صنعت دیداری‌شنیداری هر کشوری باشند (ماسیدا، ۲۰۱۶). تصمیم‌های مترجمان زیرنویس غیرحرفه‌ای براساس حس و «غریزه» (نورنر، ۲۰۰۷، ص. ۱۸۲) است؛ چراکه در این حوزه به‌طور رسمی هیچ‌گونه آموزش ندیده‌اند. در این گونه ترجمه مشارکتی و موارد مشابه، افراد بدون آنکه هویتشان مشخص باشد یا دستمزدی دریافت کنند، هریک داوطلبانه بخشی از ترجمه را به‌عهده می‌گیرند و به‌فراخور توان، انگیزه و وقت خود قسمتی از کار را انجام می‌دهند و معمولاً محصول ترجمه‌شده به‌طور رایگان در دسترس دیگران قرار می‌گیرد؛ هرچند، از لحاظ علمی، مسائل مختلفی درباره محصولات این گونه ترجمه از جمله مسئله کیفیت این ترجمه‌ها، ماهیت افراد شرکت‌کننده و البته اخلاق و حقوق قانونی مربوط به این نوع فعالیت مطرح و مورد بحث است (گامبیر، ۲۰۱۴). بر همین اساس، برخلاف سال‌های گذشته که نگاه مثبتی به پدیده فنساب وجود داشته، در حال حاضر این دیدگاه به دلایل فوق در حال تغییر است (دنيسون، ۲۰۱۱).

۲.۲. انیمه ژاپنی

پویانمایی‌های تلویزیونی ژاپنی که به‌اختصار به آن‌ها انیمه^۴ نیز گفته می‌شود، معمولاً براساس داستان‌های مصور ژاپنی یا مانگا^۵ ساخته می‌شوند و پس از ورود آن‌ها به عرصه سینما، در دهه ۱۹۷۰ میلادی به دنیای غرب نیز صادر و فراگیر شدند به‌طوری که در نیمه و

4. Anime

5. Manga

اواخر دههٔ هفتاد، در آمریکا کلوپ‌های علاقه‌مندان انیمه شکل گرفت و در آن طرفداران این‌گونه پویانمایی برای تماشای گروهی جمع می‌شدند و به‌تدریج شبکه‌های زیرزمینی توزیع این آثار ایجاد شد (لئونارد، ۲۰۰۵). انیمه‌ها دسته‌بندی‌های مختلفی دارند و هر دسته برای مخاطب سنی خاص و با ویژه‌گی‌های روایت‌گری متفاوتی طراحی می‌شود، ولی در بسیاری از کشورها انیمه‌ها، برنامه‌هایی برای کودکان شناخته می‌شوند (پارینی، ۲۰۱۲). ورود انیمه‌ها به بازار جهانی فیلم و استقبال مخاطبان غیرژاپنی از آن‌ها منجر به شکل‌گیری گروه‌های زیرنویس غیرحرفه‌ای شد که به‌صورت متمرکز به عرضهٔ زیرنویس انیمه می‌پرداختند. در دههٔ ۱۹۷۰ انیمه‌ها از ژاپن وارد ایالت متحده آمریکا شدند اما به‌دلیل ایدئولوژی حاکم، تعداد کمی از این انیمه‌ها ترجمه و روانه بازار می‌شدند. چون محتوای انیمه‌های ژاپن تبلیغ خشونت و روابط جنسی بود و هم‌راستا با ایدهٔ پاکسازی محتوای برنامه‌های کودکان در ایالات متحده نبود، در نتیجه تعداد اندکی که وارد می‌شدند در زیر تیغ سانسور دچار تغییرات زیادی می‌شدند تا محتوای آن‌ها مناسب ایدئولوژی حاکم ایالات متحده آمریکا شود (لئونارد، ۲۰۰۵). در دههٔ ۱۹۸۰ در پاسخ به سانسور گستردهٔ انیمه‌های ژاپنی و همچنین حل مشکل زبانی (چون همه با زبان ژاپنی آشنایی نداشتند) طرفداران این گونه انیمه‌ها در ایالات متحده آمریکا تصمیم گرفتند که خودشان این برنامه‌ها را زیرنویس‌گذاری کنند تا دو مشکل زبانی و ایدئولوژی حل شود (دیاس‌سینتاس و رمائل، ۲۰۰۷). به‌رغم مسائل قانونی این نوع ترجمه به خاطر زیرپا گذاشتن قوانین نشر که از تبعات منفی این عمل بوده است، نشر رایگان زیرنویس‌های انیمه‌های ژاپنی (و همچنین دیگر محصولات مشابه دیداری‌شنیداری)، تأثیرات مثبتی بر معرفی و رشد محبوبیت این محصولات در سطح بین‌الملل داشته است (دیاس‌سینتاس و منوچز، ۲۰۰۶).

۳.۲. ظهور زیرنویس غیرحرفه‌ای

واژهٔ فنساب^۶ (یا زیرنویس غیرحرفه‌ای)، نویسه‌گردانی واژهٔ انگلیسی است و هنوز در فارسی معادل کاملاً دقیقی که دربرگیرندهٔ تمامی مؤلفه‌های معنایی آن باشد، پیشنهاد نشده است. شاید از مهم‌ترین دلایل عدم معادل‌یابی فارسی این واژه، غیررسمی و غیرحرفه‌ای بودن

این پدیده باشد که منجر به جدی گرفته نشدن آن برای معادلیابی شده است و این مسئله را می‌شود از جمله دلایل عدم پژوهش و بررسی علمی این پدیده در ایران برشمرد. از دیگر دلایل می‌شود به این نکته اشاره کرد که ایران از بیش از هفتاد سال پیش که سینما به ایران وارد شده تا کنون همواره از دوبله^۷ و در موارد معدودی از برصد^۸ برای پخش رسمی محصولات دیداری شنیداری استفاده شده است. در دهه اخیر اما تعداد روزافزون علاقه‌مندان جوان فارسی‌زبانی که مایل به تماشای فیلم‌ها و برنامه‌های گوناگون خارجی به‌روز بوده‌اند ولی قادر به دیدن این برنامه‌ها در شبکه‌های رسمی نبوده‌اند، بستر تولید و استفاده از زیرنویس و به‌ویژه زیرنویس غیرحرفه‌ای را فراهم کرده است؛ زیرنویس‌هایی که گاه قابل فهم و روان و در موارد زیادی نامفهوم و پر از اشتباهات نحوی، واژگانی و املائی هستند که بخش اعظم آن‌ها را طرفداران پویانمایی‌ها و فیلم‌های خارجی ترجمه و تولید می‌کنند.

در گذشته کلمه زیرنویس غیرحرفه‌ای صرفاً برای قسمت‌های زیرنویس شده توسط طرفداران پویانمایی‌های بلند ژاپنی به کار می‌رفت و اکنون از این واژه گاهی برای زیرنویس دیگر انواع فیلم‌ها و برنامه‌های تلویزیونی نیز استفاده می‌شود.

دلایل متعددی برای انجام این نوع زیرنویس ذکر شده است. به ولد (۲۰۱۱) برخی از مهم‌ترین دلایل این کار را چنین تبیین می‌کند: فراهم آوردن ترجمه برای علاقه‌مندانی که با زبان محصول اصلی آشنایی ندارند، جبران تأخیر شرکت‌های تجاری در ارائه و توزیع محصولات دیداری شنیداری ترجمه‌شده، عدم تمایل یا عدم توفیق زیرنویس‌های رسمی و تجاری در انعکاس مسائل فرهنگی و ویژگی‌های منحصر به فرد محصولات خارجی و به‌ویژه معرفی محصولی فرهنگی که در دیگر نقاط جهان چندان شناخته شده نیست.

۲. ۴. پژوهش زیرنویس غیرحرفه‌ای

مطالعات و پژوهش‌های اولیه در این حوزه را می‌شود به نورنز (۱۹۹۹) نسبت داد. وی در مقاله خود در سال ۱۹۹۹ از صفت «سوء استفاده» در توصیف زیرنویس غیرحرفه‌ای، به‌عنوان نوعی زیرنویس، یاد می‌کند؛ چون در این نوع زیرنویس، افراد از هنجارهای رایج در صنعت

7. Dubbing

8. Voice-over

زیرنویس‌گذاری فاصله گرفته و هنجارهای خود را معرفی و عرضه کرده‌اند. این هنجارها از آنجا ناشی می‌شود که زیرنویس‌گذاران، در ترجمه یا زیرنویس‌گذاری به‌طور رسمی آموزش ندیده‌اند و با شیوه بیگانه‌سازی یا مبدامحوری ترجمه را در پیش می‌گیرند. نورنر در هنگام توصیف زیرنویس‌های رسمی از واژه «فاسد» استفاده می‌کند چون به‌نظر وی زیرنویس‌های رسمی با هدف پنهان‌کردن «دیگری» متن مبدأ هستند و بیش از حد پیرو هنجارهای زبان و ساختارهای مقصدند.

در سال ۲۰۰۵ فرر سیمو (به‌نقل از دیاس‌سینتاس و مونچز، ۲۰۰۶) در پژوهش پیشگام خود ویژگی‌های خاص زیرنویس غیرحرفه‌ای را در مقایسه با زیرنویس‌های حرفه‌ای معرفی می‌کند. به عقیده وی ویژگی‌های زیر در زیرنویس‌های غیرحرفه‌ای دیده می‌شود: ۱. استفاده از فونت‌های مختلف در سرتاسر برنامه؛ ۲. استفاده از فونت‌های رنگی برای شناسایی بازیگران مختلف؛ ۳. استفاده از زیرنویس‌هایی به‌طول بیش از دو خط (تا چهار خط)؛ ۴. استفاده از یادداشت در بالای صفحه؛ ۵. استفاده از شرح و تفسیر در متن زیرنویس؛ ۶. متغیر بودن جایگاه زیرنویس در روی صفحه؛ ۷. استفاده از زیرنویس‌های کارائوک برای آهنگ‌های آغازی و پایانی؛ ۸. افزودن اطلاعاتی درباره خود زیرنویس‌گذاران؛ ۹. ترجمه اطلاعات موجود در اول و آخر برنامه.

پژوهش دیاس‌سینتاس و مونچز (۲۰۰۶)، اولین مطالعه تجربی درباره زیرنویس غیرحرفه‌ای محسوب می‌شود. در این پژوهش فرآیند این‌گونه زیرنویس، افراد دست‌اندرکار و الزامات فنی با جزئیات کامل توضیح داده می‌شود. نتایج پژوهش این نویسندگان نشان می‌دهد که به‌طور معمول گروه دست‌اندرکار شامل کسانی است که: الف) محصول اولیه دیداری شنیداری را فراهم می‌آورند، ب) برگردان گفتگوها را انجام می‌دهند، پ) تنظیم زمانی و تطبیق متن ترجمه‌شده با تصاویر را به‌عهده دارند، ج) حروف‌چینی و تنظیم قلم متن را به‌عهده دارند، د) ترجمه را بازمینی می‌کنند تا روند منطقی متن حفظ شده و متن طبیعی جلوه کند.

در مطالعات ترجمه، علاوه بر پژوهش‌های پیشرو مذکور، نویسندگان دیگری نیز زیرنویس غیرحرفه‌ای را از ابعاد مختلف مثل نحوه دریافت (کافری، ۲۰۰۹؛ اورگو، ۲۰۱۵)، مقایسه فرآیند زیرنویس غیرحرفه‌ای و زیرنویس‌گذاری حرفه‌ای (اوهاگان، ۲۰۰۸)، کیفیت ترجمه

(بوگوسکی، ۲۰۰۹)، هنجارهای زیرنویس غیرحرفه‌ای (پرزگونزالز، ۲۰۰۷ الف، ۲۰۰۷ ب) و شبکه‌های زیرنویس‌گذاری سیاسی (پرزگونزالز، ۲۰۱۲ الف؛ بیکر، ۲۰۱۶) بررسی کرده‌اند.

۳. روش پژوهش

در این پژوهش کیفی پدیدارشناسانه^۹ (دورنیه، ۲۰۰۷)، فرآیند تولید زیرنویس غیرحرفه‌ای انیمه و دیگر انواع پویانمایی، چالش‌های معمول و امکانات و تجهیزات مورد استفاده در این فرآیند در ایران بررسی شد. برای این هدف، با تعداد متنحیی از کاربران فعال در حوزه زیرنویس غیرحرفه‌ای که به شیوه سلسله‌ای^{۱۰} انتخاب شدند، مصاحبه شد و اطلاعاتی توصیفی درباره ابعاد فنی فرآیند تولید زیرنویس غیرحرفه‌ای مانند زمان‌بندی^{۱۱}، فرمت‌بندی، انکدینگ^{۱۲} و غیره جمع‌آوری شد.

مصاحبه‌ها به صورت فردی و به‌طور حضوری یا گفتگوی تلفنی و با استفاده از حدود ۲۰ سؤال (عمومی و تخصصی) از قبل طراحی شده، برگزار شد و در هر مصاحبه پس از پاسخ شرکت‌کنندگان به هر سؤال، پرسش‌های اکتشافی بیشتری درباره ابعاد و جزئیات ارائه شده مطرح می‌شد. هفت شرکت‌کننده‌ای که با این پژوهش همکاری کردند، از فعالان حوزه زیرنویس غیرحرفه‌ای انیمه در انجمن‌های برخط ایرانی بودند که کارهای مختلفی را (مانند، ترجمه انیمه، ویرایش، زمان‌بندی و انکودینگ، انتشار فایل، فرمت‌بندی، تنظیم ترانه تیتراژ و کنترل کیفیت) را به عهده داشتند. تحصیلات شرکت‌کنندگان در رشته‌های مختلف و غالباً بی‌ارتباط با ترجمه بود (شامل: مهندس فناوری اطلاعات، دانشجوی دکتری بیوشیمی، دانشجوی مهندسی برق، دانشجوی کارشناسی آمار، مهندس فناوری اطلاعات، دیپلم ریاضی فیزیک، و کارشناس ادبیات انگلیسی). طیف سنی ۱۸ تا ۳۰ سال، میانگین سنی ۲۳/۷ سال و سابقه فعالیت آن‌ها در این حوزه ۷ تا ۱۰ سال بود. از هفت شرکت‌کننده، ۳ نفر مرد و ۴ نفر زن بودند. همچنین با استفاده از نمونه‌ای منتخب از محصولات با زیرنویس غیرحرفه‌ای فارسی، برخی اشتباه‌ها در ترجمه‌ها شناسایی و معرفی شدند.

9. Phenomenological

10. Snowball sampling

11. Timing

12. Encoding

۴. یافته‌ها

۴.۱. فرآیند زیرنویس غیرحرفه‌ای

براساس یافته‌های مصاحبه، این فرآیند شامل چندین مرحله است که معمولاً به صورت گروهی و با استفاده از امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری گوناگون انجام می‌پذیرد. مراحل فرآیند تولید زیرنویس غیرحرفه‌ای شامل این موارد است: ۱. تهیه نسخه اصلی انیمه؛ ۲. ترجمه؛ ۳. ویرایش ترجمه، ۴. زمان‌بندی، ۵. فرمت‌بندی و تنظیم ترانه تیتراژ، ۶. ویرایش نهایی؛ ۷. انکد فایل ویدئو و اسکرپت ترجمه‌شده؛ ۸. کنترل کیفیت؛ ۹. انتشار نسخه نهایی.

۴.۲. عاملیت در فرآیند زیرنویس غیرحرفه‌ای

کاربران فعال در این حوزه به طور معمول علاقه‌مندان به دنیای انیمه و مانگا هستند، بین ۱۲ تا ۳۰ سال سن دارند و معمولاً زمان زیادی را در اینترنت می‌گذرانند و به کار با نرم‌افزارهای گوناگون تسلط دارند. انگیزه آن‌ها از فعالیت در حوزه زیرنویس غیرحرفه‌ای، به گفته خودشان، فراهم‌آوردن شرایط بهتر برای همقطاران‌شان است که مسلط به زبان انگلیسی و ژاپنی نیستند تا آن‌ها نیز بتوانند به راحتی و بدون دردسر به تماشای انیمه مورد علاقه خود بنشینند و از آن لذت ببرند. کاربران ایرانی نیز مستثنی نبوده و هدفشان این است که هرچه سریع‌تر عنوان‌های معروف و شاهکارهای انیمه را برای فارسی‌زبانان ترجمه کنند و در دسترس آنان قرار دهند.

تولید زیرنویس غیرحرفه‌ای فعالیت درآمدزایی نیست و افرادی که در این زمینه فعالیت می‌کنند به ندرت در پی کسب درآمد از آن هستند؛ البته در طی سالیان گذشته برخی از سایت‌ها و انجمن‌ها در پی فروش انیمه به دوستان آن و کسب درآمد برآمدند و حتی با پیشنهادهای مالی سعی در جذب مترجمان و کاربران خبره در زمینه تولید زیرنویس‌های غیرحرفه‌ای را داشته‌اند، اما معمولاً با شکست روبه‌رو شده‌اند؛ زیرا در وهله اول فروش انیمه بدین صورت به همراه زیرنویس در ایران امری قانونی محسوب نمی‌شود و با کسانی که از این راه کسب درآمد می‌کنند، برخورد می‌شود و انجمن‌ها و سایت‌های مرتبط با این حوزه فیلتر می‌شوند و در وهله دوم تولید زیرنویس غیرحرفه‌ای در کل حوزه‌ای آماتوری محسوب شده و امری حسی و برگرفته از نیاز کاربران معمولاً کم‌سن و سال است که تسلط به زبان انیمه مورد علاقه‌شان ندارند.

و خود یا دوستانشان در جهت رفع نیاز آن‌ها دست به کار شده و این حوزه از زیرنویس را به وجود آورده‌اند. فروش زیرنویس غیرحرفه‌ای به گفته خود کاربران فعال در این حوزه و کسب درآمد از آن نوعی عمل ناشایست و کلاهبرداری محسوب می‌شود و ناپسند است. طول بازه فعالیت در حوزه تولید زیرنویس غیرحرفه‌ای بین ۵ تا ۱۰ سال است. در گذشته به دلیل پایین بودن طیف سنی کاربران علاقه‌مند به حوزه انیمه و مانگا سن شروع به فعالیت در حوزه تولید زیرنویس غیرحرفه‌ای نیز پایین بوده و کاربران فعال در این حوزه در شروع فعالیت خود معمولاً در دوران راهنمایی یا متوسطه مشغول به تحصیل بوده‌اند. در طی سال‌های اخیر با افزایش طیف سنی کاربران علاقه‌مند به تماشای انیمه و مانگا، طیف سنی کاربران فعال در حوزه تولید زیرنویس غیرحرفه‌ای نیز افزایش یافته و اکنون کاربران این حوزه اکثراً در رشته‌های مختلف دانشگاهی مشغول به تحصیل می‌باشند. اکثر کاربران طیف سنی بالاتر در بخش‌های مربوط به ترجمه و ویرایش فعال بوده و کاربران با طیف سنی پایین‌تر در حوزه‌های فنی و کار با نرم‌افزار مشغول به فعالیت‌اند.

۳.۴. تجهیزات مورد استفاده

بخش‌های مختلف فرآیند ایجاد زیرنویس غیرحرفه‌ای به امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری مختلفی نیاز دارند که البته امروزه تقریباً تمام کاربران اینترنت به این امکانات دسترسی دارند. در گذشته از نظر سخت‌افزاری مسئله سرعت اینترنت، ظرفیت هارد، پردازنده و حافظه کوتاه مدت^{۱۳} رایانه‌ها، مشکلات عدیده‌ای را برای کاربران ایجاد می‌کرد. کامپیوترهایی که حداقل از پردازنده‌ای با سرعت یک گیگا هرتز برخوردار نبودند به‌طور معمول در بخش انکد دچار مشکل می‌شدند. همین‌طور سرعت پایین اینترنت مخصوصاً در کشور ما فرآیند ایجاد زیرنویس غیرحرفه‌ای را با تأخیر و کمبود زمان مواجه می‌کرد، اما در حال حاضر با بهبود سرعت اینترنت و دسترسی به کامپیوترهایی با پردازنده‌های هسته‌ای، این مسئله تقریباً به‌طور کامل حل شده و کاربران به راحتی فرآیند ایجاد زیرنویس غیرحرفه‌ای را در کمترین زمان به پایان می‌رسانند.

13. RAM

برای بخش‌های مختلف فرآیند تولید زیرنویس غیرحرفه‌ای نرم‌افزارهای گوناگونی استفاده می‌شود که بعضی محبوب‌تر و پرکاربردترند: ۱. تهیه نسخه اصلی انیمه: برای دانلود ویدئوی خام انیمه معمولاً از نرم‌افزارهای کلاینت بیسی چون بیت‌تورنت^۱ یا لینک مستقیم استفاده می‌شود؛ ۲. ترجمه: برای کار ترجمه، امکانات خاصی نیاز نیست. تنها با تهیه نرم‌افزارهای متن‌خوانی چون نوت‌پد^۲ یا مایکروسافت ورد^۳ که مترجم ترجمه خود را در آن‌ها تایپ می‌نماید می‌نماید و نرم‌افزار پخش فیلم مانند کا.ام.پلیر^۴ برای تماشای اپیزود مد نظر، نیاز مترجم برطرف برطرف می‌شود؛ ۳. زمان‌بندی: در گذشته مسئول زمان‌بندی باید تک‌به‌تک برای دیالوگ‌های ترجمه شده زمان آغاز و پایان انتخاب می‌نمود که برای این کار از نرم‌افزارهایی با قابلیت تشخیص صدا استفاده می‌شد و به وسیله این نرم‌افزارها تمام بخش‌هایی از صوت ویدئو انیمه که دارای دیالوگ می‌بود را شناسایی کرده و برای آغاز و انتهای صوت زمان تعیین می‌شد که این کار به وسیله نرم‌افزار ساب‌استیشن آلفا^۵ صورت می‌پذیرفت و فایل زیرنویس شکل می‌گرفت اما امروزه کاربران برای این بخش از نرم‌افزار محبوب ایجی ساب^۶ استفاده می‌نمایند همچنین از برخی نرم‌افزارهای دیگر همچون جیکوساب^۷ و سابو^۸ نیز استفاده می‌شود البته شایان به ذکر است که اخیراً به دلیل اینکه فایل‌های زیرنویس انگلیسی اکثر انیمه‌ها توسط شرکت‌های رسمی به صورت سافت ساب عرضه می‌شوند دیگر نیازی به زمان‌بندی مجدد نمی‌باشد و گروه زیرنویس می‌توانند از همان زمان‌بندی موجود در فایل زیرنویس انگلیسی استفاده نمایند؛ ۴. فرمت‌بندی و تنظیم ترانه تیتراژ: نرم‌افزار ایجی ساب دارای امکانات لازم و کافی برای انجام این دو مرحله می‌باشد و کاربران زیادی از جمله کاربران ایرانی علاقه خاصی به استفاده از آن دارند. البته ساب‌استیشن آلفا نیز امکانات مورد نیاز کاربر مسئول این مرحله را داراست؛ ۵. ویرایش نهایی: امکاناتی از جنس امکانات مورد نیاز مترجم مانند نرم‌افزار پخش

1. Bittorrent
2. Notepad
3. Microsoft World
4. KMPlayer
5. Sub Station Alpha (SSA)
6. Aegisub
7. JacoSub
8. Sabbu

فیلم و یک نرم افزار متن خوان نیاز ویرایشگر را بر طرف می سازد؛ ۶. انکد فایل ویدئو و اسکریپت ترجمه شده: مسئول انکد از نرم افزارهایی مانند فرمت فکتوری^۱، فری میک ویدئو کانورتر^۲ و ویرچوال داب^۳ استفاده می کند؛ ۷. انتشار فایل نهایی: برای انتشار فایل محصول نهایی به طور معمول از نرم افزارهایی مانند بیت تورنت استفاده می شود.

۴. جزئیات فرآیند تولید

فرآیند تولید زیرنویس غیر حرفه ای معمولاً شامل مراحل زیر است؛ هرچند برخی از گروه ها تمام مراحل زیر را در کار خود دنبال نمی کنند، مرحله ای را به آن اضافه می کنند یا حتی ممکن است ترتیب برخی از مراحل را برهم زنند.

الف) تهیه نسخه اصلی انیمه

در اولین قسمت تولید زیرنویس غیر حرفه ای، فردی مسئولیت تهیه نسخه ویدئویی انیمه را بر عهده می گیرد. این نسخه، ویدئوی اصلی بوده و بدون دوبله یا زیرنویس تهیه می شود و در دسترس مترجم قرار می گیرد. معمولاً نسخه اصلی انیمه که یا در حال پخش از شبکه های تلویزیونی ژاپن می باشد یا به صورت دی وی دی بر روی سایت های رسمی عرضه کننده انیمه گذاشته می شود توسط طرفداران ژاپنی به صورت کلیپ ضبط شده تلویزیونی^۴ و یا کلیپ استخراج شده از روی دی وی دی^۵ تهیه شده و بر روی اینترنت منتشر می شود و مسئول تهیه نسخه اصلی در گروه زیرنویس به محض انتشار آن بر روی اینترنت بهترین کیفیت را پیدا کرده و آن را دانلود می کند و پس از مشخص کردن کیفیت مناسب برای تصویر و صدا و جداسازی فایل صوتی و تنظیم کیفیت، آن را در اختیار مترجم قرار می دهد. این کار مخصوصاً در مورد انیمه های در حال پخش بسیار اهمیت دارد؛ زیرا زمان در این حالت نقش کلیدی داشته و هرچه سریع تر زیرنویس در اختیار مخاطبین قرار بگیرد، محبوبیت و امتیاز گروه زیرنویس بیشتر خواهد بود. در ایران به طور معمول و در نود درصد موارد، این قسمت شامل

-
1. Format Factory
 2. Freemake Video Converter
 3. Virtual Dub
 4. TV-rip
 5. DVD-rip

تهیه فایل زیرنویس انگلیسی انیمه مورد نظر می‌شود؛ زیرا کاربران ایرانی به دلیل تسلط بیشتر به زبان انگلیسی معمولاً از این زبان به فارسی ترجمه می‌کنند و بنابراین مجبورند تا زمان انتشار فایل‌های زیرنویس انگلیسی منتظر بمانند و بعد فرآیند زیرنویس آن‌ها را به فارسی آغاز کنند. البته به ندرت ممکن است کاربری ایرانی به زبان ژاپنی مسلط باشد و از زبان اصلی انیمه ترجمه به فارسی را انجام دهد اما در اکثر موارد ترجمه زیرنویس غیرحرفه‌ای در ایران از زبان انگلیسی به فارسی صورت می‌پذیرد. البته طی سال‌های اخیر برخی وبسایت‌های رسمی حوزه انیمه و مانگا مانند وبسایت کرانچی‌رول^۱ با شرکت‌های پخش انیمه‌های ژاپنی قرار داد بسته و تقریباً همزمان یا حتی قبل از پخش عمومی انیمه‌ها، اسکریپت آن‌ها را به انگلیسی ترجمه کرده و بر روی وبسایت خود منتشر می‌کنند و گروه‌های تولیدکننده زیرنویس غیرحرفه‌ای بنامی چون هاریل ساب^۲ زیرنویس منتشرشده توسط گروه کرانچی‌رول را از روی ویدئوی منتشرشده استخراج کرده و به صورت نسخه غیرقانونی به عنوان تورنت برای کاربران منتشر می‌کنند.

ب) ترجمه

معمولاً چالش برانگیزترین و مشکل‌ترین بخش فرآیند زیرنویس، ترجمه آن محسوب می‌شود. مترجمان باید به قابل فهم‌ترین و روان‌ترین شکل ممکن دیالوگ‌های انیمه مورد نظر را به زبان خود ترجمه کنند و در عین حال در نظر داشته باشند که ترجمه آن‌ها فضای داستانی و فرهنگی انیمه مورد نظر را نیز در بر بگیرد. این مسئله درباره انیمه‌های ژاپنی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا فرهنگ ژاپن و نحوه گویش آن‌ها دارای ابعاد خاصی است که مترجم باید با دقت خاصی آن را به زبان خود برگرداند. برای مثال، ژاپنی‌ها برای خطاب کردن نام یکدیگر از پیشوندها و پسوندهای گوناگونی استفاده می‌کنند که هرکدام مفهوم خاصی دارد و به صمیمی یا غیرصمیمی بودن اشخاص یا تفاوت سن آن‌ها، دختر یا پسر بودن آن‌ها و غیره اشاره دارد و مترجم باید با زیرکی و دقت خاصی معادل فرهنگی مناسبی در زبان خود برای آن‌ها بیابد. همچنین مترجم در ابتدا باید شمایی کلی از داستان و فضای انیمه و شخصیت‌هایش

1. Crunchyroll

2. Horriblesubs

در اختیار داشته باشد تا بتواند فضای داستانی و مفاهیم موجود در بطن داستان را در ترجمه خود لحاظ کند که این امر نیاز به جمع‌آوری اطلاعات و جستجو در اینترنت دارد و بخش اعظمی از کار مترجم به آن اختصاص می‌یابد. مترجمان اکثراً به‌طور همزمان انیمه را تماشا کرده و لاین‌های اسکرپت را ترجمه می‌کنند. این امر ضروری است؛ زیرا ترجمه باید در روند ماجرا و با توجه به حرکات و فضای مربوط به هر صحنه انجام شود تا حس شخصیت‌ها و مفهوم دیالوگ‌های آن‌ها به‌درستی در زیرنویس بازتاب شوند. به همین دلیل فرآیند ترجمه بسیار زمان‌بر است و می‌توان گفت مهم‌ترین بخش فرآیند زیرنویس محسوب می‌شود.

با توجه به اطلاعات به‌دست آمده از کاربران فعال در این حوزه می‌توان این‌گونه برداشت کرد که در ایران تقریباً تمامی مترجمان حوزه زیرنویس، ترجمه را از زبان انگلیسی به فارسی انجام می‌دهند. زبان انگلیسی زبان روز دنیا و پرکاربردترین زبان بین‌المللی در میان جوامع مختلف به حساب می‌آید و به همین دلیل کاربران ژاپنی و کمپانی‌های عرضه‌کننده انیمه و انیمیشن، فایل‌های زیرنویس انیمه‌ها را به زبان انگلیسی ارائه می‌کنند و زیرنویس به این زبان بیشتر از دیگر زبان‌های دنیا در دسترس کاربران قرار دارد. از دیگر دلایل ترجمه انگلیسی به فارسی زیرنویس‌ها در کشور ما این است که کاربران ایرانی به زبان انگلیسی به‌عنوان زبان دوم خود بیشتر از زبان‌های دیگر دنیا تسلط دارند و تمایل آن‌ها به استفاده از زیرنویس انگلیسی بیشتر است.

در کل، کاربران غیرانگلیسی‌زبان، معمولاً به‌جای صرف وقت و هزینه برای استخراج دیالوگ‌ها از فایل اصلی انیمه، ترجیح می‌دهند نسخه مطلوبی از زیرنویس انگلیسی انیمه مورد نظر را پیدا کنند و آن را به زبان مقصد مد نظر خود ترجمه کنند.

پ) ویرایش ترجمه

این مرحله گاه بعد از مرحله ترجمه صورت می‌پذیرد و گاه با مرحله ویرایش نهایی ادغام شده و کلاً حذف می‌شود. دلیل وجود آن مخصوصاً در فرآیندی که گروه‌های زیرنویس ایرانی یا غیرانگلیسی‌زبان طی می‌کنند آن است که زبان اول کاربران و مترجمان این گروه‌ها انگلیسی یا ژاپنی نیست؛ بنابراین تسلط کامل و بی‌نقص فردی را که زبان اول او انگلیسی یا ژاپنی باشد، ندارند. ویرایشگر ترجمه معمولاً فردی است که تجربه زیادی در امر ترجمه دارد و سال‌ها در

این زمینه فعالیت داشته و ترجمه‌های روان و بی‌نقصی در کارنامه کاری او وجود دارد. سرگروه این فرد را انتخاب می‌کند. ویرایشگر ترجمه با توجه به تجربه خود در امر ترجمه می‌تواند افت‌وخیزهای ترجمه‌های آماتوری مترجمان گروه را شناسایی کرده و بخش‌هایی را که روان نیستند و به جریان داستان صدمه می‌زنند، ویرایش کند. برای این کار وی ابتدا اپیزود مورد نظر را تماشا می‌کند و در جریان داستان و دیالوگ‌های رد و بدل شده میان شخصیت‌ها قرار می‌گیرد و سپس اسکرپیت ترجمه‌شده مترجمان گروه را با آن مقایسه کرده و اشکالات آن را ویرایش می‌کند.

ج) زمان‌بندی

یکی دیگر از مراحل مهم و چالش‌برانگیز فرآیند زیرنویس مرحله زمان‌بندی آن محسوب می‌شود. مسئول زمان‌دهی به هر لاین ترجمه‌شده باید با دقت زیادی تصمیم بگیرد چه ثانیه‌ای را برای شروع پدیدار شدن دیالوگ بر روی صفحه و چه ثانیه‌ای را برای پایان دیالوگ در نظر بگیرد تا زیرنویس با گفتگوهای شخصیت‌ها به‌صورت هم‌زمان بر روی صفحه ظاهر شود. او باید به ریتم گفتگوها و حرکات شخصیت‌ها توجه کند و بهترین زمان برای شروع و پایان هر لاین را انتخاب کند.

Dialogue: 0,0:02:24.01,0:02:28.49,Episode Title,T,0000,0000,0000, {\blur2} یونیفرم و برنج دمی
Dialogue: 0,0:02:31.44,0:02:33.57,Black Signs,T,0000,0000,0000, \N {\c&H0000000&} هر روز لنتیخته
Dialogue: 0,0:02:33.69,0:02:36.57,Black Signs,T,0000,0000,0000, شش گوشت گاو جرج کرده آماده
Dialogue: 0,0:02:37.01,0:02:38.76,Black Signs,T,0000,0000,0000, شش گوشت گاو جرج کرده آماده
Dialogue: 0,0:02:44.85,0:02:45.90,Main Dialogue,T,0000,0000,0000, بابا پدر!
Dialogue: 0,0:02:46.54,0:02:48.10,Main Dialogue,T,0000,0000,0000, میشه دختم جادویی ببینم؟
Dialogue: 0,0:02:48.52,0:02:51.42,Main Dialogue,K,0000,0000,0000, آره. همراه خوردن تماشا کن.
Dialogue: 0,0:03:11.54,0:03:13.04,Main Dialogue,K,0000,0000,0000, گوجه ریز ها...
Dialogue: 0,0:03:13.24,0:03:17.30,Main Dialogue,K,0000,0000,0000, تعوم شده. هاد؟
Dialogue: 0,0:03:22.47,0:03:24.51,Main Dialogue,T,0000,0000,0000, دستتون درد نکته!
Dialogue: 0,0:03:28.83,0:03:30.66,Main Dialogue,K,0000,0000,0000, درست مثل دیروز شد.
Dialogue: 0,0:03:30.66,0:03:31.89,Main Dialogue,T,0000,0000,0000, بابا پدر!
Dialogue: 0,0:03:34.23,0:03:35.17,Main Dialogue,K,0000,0000,0000, چی شده؟
Dialogue: 0,0:03:35.17,0:03:37.43,Main Dialogue,T,0000,0000,0000, لباس دختم جادویی صورته نیستش!
Dialogue: 0,0:03:37.81,0:03:39.19,Main Dialogue,K,0000,0000,0000, صبر کن.
Dialogue: 0,0:03:42.24,0:03:43.45,Main Dialogue,T,0000,0000,0000, چی شد؟
Dialogue: 0,0:03:43.45,0:03:45.20,Main Dialogue,K,0000,0000,0000, سرزمینمون در خطره...
Dialogue: 0,0:03:45.20,0:03:46.13,Main Dialogue,T,0000,0000,0000, خطره؟
Dialogue: 0,0:03:46.13,0:03:48.49,Main Dialogue,K,0000,0000,0000, فقط لباس دختم جادویی زرد داریم.
Dialogue: 0,0:03:50.11,0:03:52.56,Main Dialogue,T,0000,0000,0000, نه؟
Dialogue: 0,0:03:53.11,0:03:54.35,Main Dialogue,K,0000,0000,0000, خدا رو شکر.
Dialogue: 0,0:03:54.35,0:03:55.29,Main Dialogue,T,0000,0000,0000, آره!

شکل ۱. نمونه‌ای از فایل زمان‌بندی‌شده

همان‌طور که قبلاً توضیح دادیم برای انجام این کار، نرم‌افزارهای زیادی موجود است و در گذشته معمولاً از نرم‌افزار ساب‌استیشن آلفا برای زمان‌بندی استفاده می‌شد، اما اکنون بیشتر کاربران از نرم‌افزار محبوب ایجی‌ساب برای این منظور استفاده می‌کنند.

البته امروزه با توجه به انتشار فایل‌های زیرنویس انگلیسی به صورت سافت‌ساب توسط گروه‌های زیرنویس غیرحرفه‌ای چون هاریبل‌ساب، دیگر کاربران نیازی به انجام فرآیند زمان‌بندی در مورد تمام انیمه‌ها ندارند، بلکه به راحتی فایل زیرنویس انگلیسی را دانلود کرده و از همان زمان‌بندی موجود در فایل که تیم‌های زیرنویس خارجی انجام داده‌اند، استفاده می‌کنند. در گذشته ویدئوهایی که معمولاً توسط ژاپنی‌زبانان علاقه‌مند به انیمه و مسلط به زبان انگلیسی ترجمه و زیرنویس می‌شدند در فرمت هاردساب عرضه می‌شدند و این فرمت اجازه استخراج زمان‌بندی و اعمال تغییرات را در زیرنویس فایل نمی‌دهد به همین دلیل پروسه زمان‌بندی جزء لاینفک پروسه تولید زیرنویس غیرحرفه‌ای محسوب می‌شد، اما امروزه به دلیل عرضه ویدئوها در فرمت سافت‌ساب که قابلیت اعمال تغییرات را به کاربران می‌دهد، دیگر به راحتی می‌توان از زمان‌بندی موجود در فایل زیرنویس انگلیسی انیمه استفاده کرد؛ هرچند هنوز هم به دلیل عرضه بعضی انیمه‌های محبوب به فرمت هاردساب یا به دلیل همخوانی نداشتن برخی زمان‌بندی‌های فایل‌های زیرنویس انگلیسی با تمام نسخه‌ها و کیفیت‌های ویدئوهای عرضه‌شده زمان‌بندی به شیوه سنتی و به روش دادن زمان به هر لاین دیالوگ هنوز هم مورد نیاز است و مسئول این پروسه باید به شیوه سنتی نیز تسلط کامل داشته باشد.

(د) فرمت‌بندی و کارائوک

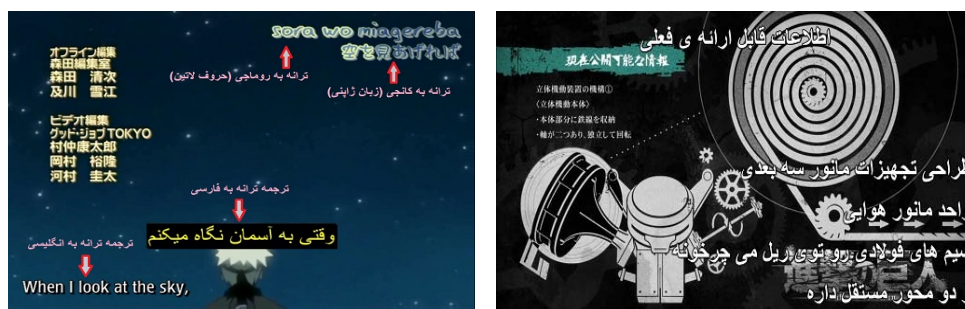
مسئول فرمت‌بندی بهترین فونت و استایلی را که برای فضای انیمه و رنگ و تیرگی و روشنی پس‌زمینه تصویر مناسب باشد، انتخاب می‌کند و اسکریپت ترجمه‌شده را به این فرمت تبدیل می‌کند، اما انتخاب فونت و رنگ پس‌زمینه تنها مسائل مد نظر مسئول فرمت‌بندی نیستند. در انیمه‌ها مواردی وجود دارند که جدای از دیالوگ‌های رد و بدل شده میان شخصیت‌ها باید توسط مترجم ترجمه شده و در زیرنویس گنجانده شوند، مانند اسامی

خیابان‌ها، مدارس، نام تابلوهای راهنمایی و رانندگی یا اعلانات که در ادبیات پژوهش نشانه‌نظام تصویرنگاشتی^۱ نامیده می‌شوند (چومه، ۲۰۰۴)



شکل ۲. جایگذاری ترجمه پیغام‌های زبانی در تصویر از زیرنویس غیرحرفه‌ای انیمه گلوله سیاه^۲

اطلاعات ارائه‌شده درباره داستان یا حتی صحبت‌های گوینده اخبار در رادیو و تلویزیون که صدایش در پس‌زمینه صدای شخصیت‌ها شنیده می‌شود نیز جزو این دسته می‌باشند.



شکل ۳. جایگذاری ترجمه در تصویر از اطلاعات ارائه‌شده در انیمه حمله به تایتان^۳ و ترجمه تیتراژ انیمه

ناروتو شپپوودن^۴

1. Graphic codes
2. Dark Bullet
3. Shingeki no Kyojin
4. Naruto Shippuuden

همچنین در انیمه‌ها گفتگوهای مختلفی رخ می‌دهند که باید در زیرنویس با فونت و رنگ و استایل متفاوتی به نمایش درآیند. برای مثال، زمانی که شخصیت در حال تفکر است و در ذهن او گفتگوهایی مابین او و ناخودآگاهش رخ می‌دهد، این نوع گفتگو باید متمایز از گفتگوی اصلی بین شخصیت‌ها نمایش داده شود. مسئول فرمت‌بندی باید تمام این موارد را با دقت خاص فرمت‌بندی کند که این کار را گاه با درشت کردن فونت، تغییر استایل آن، تغییر رنگ یا ایتالیک کردن فونت انجام داده و این تمایزها را به نمایش می‌گذارد.

مورد دیگری که گاه در بخش فرمت‌بندی گنجانده می‌شود و گاه بخشی را به صورت جداگانه به آن اختصاص می‌دهند، تهیه زیرنویس برای تیتراژ آغازی و پایانی انیمه است. در انیمه‌های ژاپنی تیتراژ از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا به گونه‌ای طراحی می‌شود تا مخاطب با تماشای آن فضای داستانی انیمه را تجربه کند و با چهره‌های شخصیت‌های داستان آشنا شود. مخصوصاً موسیقی و ضرب‌آهنگ تیتراژ و ترانه آن معمولاً تم و حس داستان را برای مخاطب به تصویر می‌کشند. زیرنویس کردن این تیتراژها یکی از بخش‌های مهم پروسه تولید زیرنویس غیرحرفه‌ای محسوب می‌شود. در گذشته این کار وظیفه مسئول فرمت‌بندی به حساب می‌آمد، اما اخیراً به دلیل اهمیت این بخش در فرآیند تولید زیرنویس غیرحرفه‌ای، شخصی که اصطلاحاً کارائوک من^۵ نامیده می‌شود، مسئولیت این کار را به عهده می‌گیرد.

مسئول تهیه تیتراژ حروف ژاپنی را که کانجی^۶ نام دارد، خطبه‌خط با صدای خواننده ژاپنی هماهنگ کرده و روی تصویر قرار می‌دهد و معمولاً ترانه همزمان به حروف لاتین نمایش داده می‌شود که اصطلاحاً به آن روماجی^۷ گفته می‌شود (مانند روش نوشتاری فینگلیش در فارسی) که همراه با بیان هر حرف در متن ترانه، آن حرف در خط‌های نمایش داده شده پُررنگ‌تر شده و می‌درخشد. در لاین مخصوص زیرنویس در پایین صفحه نیز ترجمه ترانه به زبان مورد نظر گروه زیرنویس قرار می‌گیرد. تم کارائوک و هماهنگی حروف با ادای آن‌ها با نرم‌افزارهای ایجی ساب و ساب‌استیشن آلفا انجام می‌پذیرد. البته در گذشته تایپ و ست کردن لاین‌های ترجمه‌شده در مراحل قبل با زمان داده‌شده به هر لاین نیز از وظایف مسئول فرمت‌بندی

5. Karaokeman

6. Kanji

7. Romaji

محسوب می‌شد، اما امروزه اکثراً گروه‌های زیرنویس غیرحرفه‌ای همان فایل زیرنویس انگلیسی را از ویدئو انیمه‌ها استخراج کرده یا به صورت مجزا از ویدئو، از سایت‌های رسمی پخش زیرنویس انیمه‌ها دانلود می‌کنند و به دلیل اینکه این زیرنویس‌ها با فرمت سافت ساب عرضه می‌شوند از همان زمان‌بندی موجود در این زیرنویس‌ها استفاده می‌شود و لاین‌های ترجمه‌شده در همان فایل زیرنویس انگلیسی به جای دیالوگ‌های انگلیسی جایگذاری می‌شوند و نیازی به تایپ و سِت کردن ترجمه‌ها با زمان‌بندی موجود نیست و این وظیفه تقریباً از لیست وظایف مسئول فرمت‌بندی حذف می‌شود.

و) ویرایش نهایی

این مرحله، از اهمیت زیادی برخوردار است و مسئول آن باید با زیرکی و تیزبینی فوق‌العاده‌ای به ویرایش نهایی اسکرپیت ترجمه‌شده بپردازد، مخصوصاً زمانی که بخش مربوط به ویرایش ترجمه از فرآیند حذف شود. در این حالت، ویرایش نهایی اولین بخش مربوط به ویرایش کار است و این مسئله وظیفه بسیار سنگینی را بر دوش مسئول آن می‌گذارد. مسئول ویرایش نهایی ابتدا باید از قابل فهم بودن ترجمه اطمینان حاصل کند؛ زیرا بیشتر مترجمان تمام تمرکز خود را معطوف بازگردانی معنای جمله مورد نظرشان می‌کنند و گاه این امر باعث می‌شود از روانی ترجمه و مفهوم آن غافل شوند و این وظیفه ویرایشگر است تا این مسئله را مد نظر قرار دهد. اشتباه‌های دستورزبانی و املایی نیز جزو نکاتی هستند که چشمان تیزبین ویرایشگر باید آن‌ها در متن پیدا کرده و اصلاح کند.

از دیگر نکات مهم مد نظر ویرایشگر در کار خود، ثبات دیالوگ‌ها و مفاهیم ترجمه‌شده است. ویرایشگر باید دقت کند تا در یک پروژه سریالی استایل دیالوگ‌ها و لحن بیان شخصیت‌ها از اپیزودی به اپیزود دیگر تغییر نکند؛ زیرا این مسئله را مخاطب تیزبین می‌بیند و ناخوشایند او خواهد بود. برای مثال، چنانچه شخصیتی که دانش‌آموز دبیرستان است در اپیزودی از کلمات کوچه‌بازاری و در اپیزودی دیگر از جملات ادبی و کلاسیک استفاده کند، ثبات در دیالوگ حفظ نشده است.

یکدستی در استفاده از کلماتی که به جای مفهوم یا حرکتی خاص استفاده می‌شوند نیز بسیار مهم است. برای مثال، چنانچه برای تأیید حرف کاراکتر مقابل شخصیتی از کلمه «اوم» در

زیرنویس استفاده کرده‌ایم باید در تمام لاین‌های مشابه نیز از همین کلمه استفاده شود، نه اینکه به‌عنوان مثال در لاینی دیگر از کلمه «هوم» استفاده کنیم.

همچنین ویرایشگر بررسی می‌کند تا اطمینان حاصل کند ترجمه لاینی که در اپیزود جدید به‌صورت فلاشبک دوباره نمایش داده شده با ترجمه همان لاین در اپیزود اصلی متفاوت نباشد و همین‌طور توجه ویژه‌ای به سبک و تم داستان نشان می‌دهد تا مطمئن شود مترجم از لحن مناسب برای بیان دیالوگ‌ها استفاده کرده است. برای مثال شخصیت‌های داستانی که روایتگر دوره‌ای تاریخی در گذشته‌اند نسبت به شخصیت‌های داستانی پلیسی یا شخصیت‌های داستان مدرسه‌ای، از کلمات متفاوتی برای گفتگو استفاده می‌کنند و این مسئله باید برای گیرایی زیرنویس حتماً رعایت شود.

معمولاً برای حل چنین مسائلی ویرایشگر و مترجم قبل از شروع کار با یکدیگر گفتگو می‌کنند و استایل مورد نظرشان را برای ترجمه انتخاب می‌نمایند.

ه) انکد فایل ویدئو و اسکریپت ترجمه‌شده

مسئول انکد وظیفه دارد اسکریپت ترجمه، زمان‌بندی و فرمت‌بندی‌شده را بر روی ویدئوی اصلی انیمه قرار دهد یا به‌اصطلاح انکد کند. برای انجام این کار نرم‌افزارهای متعددی وجود دارند. در گذشته بیشتر از نرم‌افزار ویرچوال‌داب به همراه ووب‌ساب^۸ استفاده می‌شد که البته هنوز هم جزو پرتعدادترین نرم‌افزارهای انکد محسوب می‌شود و بیشتر تنظیمات آن دستی انجام می‌شود، اما در حال حاضر نرم‌افزارهای دیگری مانند فرمت‌فکتوری و فری‌میک ویدئو کانورتر و بسیاری از نرم‌افزار دیگر در اختیار کاربران قرار دارد که تقریباً خودکار تمام فرآیند انکد را انجام می‌دهند.

مسئول فرآیند انکد با استفاده از نرم‌افزار، بهترین کیفیت را برای صدا و تصویر انتخاب می‌کند و زیرنویس را یا به‌صورت هاردساب یا به‌صورت سافت‌ساب بر روی ویدئو قرار می‌دهد. در حالت هاردساب، زیرنویس مستقیماً بر روی ویدئو قرار می‌گیرد و جدا کردن آن از ویدئو در این حالت کار بسیار سختی خواهد بود که معمولاً باعث افت کیفیت ویدئو می‌شود.

معمولاً کمپانی‌هایی مانند استودیوی فان‌ایمیشن^۹ که به‌طور رسمی زیرنویس انیمه‌ها را انجام می‌دهند از این روش استفاده می‌کنند. معمولاً ویدئوهایی که با این حالت زیرنویس می‌شوند با اغلب نرم‌افزارهای پخش فیلم سازگاری دارند و به همین دلیل محبوب هستند.

در حالت سافت‌ساب، زیرنویس یا مستقیم بر روی ویدئو قرار می‌گیرد و فایلی با پسوندی‌هایی مانند ام.کا.وی^{۱۰} و او.جی.ام^{۱۱} و غیره عرضه می‌شود یا زیرنویس‌ها با پسوندی‌هایی مانند اس.اس.ای^{۱۲}، اس.آر.تی^{۱۳} و غیره به‌صورت جدا از ویدئو انیمه در فایل زیپی ذخیره شده و در اختیار کاربران قرار می‌گیرد. زیرنویس‌های سافت‌ساب به‌راحتی از ویدئو جدا می‌شوند و قابلیت تغییر در فونت و فرمت و سایز را دارند، اما با تمام نرم‌افزارهای پخش فیلم سازگار نیستند و در زمان انکد کار با آن‌ها مشکل‌تر از هاردساب‌ها می‌باشد.

در حال حاضر به‌دلیل دسترسی آسان‌تر به سافت‌ساب‌ها و قابلیت تغییر آن‌ها، بیشتر کاربران از این نوع زیرنویس استفاده می‌کنند و بنابراین معمولاً زیرنویس‌های غیرحرفه‌ای با این نوع ساب انکد می‌شوند.

ن) کنترل کیفیت

در این قسمت مسئول کنترل کیفیت فایل انکدشده را بازبینی می‌کند تا اگر مواردی از جمله مشکل کیفیت تصویر، هماهنگ نبودن زیرنویس با صدا و غیره وجود دارد آن‌ها را اصلاح کند یا به بخش مربوط و مسئول آن ارجاع دهد تا اصلاح شود.

ی) انتشار فایل نهایی

در نهایت محصول کارگروه یا در قالب لینک مستقیم در انجمن‌ها و وب‌سایت‌ها یا از طریق نرم‌افزارهای انتقال داده بین کاربران مانند بیت‌تورنت یا اپلیکیشن‌های ارتباطی مانند آی‌آرسی^{۱۴} در اختیار دوستداران انیمه و مانگا قرار می‌گیرد.

9. FUNIMATION

10. Mkv

11. Ogm

12. Ssa

13. Srt

14. Internet Relay Chat (IRC)

در گذشته تقریباً تمام مراحل بالا در فرآیند تولید زیرنویس غیرحرفه‌ای لحاظ می‌شدند. هر نفر بخشی از کار را به‌عهده داشت و طی مراحل مختلف، زیرنویس آماده و در اختیار دستداران انیمه و انیمیشن قرار می‌گرفت، اما در سال‌های اخیر با پیشرفت تکنولوژی و ورود انواع نرم‌افزارها و سخت‌افزارهای تخصصی با کاربردهای بسیار پیشرفته به بازار و دسترسی آسان کاربران به آن‌ها، دیگر نیازی نیست تمام مراحل بالا در فرآیند زیرنویس به‌صورت انفرادی و دستی انجام شوند.

همچنین در گذشته در ایران و بسیاری از کشورها به‌دلیل کمبود کاربران مسلط به زبان انگلیسی و ژاپنی در میان قشر کم‌سن‌وسال انیمه‌دوستان، معمولاً تمام مراحل بالا را یک یا دو نفر انجام می‌داد و از این لحاظ که انجام تمام مراحل را یک نفر انجام می‌داد باعث تناسب بهتر بین بخش‌های مختلف فرآیند و کمتر بودن درصد خطا می‌شد و زیرنویس قابل قبول‌تر به‌نظر می‌رسید. اما در سال‌های اخیر طیف سنی دستداران انیمه و انیمیشن در ایران افزایش یافته و کاربران بیشتری به گروه‌های تولید زیرنویس غیرحرفه‌ای می‌پیوندند.

حال اگر به‌دلیل سهل‌انگاری یا نبود دانش کافی از روند فرآیند زیرنویس و نبود تخصص لازم در میان کاربران این حوزه هریک از مراحل بالا به‌درستی انجام نپذیرند امکان دارد شاهد نمونه‌های زیر در میان زیرنویس‌های غیرحرفه‌ای ارائه‌شده باشیم.

اگر در مراحل فنی مشکلی رخ دهد مطمئناً وضوح تصویر یا صدا دچار اختلال شده یا ممکن است کاربران برای استفاده از زیرنویس مورد نظر دچار مشکل شوند، اما معمولاً این‌گونه موارد بسیار به‌ندرت اتفاق می‌افتند؛ زیرا بسیار واضح بوده و معمولاً قبل از انتشار فایل اصلاح می‌شوند. مهم‌ترین مسئله‌ای که ممکن است در فرآیند ایجاد زیرنویس غیرحرفه‌ای به اندازه کافی مورد توجه قرار نگیرد و اصلاح‌نشده به دست کاربران برسد ایراد ترجمه‌ای و مسائل مربوط به ترجمه است.

قبلاً گفته شد که ترجمه مهم‌ترین و حساس‌ترین بخش فرآیند تولید زیرنویس غیرحرفه‌ای محسوب می‌شود و به همین دلیل مراحل ویرایشی زیادی در فرآیند تولید زیرنویس غیرحرفه‌ای قرار دارند تا بعد از گذار از سد تمام این ویرایش‌ها بهترین و روان‌ترین ترجمه به دست کاربران برسد. با این حال بسیار مشاهده می‌شود که با وجود کیفیت صدا و تصویر لازم

برای زیرنویس‌های غیرحرفه‌ای باز هم ترجمه‌ها گهگاه نامفهوم و پُر از ایراد و اشتباه‌های معنایی و دستور زبانی هستند. در زیر چند نمونه از این اشتباه‌ها را بررسی خواهیم کرد.

۴. ۴. کیفیت ترجمه در زیرنویس غیرحرفه‌ای

در نمونه شکل ۴، مسلط نبودن مترجم در درک جمله زبان خارجی کاملاً مشهود است. مترجم مفهوم و معنای جمله را درک نکرده و تلاش کرده با ترجمه کلمه به کلمه گفتگو، معنای آن را به فارسی برگرداند، اما در همین امر نیز ناموفق بوده است.



شکل ۴. نمونه ضعف معنایی در ترجمه زیرنویس غیرحرفه‌ای فارسی انیمه آی اس^{۱۵}



شکل ۵. ضعف مفهومی در ترجمه زیرنویس غیرحرفه‌ای فارسی انیمه کنشین شمشیرزن دوره گرد^{۱۶}

در نمونه شکل ۵، مترجم برخلاف نمونه شکل ۴ تلاش کرده مفهوم دیالوگ را برساند و از ترجمه کلمه به کلمه خودداری کند با این حال به دلیل نداشتن تسلط کافی به زبان دوم بیراهه رفته و ترجمه‌ای کاملاً نادرست ارائه داده است. در دو نمونه زیرنویس غیرحرفه‌ای فارسی (شکل ۶)، هردو مترجم به طور نسبی مسلط‌تر از دو مثال قبل عمل کرده‌اند و می‌شود گفت

15. Infinite Stratos (IS)

16. Rurouni Kenshin

مفهوم متن اصلی را به درستی متوجه شده‌اند، اما ترجمه هردو نفر دارای غلط‌های مشخص دستورزبانی و معنایی است.



شکل ۶. ضعف دستوری در ترجمه زیرنویس غیرحرفه‌ای فارسی انیمه حمله به تایتان^{۱۷}

در اولین نمونه زیرنویس فارسی در شکل ۶ مترجم به جای استفاده از معادل «به یاد آوردن» از معادل «تذکر» استفاده کرده که در این اسکرپت معادل مناسبی نیست و با استفاده از کلمه «ظالمانه» تلاش کرده قساوت موجودی را که مسبب این، به قول او، تذکر یا یادآوری است، به مخاطب بنمایاند، در حالی که این مهم در دیالوگ بعد به وضوح بیان می شود و نیازی به اضافه کردن آن به دیالوگ اول به نظر نمی رسد. دیالوگ دوم به دوران گذشته اشاره دارد و وحشت بشر را از حکومت این موجودات در آن دوران نشان می دهد، اما مترجم ترجمه روان و مناسبی برای این دیالوگ ارائه نداده است و ترجمه وی مشکل دستورزبانی دارد که متأسفانه در کار بسیاری از مترجمان فارسی زبان این مسئله دیده می شود.

17. Shingeki No Kyojin

در نمونه دوم زیرنویس فارسی شکل ۶، مترجم دیالوگ اول را به‌درستی ترجمه کرده اما در جمله دوم مفهوم «حاکمیت» را به «حمله» تغییر داده است. همچنین لحن مترجم به‌طور محسوسی از ادبی به عامیانه تغییر می‌کند و نمایی ناخوشایند را به‌وجود می‌آورد. این مسئله نیز از ایرادهای محسوس کار مترجمان فارسی‌زبان است که در بسیاری از زیرنویس‌ها دیده می‌شود.



شکل ۷. ضعف انتخاب لحن در ترجمه زیرنویس غیرحرفه‌ای فارسی انیمه بروتو:ناروتو^{۱۸}

در نمونه شکل ۷، مترجم به زبان دوم تسلط کافی داشته و معنا و مفهوم دیالوگ را به‌درستی ارائه کرده است، اما مشکل بزرگ موجود در این ترجمه، انتخاب معادل و لحن نوشتاری مترجم است. در این صحنه مشاهده می‌کنیم که گفتگویی میان پدر و دختر رد و بدل می‌شود. در نسخه انگلیسی این نمونه، دیالوگ‌ها و لحن شخصیت کاملاً مطابق شخصیت دخترچه‌ای مدرسه‌ای است که در حال گفتگو با پدرش است، اما در ترجمه فارسی، لحن دخترچه در دیالوگ دوم ناگهان به عامیانه تغییر می‌کند که به‌هیچ عنوان مناسب استفاده برای این شخصیت نیست. البته اخیراً دوبله و زیرنویس فارسی با لحن عامیانه یا استفاده از

18. Boruto: Naruto the Movie

لهجه‌های اقوام ایرانی برای شخصیت‌های خارجی فراگیر شده و معمولاً در انیمه و انیمیشن‌هایی با درون‌مایه طنز یا داستان‌هایی که مناسب قشر کم‌سن‌وسال است استفاده می‌شود. اما این روش ترجمه مناسب تمام موارد و شخصیت‌ها نیست و بهتر است با دقت و ملاحظه بیشتری استفاده شود.

۵. کلام آخر

در این پژوهش اکتشافی به بررسی توصیفی پدیده زیرنویس غیرحرفه‌ای در ایران پرداخته و با استفاده از اطلاعات به‌دست‌آمده از فعالان حوزه زیرنویس غیرحرفه‌ای و کاربران گروه‌های زیرنویس غیرحرفه‌ای فارسی، عوامل دست‌اندرکار، ویژگی‌ها و کیفیت محصول را از زوایای مختلفی بررسی و کنکاش شده است. یافته‌های این پژوهش بیانگر ابعاد غیرحرفه‌ای این فعالیت داوطلبانه و گروهی بوده و حاکی از آن است که افراد فعال در حوزه زیرنویس غیرحرفه‌ای بدون آموزش و کاملاً به‌صورت غیرحرفه‌ای تنها به‌دلیل علاقه شخصی وارد این حوزه شده و تلاش می‌کنند تا صرفاً برنامه‌های مورد علاقه خود و دوستانشان را به زبان فارسی ترجمه کرده و در اختیار دیگر کاربران فارسی زبان قرار دهند تا ایشان نیز بتوانند از آن‌ها لذت ببرند. نگرش کسب درآمد از این حوزه در میان کاربران وجود ندارد و اگر شخصی به کسب درآمد از راه فروش زیرنویس فارسی مبادرت کند، عملش ناشایست تلقی شده و مورد تأیید قرار نخواهد گرفت. به‌دلیل غیرحرفه‌ای بودن تولید زیرنویس غیرحرفه‌ای، کیفیت محصولات عرضه‌شده در اکثر موارد بسیار پایین و دور از استانداردهای حوزه زیرنویس حرفه‌ای است. کاربران این حوزه معمولاً پس از مدتی این فعالیت را کنار می‌گذارند؛ زیرا تولید زیرنویس غیرحرفه‌ای فعالیتی زمان‌بر و پیچیده است و از طرفی نمی‌شود از آن درآمدی کسب کرد و هیچ‌گونه توجیه اقتصادی ندارد. با این حال باید در نظر داشت که در حال حاضر طیف وسیعی از محصولات نمایشی از جمله انیمه، پویانمایی‌های غربی، فیلم و سریال‌های آمریکایی، بازی‌های رایانه‌ای و برنامه‌های مستند و حتی آموزشی همراه با زیرنویس غیرحرفه‌ای در اختیار کاربران فارسی زبان قرار می‌گیرند. البته زیرنویس غیرحرفه‌ای پدیده جدیدی نیست و در دنیا قدمتی طولانی داشته و درباره آن در سراسر دنیا به‌طور متمرکز پژوهش شده است، اما در ایران پژوهش روی این پدیده نسبتاً مهجور مانده و تعداد

پژوهش‌های فارسی انجام شده در این حوزه انگشت‌شمار است. شایان ذکر است که در کشور ما اغلب محصولات حوزه تلویزیون و سینما به صورت دوبله وارد بازار می‌شوند و به همین دلیل پژوهش در بستر ترجمه دیداری شنیداری معمولاً درباره دوبله اتفاق می‌افتد که بخش اعظم ترجمه حرفه‌ای حوزه سینما و تلویزیون را در بر می‌گیرد.

توصیه می‌شود در تکمیل و ادامه یافته‌های این پژوهش درباره زیرنویس غیرحرفه‌ای فارسی و دیگر انواع ترجمه غیرحرفه‌ای در ایران، پژوهش‌های دیگری زوایای پنهان این پدیده در ایران و دلایل فراگیر شدن آن را بررسی کنند و آثار این پدیده بر جایگاه، آموزش و اقتصاد ترجمه حرفه‌ای و حوزه پژوهشی مطالعات ترجمه کتبی و دیداری شنیداری را تعیین و تبیین نمایند.

کتابنامه

- Ameri, S., & Ghazizadeh, K. (2015). A Norm-Based Analysis of Swearing Rendition in Professional Dubbing and Non-Professional Subtitling from English into Persian. *Iranian Journal of Research in English Language Teaching*, 1(4), 78-96.
- Antonini, R., & Bucaria, C. (2016). NPIT in the media: An overview of the field and main issues. In R. Antonini & C. Bucaria (Eds.), *Non-professional interpreting and translation in the media* (pp. 7-20). Wien, Austria: Peterlang.
- Baker, M. (2016). The prefigurative politics of translation in place-based movements of protest. *The Translator*, 22(1), 1-21. doi:10.1080/13556509.2016.1148438
- Banks, J., & Deuze, M. (2009). Co-creative labour. *International Journal of Cultural Studies*, 12(5), 419-431. doi:10.1177/1367877909337862
- Bogucki, Ł. (2009). Amateur subtitling on the internet. In J. Diaz-Cintas & G. Anderman (Eds.), *Audiovisual translation: Language transfer on screen* (pp. 49-57). Basingstoke, England: Palgrave Macmillan.
- Bogucki, Ł. (2016). *Areas and methods of audiovisual translation research* (2nd ed.). Frankfurt, Germany: Peter Lang.
- Bold, B. (2011). The power of fan communities: An overview of fansubbing in Brazil. *Tradução em Revista*, 11(2), 1-19.
- Caffrey, C. (2008). Viewer perception of visual nonverbal cues in subtitled TV Anime. *European Journal of English Studies*, 12(2), 163-178. doi:10.1080/13825570802151439

- Chaume, F. (2004). Synchronization in dubbing: A translational approach. In P. Orero (Ed.), *Topics in audiovisual translation* (pp. 35-52). Amsterdam, The Netherlands: John Benjamins.
- Diaz-Cintas, J. (2010). Subtitling. In Y. Gambier & L. v. Doorslaer (Eds.), *Handbook of translation studies* (Vol. 1, pp. 344-349). Amsterdam, The Netherlands: John Benjamins.
- Diaz-Cintas, J., & Muñoz Sánchez, P. (2006). Fansubs: Audiovisual translation in an amateur environment. *Jostrans: The Journal of Specialised Translation*, 6, 37-52.
- Diaz-Cintas, J., & Remael, A. (2007). *Audiovisual translation: Subtitling*. Abingdon, England: Routledge.
- Dörnyei, Z. (2007). *Research methods in applied linguistics*. London, England: Oxford University Press.
- Gambier, Y. (2013). The position of audiovisual translation studies. In C. Millán & F. Bartrina (Eds.), *The routledge handbook of translation studies* (pp. 45-59). Abingdon, England: Routledge.
- Gambier, Y. (2014). Changing landscape in translation. *International Journal of Society, Culture & Language*, 2(2), 1-12.
- Gentzler, E. (2014). Translation studies: Pre-discipline, discipline, interdiscipline, and post-discipline. *International Journal of Society, Culture & Language*, 2(2), 13-24.
- Khoshsaligheh, M., Mehdizadkhani, M., & Ameri, S. (2016, June). *Through the Iranian fansubbing glass: Insights into taboo language rendition into Persian*. Paper presented at the Audiovisual Translation: Dubbing and Subtitling in the Central European Context, Nitra, Slovakia.
- Kuhn, A., & Westwell, G. (2012). *Oxford dictionary of film studies*. Oxford, England: Oxford University Press.
- Leonard, S. (2005). Progress against the law: Anime and fandom, with the key to the globalization of culture. *International Journal of Cultural Studies*, 8(3), 281-305. doi:10.1177/1367877905055679
- Massidda, S. (2015). *Audiovisual translation in the digital age: The Italian fansubbing phenomenon*. Basingstoke, England: Palgrave Macmillan.
- Nergaard, S., & Arduini, S. (2011). Translation: A new paradigm. *Translation: An Interdisciplinary Journal*, 1(Inaugural Issue), 8-17.
- Nord, C., Khoshsaligheh, M., & Ameri, S. (2015). Socio-cultural and technical issues in non-expert dubbing: A Case Study. *International Journal of Society, Culture & Language*, 3(1), 1-16.
- Nornes, A. M. (1999). For an abusive subtitling. *Film Quarterly*, 52(3), 17-34. doi:10.2307/1213822

- Nornes, A. M. (2007). *Cinema babel: translating global cinema*. Minneapolis, MP: University of Minnesota Press.
- O'Hagan, M. (2009). Evolution of user-generated translation: Fansubs, translation hacking and crowdsourcing. *The Journal of Internationalisation and Localisation*, 1(1), 94-121.
- O'Hagan, M. (2008). Fan Translation Networks: An Accidental Translator Training Environment? In J. Kearns (Ed.), *Translator and Interpreter Training: Methods and Debates* (pp. 158-183). London: Continuum.
- Orrego-Carmona, D. (2015). *The reception of (non) professional subtitling*. (Unpublished doctoral dissertation), Universitat Rovira i Virgili Tarragona, Spain.
- Parini, I. (2012). Censorship of Anime in Italian Distribution. *Meta*, 57(2), 325-337.
- Pérez-González, L. (2007a). Fansubbing anime: Insights into the butterfly effect of globalisation on audiovisual translation. *Perspectives: Studies in Translatology*, 14(4), 260-277. doi:10.1080/09076760708669043
- Pérez-González, L. (2007b). Intervention in new amateur subtitling cultures: A multimodal account. *Linguistica Antverpiensia*, 6, 67-80.
- Pérez-González, L. (2012a). Amateur subtitling and the pragmatics of spectatorial subjectivity. *Language and Intercultural Communication*, 12(4), 335-352. doi:10.1080/14708477.2012.722100
- Pérez-González, L. (2012b). Amateur subtitling as immaterial labour in digital media culture: An emerging paradigm of civic engagement. *Convergence: The International Journal of Research into New Media Technologies*, 19(2), 157-175.
- Pérez-González, L. (2012c). Co-creational subtitling in the digital media: Transformative and authorial practices. *International Journal of Cultural Studies*, 16(1), 3-21.

بررسی فرایندهای شناختی زیربنایی در درک مهارت گوش دادن آزمون آیلتس

پوریا بقایی مقدم (دانشیار گروه زبان انگلیسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد، مشهد، ایران)

pouryabaghahi@yahoo.com

زهرا ظهوریان (استادیار گروه زبان انگلیسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد، مشهد، ایران)

marjan.zohoorian@yahoo.com

محمد فهرمانلو (مری گروه زبان انگلیسی، دانشگاه بین المللی امام رضا، مشهد، ایران)

mohammadghahremanloo85@aol.com

چکیده

هدف از این مطالعه، بررسی فرایندهای شناختی زیربنایی در درک مهارت گوش دادن آزمون آیلتس (سیستم زبان انگلیسی آزمون بین المللی) است. همچنین این پژوهش با این مسئله می پردازد که آیا این فرایندها از نظر دشواری با هم متفاوت هستند یا خیر. برای این منظور، فهرستی از فرایندهای شناختی ممکن بر اساس ادبیات تحقیق و همچنین بازخورد و پیشنهادها از آزمون دهندگان آماده شد. این چک لیست شامل شش فرآیند شناختی بود. تعداد ۳۱۰ دانش آموز متوسط روبه بالا و پیشرفته انگلیسی با نسخه ای از مهارت گوش دادن آزمون آیلتس مورد آزمون قرار گرفتند. برای تجزیه و تحلیل داده ها از مدل آزمون لجستیکی خطی استفاده شد. یافته ها نشان داد که ردیابی و دنبال نمودن سرعت گوینده و درک فرم های مخفف و خلاصه شده، سخت ترین موارد برای شنوندگان بود. در مجموع، شش فرآیند شناختی مورد مطالعه ۷۲٪ از واریانس دشواری پرسش ها را توجیه کرد. پیامدهای این مطالعه برای آزمون سازی و آموزش درک گوش دادن بحث خواهند شد.

کلیدواژه ها: درک گوش دادن، خرده مهارت ها، روایی، فرایندهای شناختی، مدل آزمون لجستیکی خطی

۱. مقدمه

در میان محققان حوزه مهارت های زبان خارجی، بر وجود انواع خرده مهارت های زیرمجموعه درک گوش دادن اتفاق نظر وجود دارد؛ هرچند هنوز توافقی کلی در مورد ماهیت

دقیق و یا کمیت آن‌ها وجود ندارد (باک و تاتسوکا، ۱۹۹۸). همان‌گونه که والت (۱۹۷۷) اشاره می‌کند، طبقه‌بندی مهارت‌های شناختی زیربنایی مهارت‌ها می‌تواند به‌عنوان پایه و اساس طراحی مواد آموزشی و همچنین برای اندازه‌گیری توانایی مهارت‌ها به‌کار رود. اگرچه تقسیم‌پذیری و طبقه‌بندی مهارت‌ها یک مفهوم بحث‌برانگیز است، این مفهوم برای مدت‌هاست که به آزمون‌سازها و طراحان آزمون‌های زبانی در تشخیص سطوح مختلف درک و تعیین دشواری پرسش‌ها کمک کرده است. همان‌گونه که ذکر شد، نتایج حاصل از چنین بررسی‌هایی می‌تواند نه‌تنها برای طراحان برنامه درسی در راستای برنامه‌ریزی مناسب بلکه برای ساخت سؤالات آزمون نیز سودمند باشد.

بنابراین، تعریف گوش‌دادن به‌عنوان فرآیند پیچیده‌ای که شامل تعدادی از خرده‌مهارت‌ها یا عناصر تشکیل‌دهنده است، میسر خواهد شد (گو و آریادوست، ۲۰۱۴). مادامی که تمرکز اصلی بر روی محصول نهایی است، نمره آزمون گوش‌دادن ممکن است چیزی را در مورد فرآیندهایی که بر اساس آن یک شنونده جواب درست را انتخاب نموده است یا در مورد دلیل شکست فرآیند درک گوش‌دادن، آشکار نسازد. در نتیجه فقدان شواهد و مدارک در چنین مواردی محققان را بر این داشته است که تحقیقات و مطالعاتی را به‌منظور بررسی خرده‌مهارت‌های مورد نیاز برای درک مناسب گوش‌دادن یک آزمون‌دهنده، انجام دهند. همچنین، ارائه توضیحات و توجیهاتی واضح و روشن نیز از طریق تحقیقات تجربی در مورد نحوه ترکیب خرده‌مهارت‌های گوش‌دادن برای توضیح فرآیند درک نیز ضروری است (گو و آریادوست، ۲۰۱۴).

بنا به ادعای رینر و کلیفتون (۲۰۰۲) گوش‌دادن شامل چند سطح است. این سطوح عبارتند از سطح کانال که متشکل از توجه به صدا و آوانگاری و همچنین حرکات و اشارات است. سطح بعدی سطح سیگنال است که شناسایی سیگنال‌های گوینده را شامل می‌شود است. سطح سوم، معروف به سطح مقصود، دربرگیرنده درک و فهم معنی توسط سیگنال است. اگرچه بسیاری از مطالعات انجام شده در مورد مهارت گوش‌دادن در سطوح سیگنال و مقصود انجام شده است، چندین محقق نیز سعی کرده‌اند به بررسی آن دسته از فرآیندهای فراوانی بپردازند که از طریق آن‌ها مهارت گوش‌دادن رخ می‌دهد. در واقع تلاش‌هایی در راستای ارائه تعریف

درک گوش دادن مبتنی بر خرده مهارت‌های جداگانه مختلف انجام شده است. فیلد (۱۹۹۸) به دو مورد ممکن اشاره می‌کند که از طریق شکستن مهارت گوش دادن به خرده مهارت‌های آن ارائه شده است. در مرحله اول، این مهارت‌ها می‌تواند یک رویکرد تشخیصی را با ارائه فهرستی برای نشان دادن ضعف‌ها گوش دادن ارائه کند. دوم، امکان آماده سازی مواد و مطالب برای مجموعه‌ای از جلسات کوتاه مدت به منظور تمرین آن خرده مهارت‌ها جهت تمرین‌های گوش دادن در مرحله بعدی فراهم می‌شود.

بنابراین، روان‌زبان‌شناسان سعی کرده‌اند مهارت گوش دادن را به عنوان نوعی تحمیل خلاقانه معنا برای سیگنال‌های دریافتی زبان بپندارند (ریورز، ۱۹۷۶). با تمرکز بر استخراج خرده مهارت‌های گوش دادن، چند طبقه‌بندی و دسته‌بندی بر اساس حدس و گمان‌های نظری ارائه شده است. ماهیت و ذات یکی از طبقه‌بندی‌های اولیه بر مبنای یک فرآیند دو مرحله‌ای استخراج اطلاعات پایه زبان شناسی و استفاده از این اطلاعات برای هدفی ارتباطی پایه گذاری شده است. این دیدگاه در پیشینه تحقیق تحت عناوین مختلف از جمله «فرآیندهای ساخت و ساز و استفاده» یا «سطوح شناخت و انتخاب» تکرار آمده است (بارتا، ۲۰۱۰). در تحقیق اوکیشات-تیلور (۱۹۷۷) مجموعه‌ای از ویژگی‌های درک کلان و خرد شناسایی شدند. با استدلال بر وجود برخی جهت‌گیری‌های دارای تداخل و مشترک، روست (۱۹۹۰) خرده مهارت‌های مربوط به ادراک، تفسیر و انتقال اطلاعات را ارائه داد (روست، ۲۰۰۲). با این حال، جدا از این مدل موازی، دیگر روان‌زبان‌شناسان ترجیح داده‌اند مدلی سلسله‌مراتبی را مطرح کنند. در چنین مدلی، فرآیندهای اساسی و زیربنایی در سطوح مختلفی پرورش داده می‌شوند که از بالا به پایین یا از پایین به بالا بر روی یکدیگر ساخته می‌شوند (کلارک و کلارک، ۱۹۷۷). با این حال، دیگر محققان مدل تعاملی را ذکر می‌کنند که در آن سطوح مختلف به‌طور همزمان با هم در تعامل هستند و دانش عمومی، انتظارات متنی و پیش‌بینی‌ها نقش اصلی را ایفا می‌کنند (اوزگود، ۱۹۸۶؛ پله، ۱۹۹۸).

ریچاردز (۱۹۸۳) طبقه‌بندی ارتباطی دقیقی شامل ۱۸ مهارت خرد برای درک مهارت گوش دادن ارائه داد که بر حافظه کوتاه مدت تمرکز می‌کند: صداها، استرس و آهنگ، فرم‌های مخفف و کوتاه شده، مرزهای کلمات، فرآیند سرعت گفتار، متغیرهای عملکرد بیان، سرعت

بیان، شناخت ساختارها و نظام‌های دستوری، عناصر سازنده عمده و جزئی جمله، شناخت معنی برای فرم‌های مختلف دستوری، شناخت عبارات انسجام‌دهنده، شناخت نقش‌های ارتباطی، استفاده از دانش دنیای واقعی برای پی بردن به اهداف، موقعیت‌ها و شرکت‌کنندگان، اجرای فرآیندهای مانند پیش‌بینی، استنتاج، قیاس یا تمثیل، تشخیص معانی تحت‌اللفظی از معانی ضمنی، با استفاده از سرنخ‌های غیر کلامی، و استفاده از استراتژی‌ها برای درک. محققان دیگری همچون گروگنتو و دوووزر (۲۰۰۲) بر روی کیفیت فعال مهارت گوش‌دادن تأکید ورزیده‌اند و به ترکیبات سازنده گوش‌دادن از جمله منطق و دلیل‌یابی، استفاده از حافظه کوتاه‌مدت، سازماندهی اطلاعات با حوادث، پیش‌بینی اطلاعات، یادآوری دانش پس‌زمینه، اختصاص معنا، چک‌کردن درک، و انتقال پیام به حافظه بلندمدت اشاره کرده‌اند.

با این حال، آیتیکن (۱۹۷۸) یک دسته‌بندی چهار سؤالی از جمله درک ساختار و واژگان، شناسایی الگوهای صدایی، نگرش‌ها، مقاصد، و مرجع‌سازی را ارائه داده است. اندرسون و لینچ (۲۰۰۳) نتیجه‌گیری خود را از مطالعات و تحقیقات تحلیل گفتمان انجام دادند و سه مهارت زیر را پیشنهاد دادند:

۱. شناخت موضوع مورد مکالمه با تکیه بر بیانات صحبت‌کننده بومی؛

۲. پیش‌بینی موضوعات احتمالی که برای پاسخ مورد نیاز است؛

۳. درک و اطلاع‌رسانی در مورد نبود ورودی.

با این حال، بار تا (۲۰۱۰) از روش گزارش کلامی استفاده کرد تا خرده‌مهارت‌ها و استراتژی‌های به‌کار گرفته شده توسط آزمودنی‌ها در هنگام پردازش افکار برای درک گوش‌دادن را بیابد. با تکیه بر روش کیفی، بار تا طبقه‌بندی ۲۷ موردی ارائه داد که بر مبنای چارچوب نظری توانایی گوش‌دادن بود. این موارد اساساً به توانایی‌ها و ظرفیت‌های استراتژیک شناختی، فراشناختی و جبرانی مهارت گوش‌دادن مربوط می‌شود. در همین راستا، تعدادی از محققان دیگر (کارول، ۱۹۷۲؛ ویلیس، ۱۹۸۱؛ ریچاردز، ۱۹۸۳؛ بویل، ۱۹۸۴) همچنین چندین عنصر و خرده‌مهارت تشکیل‌دهنده را برای مهارت گوش‌دادن برشمردند که در میان آن‌ها لیست سال ۱۹۷۸ مربوط به مانبی به‌عنوان طولانی‌ترین دسته‌بندی شامل ۲۵۰ خرده‌مهارت در نظر گرفته می‌شود. پس از تحلیل مشترکات بین لیست‌های پیشنهادی خرده‌مهارت‌ها، محققان

به دنبال یک چارچوب مشترک و جامع بودند. طبقه‌بندی زیر در را ستای هدف مطالعه حاضر پیشنهاد شده است:

۱. استفاده از دانش گرامر (نحو)؛

۲. استفاده از دانش معنایی؛

۳. درک جزئیات و اطلاعات صریح؛

۴. درک فرم‌های مخفف و کوتاه‌شده،

۵. دنبال نمودن سرعت گوینده؛

۶. استنتاج.

اهمیت دانش گرامر بیشتر به این دلیل است که بسیاری از سوء برداشت‌ها به دلیل مشکلات دستوری روی می‌دهد (فیلد، ۱۹۹۷). علاوه بر این، وقتی که گویندگان به‌طور معمول سریع صحبت می‌کنند بسیاری از کلمات دستوری در خارج از بافت زبان کلماتی نامفهوم شناخته می‌شوند (کلارک و کلارک، ۱۹۷۷). به‌طور مشابه، دانش معنایی نیز مهم است زیرا برای درک کلمات محتوایی نقشی ضروری دارد. مطالعاتی مانند آنچه که توسط مک کارتی (۲۰۰۰) انجام شد نیز این نکته را تأیید می‌کنند چون به این نتیجه دست یافتند که دانش واژگان به‌عنوان یک متغیر پیش‌بین ۱۴ درصد از توانایی گوش‌دادن را توجیه کرد. علاوه بر این، غیر قابل انکار است که توانایی استخراج اطلاعات به صراحت به توانایی گوش‌دادن کمک می‌کند. توانایی استخراج اطلاعات ریز مانند ارقام و نام‌ها به‌طور قابل توجهی بر توانایی درک گوش‌دادن تأثیرگذار است (فیلد، ۲۰۰۸).

شناختن فرم‌های کوتاه شده و مخفف به‌عنوان چهارمین خرده‌مهارت به توانایی درک فرآیندهایی اشاره می‌کند که از طریق آن تصنعی‌بودن یا برجستگی تکواژها کاهش می‌یابد (هنریکسن، ۱۹۸۴) که به‌طور قابل توجهی بر درک و فهم تأثیر می‌گذارد. خرده‌مهارت پنجم به‌طور عمده به توانایی درک جریان ثابت گفتار و کلام می‌پردازد. از دنبال نمودن سرعت و ریتم گوینده به‌عنوان یک مانع برای بسیاری از زبان آموزان زبان دوم و خارجی یاد می‌شود (کیم، ۲۰۰۲). در نهایت، توانایی استنتاج مستلزم استفاده شنوندگان از دانش عملی برای تعیین یک معنای ضمنی است (وندرگرفت، ۲۰۰۷). این دربرگیرنده درک معنا فراتر از چارچوب

تحت اللفظی یک کلام یا گفته از طریق به کارگیری اطلاعات درباره نیت گویندگان است (رز و کاسپر، ۲۰۰۱).

با توجه به مطالعات مختلف انجام گرفته در مورد خرده مهارت های گوش دادن، مشاهده شده است که یک چارچوب مشابه روش شناسی برای تجزیه و تحلیل خرده مهارت های مربوطه وجود دارد؛ یعنی، بسیاری از مطالعات از تکنیک های همبستگی و رگرسیون برای تجزیه و تحلیل بهره گرفته اند. از آنجا که تجزیه و تحلیل خرده مهارت ها نیاز به تحقیق و تفحص در مورد فرآیندهای ذهنی نیز دارد، نویسندگان این پژوهش یک رویکرد متفاوت، به نام مدل آزمون لجستیک خطی^۱ (فیشر، ۱۹۷۳) را مد نظر قرار داده اند. نقطه قوت این مدل در تست فرضیه هایی است که شناسایی فرآیندهای شناختی برای توانایی های روان شناختی را بر عهده دارند. این مدل محققان را قادر می سازد به طور تجربی فرضیه های مربوط به فرآیندها را مورد آزمون قرار دهند و به ایجاد نظریه های اساسی روان شناختی بپردازند. با شناسایی فرآیندهای شناختی که برای حل پرسش ها مورد نیاز است، اعتبار سازه پرسش ها را می توان نشان داد و پرسش های جدید برای فرآیندهای شناختی خاص نیز می توان نوشت. با وجود اینکه LLTM یک مدل بسیار قدرتمند در درک فرآیندهای شناختی بنیادین در عملکرد آزمون و در تبیین روایی است، این مدل در روان شناسی شناختی و آموزش چندان مورد توجه پژوهشگران واقع نشده است.

۲. روش

۲.۱. آزمودنی ها

سیصد و ده دانشجو در رشته آموزش زبان انگلیسی در این مطالعه شرکت کردند. از این میان، هشتاد و هفت نفر آن ها دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد و ۲۲۳ نفر آن ها دانشجوی مقطع کارشناسی بودند. شرکت کنندگان از هر دو جنس یعنی مذکر (۳۷/۱٪) و مؤنث (۶۲/۹٪) و در بازه سنی ۱۸ سال تا ۵۵ سال (میانگین = ۲۵/۳۲؛ احراف معیار = ۵/۶۵) بودند. به شرکت کنندگان گفته شد که آن ها افراد شرکت کننده در یک تحقیق هستند و به آن ها اطمینان

1. Linear Logistic Test Model, LLTM

داده شد که اطلاعات شخصی‌شان محرمانه نگه داشته خواهد شد. هدف از این مطالعه و فرآیند آن نیز به آن‌ها توضیح داده شد. داوطلبان رضایت آگاهانه خود را برای شرکت در مطالعه بیان کردند. وقت و همکاری آن‌ها نیز با ارائه بازخورد در مورد توانایی درک گوش دادن آن‌ها جبران شد.

۲.۲. ابزار

یک نمونه آزمون آیلتس مربوط به مهارت گوش دادن جهت استخراج داده‌های مورد نیاز برای این مطالعه اجرا شد. این آزمون شامل ۴۰ سؤال در چهار بخش مختلف بود. در بخش اول، از دانشجویان خواسته شد تا به یک جرم و جنایت که به تازگی رخ داده، گوش فرا دهند و به ۱۰ سؤال مربوط پاسخ دهند. این تکلیف در واقع آن‌ها را ملزم به خواندن یک نقشه و انتخاب موقعیت‌ها می‌ساخت و باید پاسخ صحیح را از بین سه گزینه مربوط به چیزی که برای شاهد عینی و قربانی جرم و جنایت اتفاق افتاده را انتخاب کنند و سپس چند موارد اطلاعات در مورد ظاهر فیزیکی دو سارق را بنویسند. تعداد پنج پرسش جاخالی و پنج پرسش چندگزینه‌ای وجود داشت. برای یکی از سؤالات چندگزینه‌ای، شرکت‌کنندگان باید دو پاسخ صحیح را انتخاب می‌کردند. در بخش دوم، دانشجویان به پاره‌ای از اطلاعات در مورد یک هتل گوش دادند که توسط یک راهنمای تور ارائه می‌شد. این بخش از ۱۰ سؤال، شامل پنج پرسش چندگزینه‌ای و پنج پرسش جاخالی تشکیل شده بود. دانشجویان می‌بایست به سؤالاتی در مورد محل هتل، امکانات ارائه شده و قیمت هتل پاسخ دهند.

در بخش سوم، دانشجویان به مکالمه سه دوست که در مورد امتحان قبلی خود صحبت می‌کردند، گوش دادند. این بخش شامل سه سؤال جاخالی و یک سؤال چندگزینه‌ای بود. آن‌ها باید دو مورد اطلاعات در مورد یکی از صحبت‌کنندگان می‌نوشتند و به هشت سؤال در مورد مشاوره و توصیه‌های یکی از صحبت‌کنندگان به دو دوستش باید پاسخ می‌دادند.

در نهایت، در بخش چهارم، دانشجویان به یک سخنرانی ایراد شده توسط یک دستیار مدرس دانشگاه درباره یک نوع پرندۀ مهاجر گوش دادند. آن‌ها به ۱۰ سؤال جاخالی در مورد پرندگان پاسخ دادند.

۳.۲. تجزیه و تحلیل

- مشخصات ماتریس Q

برای اجرای LLTM، نخست یک ماتریس Q باید ساخته شود. در این ماتریس، خرده‌مهارت‌ها یا عملیات مورد نیاز برای حل سؤالات، مشخص می‌شوند. تهیه ماتریس Q یا بر اساس نظرات خبرگان یا بر اساس استراتژی‌های دانشجویان برای حل سؤالات به‌دست آمده در مصاحبه‌ها یا از طریق پروتکل‌های کلامی فکر با صدای بلند شکل می‌گیرد.

یک مثال گویا از سؤالات آزمون ریاضی ابتدایی ممکن است در توضیح چگونگی تهیه یک ماتریس Q مفید باشد. پرسش $(5+9)/2=$ را در نظر بگیرید. برای پاسخ صحیح به این پرسش، دو خرده‌مهارت، به نام‌های جمع و تقسیم مورد نیاز است. برای $\sqrt{3*8}-5=$ سه عمل ضرب، تفریق، و محاسبه ریشه دوم مورد نیاز است. در حالی که تشخیص فرایندهای زیربنایی سؤالات ریاضی نسبتاً آسان است، این عملیات برای سؤالات مربوط به مهارت‌های درک گوش‌دادن و درک مطلب بسیار سخت است. اجماع در مورد عملیات مورد نیاز برای پاسخ به یک سؤال مربوط به مهارت گوش‌دادن تا حدی دشوار است.

در این پژوهش، سؤالات آزمون توسط چهار کارشناس مربوطه مورد بررسی قرار گرفت تا بدین وسیله ماتریس Q حاوی فرایندهای شناختی مؤثر برای هر سؤال به دست آید. در میان این کارشناسان، یک ناظر آموزشی با حدود ۲۵ سال تجربه در آموزش زبان انگلیسی در مؤسسات مختلف زبان در ایران، یک معلم انگلیسی با مدرک کارشناسی ارشد در آموزش زبان انگلیسی با پنج سال تجربه تدریس زبان انگلیسی و دو معلم آیلتس با ۱۰ سال تجربه در آموزش زبان عمومی انگلیسی و سه سال سابقه در تدریس آیلتس وجود داشتند. این فرآیند با هر متخصص به صورت جداگانه انجام شد؛ به عبارت دیگر، محققان فایل مربوط به گوش‌دادن را برای هر متخصص روشن کردند، فهرستی از عملیات شناختی از پیش آماده شده را به آن‌ها دادند و از آن‌ها خواستند عملیاتی را که فکر می‌کنند ممکن است در پاسخ به هر سؤال وجود داشته باشد را انتخاب کنند. اختلاف‌ها و تضادهای بین کارشناسان با بحث و گفتگو حل و فصل شد و بدین وسیله اجماع نهایی به‌دست آمد.

متخصصین می‌توانستند بیش از یک فرآیند را برای هر سؤال انتخاب کنند. این فهرست شامل شش فرآیند مفروض زیر هستند که قبلاً مورد بحث قرار گرفت:

۱. استفاده از دانش گرامر؛

۲. استفاده از دانش واژگان؛

۳. درک جزئیات و اطلاعات صریح؛

۴. درک فرم‌های مخفف و کوتاه شده؛

۵. دنبال نمودن سرعت گوینده؛

۶. استنتاج.

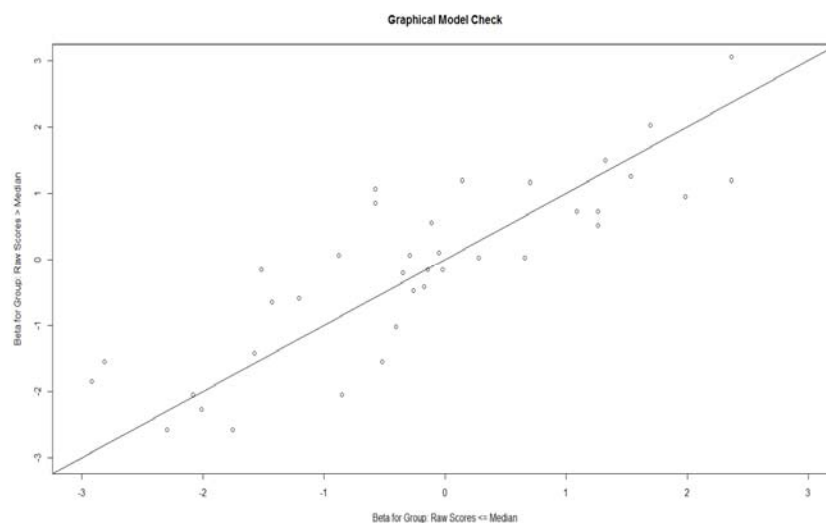
۴. نتایج

از آنجا که LLTM یکی از مدل‌های زیرمجموعه مدل راش است، مدل استاندارد راش (راش، ۱۹۸۰/۱۹۶۰) باید در وهله اول با داده‌ها برازش داشته باشد (فیشر، ۱۹۷۳؛ همچنین رجوع شود به بقایی و کوبینگر، ۲۰۱۵؛ بقایی و راوند، ۲۰۱۵). آزمون نسبت درست‌نمایی^۲ اندرسون (۱۹۷۳) با میانه نمرات خام به‌عنوان ملاک تقسیم‌بندی آزمون‌دهندگان نشان داد که این آزمون با ۴۰ سؤال با مدل راش برداش ندارد: $\chi^2=237/721$, $df=39$, $p<0/001$.

بررسی گرافیکی برازش مدل (شکل ۱) نشان داد که ۱۷ سؤال دور از خط شیب ۴۵ درجه قرار دارند. اگر داده‌ها با مدل راش برازش داشته باشند، انتظار می‌رود که سؤالات نزدیک به خط شیب ۴۵ درجه قرار بگیرند. سؤالاتی که دور از این خط شیب قرار می‌گیرند سؤالاتی هستند که برازش نمی‌شوند (کوبینگر، ۲۰۰۵).

پس از حذف ۱۷ سؤال که به‌مراتب با خط شیب ۴۵ درجه فاصله داشتند، مدل راش مجدداً اعمال شد. آزمون نسبت درست‌نمایی اندرسون با میانه نمرات به‌عنوان معیار تقسیم‌بندی آزمون‌دهندگان نشان داد که ۲۳ سؤال باقی مانده با مدل راش دارای برازش هستند:

$$\chi^2 = 36/755, df = 22, p = 0/025$$



شکل ۱. بررسی گرافیکی برازش

۴. ۱. تجزیه و تحلیل مدل لجستیک خطی

مدل راش با ۲۳ آیتم دارای برازش و ماتریس Q با استفاده از بسته eRm (مایر، هاتزینگر، و مایر، ۲۰۱۴) نسخه ۱۱.۳ R (تیم توسعه هسته‌ای R، ۲۰۱۵) تحت تجزیه و تحلیل LLTM قرار گرفتند. جدول ۲ پارامتر سهولت شش فرآیند شناختی، خطاهای استاندارد آن‌ها و ضریب اطمینان ۹۵٪ آن‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۱. پارامترهای سهولت فرآیندهای شناختی، خطاهای استاندارد و ضریب اطمینان ۹۵٪

عملیات	برآورد	خطا	CI پایینی	CI بالایی
گرامر	-۰/۷۱۶	۰/۱۰۰	-۰/۹۱۲	-۰/۵۲۱
معناشناسی	-۰/۵۱۶	۰/۰۶۷	-۰/۶۴۸	-۰/۳۸۴
جزئیات و اطلاعات صریح	-۰/۷۲۷	۰/۱۰۳	-۰/۹۲۸	-۰/۵۲۵
فرم‌های کوتاه شده	-۱/۱۳۳	۰/۰۹۰	-۱/۳۱۰	-۰/۹۵۶
سرعت	-۱/۳۶۱	۰/۰۸۳	-۱/۵۲۳	-۱/۱۹۹
استنتاج	-۰/۷۹۲	۰/۱۱۸	-۱/۰۲۴	-۰/۵۶۱

همان‌طور که قبلاً توضیح داده شد، LLTM یک محدودیت خطی را بر پارامتر د شواری تحمیل می‌کند. بدین معنی که ما باید قادر به باز سازی پارامترهای د شواری سؤالات (مبتنی بر مدل راش) از طریق اضافه کردن میزان دشواری عملیات مورد نیاز برای حل هر یک از پرسش‌ها باشیم. شکل ۱ نمودار رابطه بین برآوردهای پارامتریک حاصل از مدل راش و همچنین موارد باز سازی شده توسط LLTM با استفاده از د شواری شش عمل شناختی را نمایش می‌دهد. ضریب همبستگی بین دو مجموعه از پارامترها ۰/۸۵ بود.

مقایسه برازش مدل LLTM و مدل راش با آزمون نسبت در ست‌نمایی نشان داد که مدل راش به‌طور معناداری دارای برداشش بهتری نسبت به مدل LLTM هست، $\chi^2=582, df=16, p<0/001$. با این وجود، همبستگی بین برآوردهای مربوط به سؤالات مبتنی بر مدل راش و همچنین برآوردهای سؤالات باز سازی شده LLTM برابر با ۰/۸۵ بود. به عبارتی، ما موفق به توجیه ۷۲٪ از واریانس دشواری پرسش‌ها با این شش عملیات شناختی شدیم.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

ارزیابی و آموزش مهارت‌های زبان خارجی تحت تأثیر مفهوم خرده‌مهارت‌ها است. یعنی مجموعه‌ای از توانایی‌ها یا فرآیندهای شناختی که یادگیرندگان لازم است بر آن‌ها مسلط شوند تا بتوانند تکالیف زبانی خود و برقراری ارتباط را با موفقیت انجام دهند. بر این اساس، از آنجایی که زبان‌شناسان کاربردی فهرست و طبقه‌بندی خرده‌مهارت‌ها به‌منظور کمک به معلمان زبان و نویسندگان مواد درسی را در راستای ارتقای خرده‌مهارت‌ها پیشنهاد کردند، تمرکز روش‌های تدریس و برنامه‌های درسی تا حد زیادی بر تقویت این خرده‌مهارت‌ها معطوف شد (مانبی، ۱۹۷۸؛ ریچاردز، ۱۹۸۳). با این حال، واقعیت روانشناختی این خرده‌مهارت‌ها، وجود مستقل آن‌ها، و قابلیت افتراق آن‌ها که در مجموع به اثبات‌پذیری تجربی آن‌ها خلاصه می‌شود، همیشه مورد سؤال بوده است. تحقیقات از نوع همبستگی شامل تجزیه و تحلیل رگرسیون و تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی نتایج متناقضی را به‌همراه داشته است.

هدف مطالعه حاضر یافتن عملیات شناختی یا خرده‌مهارت‌های زیربنایی مهارت درک گوش‌دادن در رشته زبان انگلیسی به‌عنوان زبان خارجی است. دسته‌ای از فرآیندهای شناختی

به منظور تعیین دشواری سؤالات مهارت گوش دادن مفروض شد. پس از مطالعه ادبیات تحقیق و ایجاد یک چارچوب مشترک متشکل از شش فرآیند، آزمون گوش دادن آیلتس از ۳۱۰ دانشجوی سطح متوسط رو به بالا و پیشرفته زبان انگلیسی گرفته شد. این آزمون شامل ۴۰ سؤال بود که ۱۷ سؤال آن به علت عدم برازش مطلوب با مدل راش حذف شدند.

یک ماتریس Q متشکل از شش فرآیند شناختی به عنوان مدل نظری مهارت گوش دادن در این تحقیق در نظر گرفته شد. فرآیندهای زیر به عنوان مؤثرترین عملیات در تعیین میزان دشواری پرسش‌ها در نظر گرفته شد: الف) استفاده از دانش گرامر، ب) استفاده از دانش معنایی، پ) درک جزئیات و اطلاعات صریح، ت) درک فرم‌های مخفف و کوتاه شده، ث) دنبال نمودن سرعت گوینده و ج) استنتاج.

«دنبال نمودن سرعت گوینده» به عنوان دشوارترین فرآیند شناخته شد؛ یعنی پردازش جریان کلام تولید شده توسط سخنران زمانی که سریع ارائه می‌شد برای دانشجویان بسیار دشوار بود. «درک فرم‌های مخفف و کوتاه شده» تقریباً بلافاصله بعد از «دنبال نمودن سرعت گوینده» قرار داشت. با توجه به اختلاف بین شکل گفتاری زبان انگلیسی و شکل نوشتاری آن، درک و فهم شکل کامل واژه، به نظر می‌رسد کار دشوار و سنگینی برای زبان‌آموزان زبان انگلیسی باشد. مردم انگلیسی زبان تمایل به استفاده کردن از بسیاری از اشکال کوتاه و مخفف در صحبت‌های غیر رسمی خود دارند. شنونده ممکن است با عبارات کوتاه شده‌ای از قبیل «he'II» و «she'II» و غیره مواجه شود یا ممکن است برخی کلمات اختصاری مانند یونسکو و غیره را بشنود.

پس از صحبت با آزمون‌دهندگان، متوجه مشکل اکثر دانشجویان در تشخیص مرزهای کلمات شدیم؛ یعنی جایی که یک کلمه شروع می‌شود و پایان می‌پذیرد. تشخیص پایان و آغاز کلماتی که صداهایی با محل تولید یکسان دارند، مشکل است. کلماتی که شروع و خاتمه آن‌ها با صداهایی است که دارای محل تولید مشترک هستند به سختی می‌توانند قابل تشخیص باشند. سومین عمل چالش برانگیز «استنتاج» بود. دانشجویان باید، در برخی از مراحل گوش دادن، برخی اطلاعات را به اطلاعات قبلاً ذکر شده یا دانش پس‌زمینه‌ای خود یا اطلاعات خارج از متن، ارتباط دهند. در برخی از موارد، آن‌ها با مراجعه به اطلاعات پیشین در متن، استنتاج می‌کنند و یا ممکن است از آن‌ها انتظار برود بر اساس عناصر قبلی متن، پیش‌بینی انجام دهند.

جایگاه چهارم متعلق به «درک جزئیات و اطلاعات صریح» است. یعنی توانایی یافتن اطلاعات کوچک که به طور مستقیم در متن ذکر شده است مثل نام، شماره و غیره. در مورد این پرسش‌ها باید گفت شیوه‌ای که آزمون‌دهندگان گزینه‌های نادرست (در پرسش‌های چندگزینه‌ای) را تحلیل می‌کنند بسیار مهم است؛ زیرا در این پرسش‌ها معمولاً اطلاعات ریز دیگری که شبیه پاسخ صحیح پرسش است به عنوان گزینه نادرست استفاده می‌شود. «استفاده از دانش گرامر» در رتبه پنجم دشواری ایستاد. دانشجویان لازم است بدانند که یک واژه به کدام طبقه دستوری تعلق دارد اگر چه این فرآیند به نظر نمی‌رسد سطح دشواری پرسش را به طور قابل توجهی افزایش دهد.

ساده‌ترین عمل استفاده از «دانش معنایی» است. به نظر می‌رسد که دانشجویان سطح متوسط رو به بالا و پیشرفته انگلیسی نباید مشکل خاصی در درک معنای کلمات داشته باشند؛ به بیان دیگر، واژگان مورد استفاده در آزمون گرفته شده از دانشجویان بار معنایی سنگینی را به دانشجویان در این سطوح تحمیل نکردند.

روند رایجی در میان مدرسان و زبان آموزان مهارت گوش دادن به نام استخراج کلمات یا عبارات از متن و تجزیه و تحلیل آن‌ها به طور مجزا وجود داشته است. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که سرعت سخنران و فرم‌های مخفف و کاهش یافته نقش مهمی را در درک گوش دادن ایفا می‌کنند. بنابراین، اکیداً توصیه می‌شود که به سرعت طبیعی صحبت و همچنین استفاده از فرم‌های کاهش یافته، توجه دقیق شود. بدین منظور، گوش دادن به متون و مواد آموزشی واقعی و اصیل^۳ به شدت توصیه می‌شود. اهمیت «دنبال نمودن سرعت گوینده» بیانگر این است که عدم در معرض قرارگیری به سرعت واقعی و طبیعی زبان انگلیسی شفاهی می‌تواند یک منبع اصلی مشکل در گوش دادن باشد که دانشجویان ممکن است با آن روبه‌رو شوند. منابع و مواد گوش دادن که برای اهداف آموزشی تهیه شده‌اند به طور قابل توجهی با مواد واقعی و اصیل از لحاظ سرعت یا استفاده از فرم‌های کاهش یافته، متفاوت هستند. هدف کتاب‌های درسی و مواد آموزشی سمعی و بصری، انتقال نوع استاندارد زبان به زبان آموزان

است، در حالی که آنچه واقعاً در زمینه واقعی ارتباطی رخ می‌دهد، کاملاً متفاوت است. علاوه بر این، آموزش فرم‌های مختلف کوتاه شده و مخفف نیز به دانشجویان توصیه می‌شود. کمبود تحقیق در مورد فرآیندهای شناسختی بنیادین مهارت گوش‌دادن، انگیزه انجام این تحقیق بود. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد ۷۲٪ واریانس مربوط به دشواری سؤالات را می‌توان با این شش فرآیند مورد مطالعه توجیه نمود. مطالعات قوی و با طراحی مطلوب در آینده می‌تواند در نهایت راجع به دیگر فرآیندهایی که ۲۸٪ باقیمانده واریانس مهارت گوش‌دادن آیلنس را توجیه می‌کند، اطلاعاتی به‌دست دهد. به غیر از این عملیات، ریخت پرسش‌ها (چندگزینه‌ای، پرکردنی،...) نیز یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار است. گام بعدی می‌تواند بررسی تأثیر ریخت پرسش‌های آزمون بر عملکرد آزمون‌دهندگان باشد.

کتابنامه

- Aitken, K. G. (1978). Measuring Listening Comprehension. English as a Second language. TEAL Occasional Papers, Vol. 2, Vancouver: British Columbia Association Of teachers of English as an Additional language. ERIC Document No. ED 155 945.
- Alderson, J. C., & Lukmani, Y. (1989). Cognition and reading: Cognitive levels as embodied in test questions. *Reading in a Foreign Language*, 5, 253-270.
- Anderson, A., & Lynch, T. (2003). *Listening* (11th Ed.). Oxford: Oxford University Press.
- Baghaei, P., & Ravand, H. (2015). A cognitive processing model of reading comprehension in English as a foreign language using the linear logistic test model. *Learning and Individual Differences*, 43, 100-105.
- Baghaei, P. & Kubinger, K. D. (2015). Linear logistic test modeling with R. *Practical Assessment, Research & Evaluation*, 20, 1-11.
- Barta, E. (2010). Test takers' listening comprehension sub-skills and strategies. *WoPaLP*, 4, 59-85.
- Benson C. P. & Hjelt. C. (1978). *Listening Competence: A Prerequisite to Communication*. Southern Illinois University.
- Boyle, J. (1984). Factors affecting listening comprehension. *ELT Journal*, 38. pp. 34-38.
- Buck, G., & Tatsuoaka, K. (1998). Application of the rule-space procedure to language testing: Examining attributes of a free response listening test. *Language Testing*, 15(2), 119-157.

- Carroll, J. B. (1972). Defining Language Comprehension: Some speculations. In *Language*
- Chastain, K. (1976). *Developing second-language skills: Theory to practice*. Rand McNally College Pub. Co.
- Comprehension and the Acquisition of Knowledge, (Ed.). J. B. Carroll & R. O. Freedle. Washington, D.C.: Winston.
- Clark, H. H. & Clark, E. V. (1977). *Psychology and Language*, p.43, Harcourt Brace Jovanovich, INC. New York.
- Field, J. (1997). Notes on listening: Variability and assimilation. *Modern English Teacher*.
- Field, J. (1998). Skills and strategies: towards a new methodology for listening. *ELT Journal*, 52(2), 110-118.
- Field, J. (2008). *Listening in the language classroom*. Cambridge, England: Cambridge University Press.
- Fischer, G. H. (1973). The linear logistic test model as an instrument in educational research. *Acta Psychologica*, 37, 359-374.
- Goh, C. C. M., & Aryadoust, V. (2014). Examining the notion of listening subskill divisibility and its implications for second language listening. *International journal of listening*, 28, 1-25.
- Grognet, A., Van Duzer, C. (2002). *Listening Skills in the Workplace*. Spring Inst. for International Studies, Denver, CO.
- Henrichsen, L.E. (1984). Sandhi-variation: A filter of input for learners of ESL. *Language Learning*, 34(3), 103-126.
- Kim, J. (2002). Affective Reactions to Foreign Language Listening Retrospective Interviews with Korean EFL Students. *Language Research* 38, 117-151.
- Kubinger, K. D. (2005). Psychological test calibration using the Rasch model: some critical suggestions on traditional approaches. *International Journal of Testing*, 5(4), 377-394.
- Mair, P., Hatzinger, R., & Mair, M. J. (2014). *ERm: extended Rasch modeling* [Computer software]. R package version 0.15-4. <http://CRAN.R-project.org/package=eRm>.
- McCarthy, J. (2000). Learning to Listen: Teaching an Active Listening Strategy to Preservice Education Professionals. *Topics in Early Childhood Special Education* 27(4), 223-231.
- Morley, J. (1999). Current Perspectives on Improving Aural Comprehension. Retrieved from <http://www.eslmag.com/MorleyAuralStory.htm>.
- Munby, John. (1983). *Communicative Syllabus Design*, Cambridge: CUP.

- Osgood, C. E. (1986). Mondatok megértése és létrehozása. In Cs. Pléh (Ed.), Szöveggyűjtemény a pszicholingvisztika tanulmányozásához (pp.136-168). Budapest: Tankönyvkiadó.
- Pléh, Cs. (1998). A mondatmegértés a Magyar nyelvben. Budapest: Osiris Kiadó.
- R Core Development Team. (2015). R: A language and environment for statistical computing. R Foundation for Statistical Computing, Vienna, Austria.
- Rasch, G. (1960/1980). *Probabilistic models for some intelligence and attainment tests*. Chicago: The University of Chicago Press.
- Rayner, K., & Clifton, Jr. Charles. (2002). In D. Medin (Ed), Stevens' handbook of experimental psychology, memory and cognitive processes. New York: John Wiley & Sons.
- Richards, Jack. C. (1983). Listening Comprehension: Approach, Design, Procedure, TESOL Quarterly, Vol. 17, No. 2, pp. 219-240
- Richards, J. C. & Schmidt, R. (1985). Longman dictionary of language teaching and applied linguistics. New York, NY, USA.
- Rivers, Wilga M. (1976). Speaking in Many Tongues (Expanded 2nd Edition). Rowley, Mass.: Newbury House.
- Rose K. R. & G. Kasper (eds.) (2001). Pragmatics in language teaching. Cambridge: Cambridge University Press.
- Rost, M. (1990). Listening in language learning. Longman: London.
- Rost, M. (2002). Teaching and researching listening. London: Longman.
- Valette, R.M. (1977). Modern language testing (2nd Ed.). New York: Harcourt Brace Jovanovich.
- Willis, J. (1981). Teaching English through English, London: Longman.

نقدی بر ترجمه مدخلی از دانشنامه ایرانیکا

مصطفی حسینی (استادیار زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه بوعلی سینا همدان، همدان، ایران)

mhoseini@basu.ac.ir

چکیده

مقاله حاضر به بررسی ترجمه فارسی یکی از مقالات دانشنامه ایرانیکا تحت عنوان «تأثیر رباعیات عمر خیام بر ادبیات و جامعه غرب» (۲۰۰۸) می‌پردازد که مصطفی صداقت‌رستمی آن را با عنوان «عمر خیام؛ در صحنه ادبی و اجتماعی آن سوی آب‌ها»، ترجمه کرده و در ماهنامه گلستانه، تیرماه ۱۳۹۳، شماره ۱۳۱، ص ۶۷-۶۹ منتشر شده است. متأسفانه خطاهای پُرشمار و متنوعی به این ترجمه راه یافته است که برخی از آن‌ها عبارتند از: ضبط نادرست نام افراد، توجه نکردن به ضبط اشهر عناوین کتاب‌ها، ترجمه نکردن برخی عناوین، ترجمه نادرست برخی جملات و مواردی از این دست. نویسنده حاضر این موارد را در هفت فقره دسته‌بندی و در هر مورد پیشنهاد و توضیحی مناسب عرضه کرده است. این موارد عبارتند از: ۱) تلفظ و ضبط نام‌های فرانسوی، ۲) تلفظ و ضبط نام‌های آلمانی، ۳) تلفظ و ضبط نام‌های انگلیسی، ۴) تلفظ و ضبط نام‌های هلندی، ۵) عناوین ترجمه نشده، ۶) عناوینی که غلط ترجمه شده‌اند و ۷) ترجمه‌های نادرست برخی از جملات. ناگفته نماند که این گونه ترجمه‌های شتاب‌زده مصداق کوشش بی‌فایده است و نه تنها باری از دوش مشتاقان این عرصه بر نمی‌دارد، بلکه می‌تواند مبتدیان و خوانندگانِ نوسفر را نیز به کژراهه بيفکند.

کلیدواژه‌ها: ایرانیکا، ترجمه، عمر خیام، یوس بیخستراتن، مصطفی صداقت‌رستمی.

مقدمه

بی‌هیچ گمان عمر خیام مشهورترین شاعر ادبیات فارسی در مغرب زمین است. این آوازه، از سوئی، مرهون مضامین جاودانه رباعیات اندک‌شمار اوست که در آن به زبانی سخته و بیانی موجز و آهنگین کاری کارستان کرده است و از دیگر سو به دلیل ترجمه شاعرانه و افسونکارانه

ادوارد فیتزجرالد (۱۸۰۹-۱۸۸۳)، شاعر - مترجم انگلیسی. ناگفته پیداست که شعر خیّام به مدد ترجمه منظوم فیتزجرالد جهان غرب را درنوردید. شاید یکی از علل این کامیابی رشک‌انگیز و حُسن قبول بی‌سابقه آئینه‌ای است که او در برابر غربیان نهاد تا آنان تصویر سرگشتگی‌ها و درماندگی‌های خود را به عیان در آن ببینند. تو گوئی خیّام از ذهن و زبان آنان سخن می‌راند، و نه آیا «خوش‌تر آن باشد که سر دلبران/ گفته آید در حدیث دیگران».

به گفته شادروان جواد حدیدی (۱۳۱۱-۱۳۸۱) در کتاب گران‌قدر *از سعدی تا آراگون*، خیّام در اروپا همچون حافظ در ایران است. یکی از کشورهای اروپائی که خیّام در آنجا شهرتی بسزا دارد هلند است. شاعران و مترجمان بزرگی بارها و بارها رباعیات او را از روی ترجمه فیتزجرالد و گاه نسخه‌های فارسی به هلندی ترجمه کرده‌اند. به علاوه، هلندی‌ها، به تبعیت از انگلیسی‌ها و آمریکائی‌ها، در سال ۱۹۹۰ صاحب انجمن عمر خیّام شدند. در کتاب *ارجمند* عمر خیّام بزرگ: پذیرش جهانی رباعیات^۱ (۲۰۱۲) که زیر نظر دکتر علی‌اصغر سیّد غراب، استاد برجسته ادبیات فارسی دانشگاه لیدن هلند، گردآوری شده پنج فصل به جنبه‌های مختلف پذیرش خیّام در هلند اختصاص یافته است.

مثلاً مارکو خود^۲، استاد دانشگاه فرای آمستردام، در جستار «تأثیر عمر خیّام بر ادبیات مدرن هلند» به بررسی پذیرش خیّام در ادبیات مدرن هلند می‌پردازد و به برخی از مترجمان هلندی رباعیات خیّام نظیر کریس فان بالن (۱۹۱۰)، ی. ه. لئوپلد (۱۹۱۱)، پ. ک. بوتنز (۱۹۱۳)، و ویلم دو مروود (۱۹۳۱) و چندین شاعر مشهور دیگر اشاره می‌کند. فان هالسم^۳، استاد دانشگاه فرای آمستردام، در مقاله «حقیقت تلخ: تأثیر خیّام بری. ه. لئوپلد» از تأثیر فلسفه حکیم عمر خیّام بری. ه. لئوپلد شاعر (۱۸۶۵-۱۹۲۵) سخن می‌راند. یوس بیخستراتن^۴، رئیس انجمن عمر خیّام هلند، در فصل «چگونه عمر خیّام بر هنرمندان تجسمی هلندی تأثیر گذاشت؟» اثر چهار هنرمند هلندی ویلم آرون‌دیوز (۱۸۹۴-۱۹۴۳)، خر خرتیس (۱۸۹۳-۱۹۶۵)، سیپ وان دن برگ (۱۹۲۰-۱۹۹۸) و تئو فر (۱۹۲۳-۲۰۰۴) را بررسی می‌کند که از رباعیات خیّام

1. The Great Umar Khayyam: A Global Reception of the Rubáiyát

2. M. Goud

3. J.D.F. van Halsema

4. Jos Biegstraaten

ملهم بودند. روکس دو گروت^۱، استاد دانشگاه آمستردام، در مقاله «میراث عمر خیّام در موسیقی هلند» از واکنش آهنگ‌سازان و تصنیف‌سازان هلندی به رباعیات عمر خیّام ترجمه فیتزجرالد سخن می‌گوید. القصّه، خیام در هلند شاعری نامبردار است.

یکی از خیّام‌پژوهان برجسته هلندی یوس بیخستراتن، رئیس انجمن عمر خیّام هلند، است که صاحب چندین کتاب و مقاله عالمانه در این باب است. برخی از مقالات او که مرجع اهل تحقیق در این حوزه است عبارتند از: ۱. «خیّام متبسم»^۲؛ ۲. «تأثیر رباعیات عمر خیّام بر ادبیات و جامعه غرب»^۳ (دانشنامه ایرانیکا، ۲۰۰۸)؛ ۳. «چگونه عمر خیّام بر هنرمندان تجسمی هلندی تأثیر گذاشت؟»^۴ (در عمر خیّام بزرگ: پذیرش جهانی رباعیات، انتشارات دانشگاه لیدن، ۲۰۱۲). مقاله حاضر به بررسی ترجمه فارسی یکی از مقالات او «تأثیر رباعیات عمر خیّام بر ادبیات و جامعه غرب» (دانشنامه ایرانیکا، ۲۰۰۸) می‌پردازد که مصطفی صداقت‌رستمی (گلستانه، تیرماه ۱۳۹۳، شماره ۱۳۱، ص. ۶۷-۶۹) آن را با عنوان «عمر خیّام؛ در صحنه ادبی و اجتماعی آن سوی آب‌ها»، ترجمه کرده است. یوس بیخستراتن این مقاله موجز را، به سفارش احسان یارشاطر، برای دانشنامه کرامند/ایرانیکا نوشته است. نوشتن مدخل برای دانشنامه کاری دشوار و تخصصی است، مقدمات و اصولی دارد و از عهده هر کسی برنمی‌آید. در زبان‌های غربی برای چنین فردی حتّی واژه‌ای وضع شده است، مثلاً در زبان انگلیسی به چنین فردی encyclopaedist (مدخل‌نویس) می‌گویند. بر همین سیاق، ترجمه مداخل دانشنامه‌ای نیز نیازمند مقدماتی چند است؛ سوخته داند که چیست، پختن سودای خام! و از دیرباز، برای مترجم دو شرط اساسی را ضروری دانسته‌اند. یکی، تسلّط بر زبان مبدأ و مقصد، دیگری، دست به قلم بودن و داشتن «سر سوزن ذوقی». بر این دو، می‌توان آشنائی با حوزه‌ای را که مترجم در آن کار می‌کند نیز افزود.

مترجمی را تصوّر کنید که تاکنون آزمایشگاه شیمی را به چشم ندیده است، هیچگاه لوازمی مانند بشر، ارلن، پیپت، بورت، چراغ الکی، و ... را از نزدیک ندیده، نام انرژی اکتیواسیون،

1. R. de Groot

2. Omar with a Smile; ۳۷-۱. ص. ۲۰۰۵، لوون، ۲۰۰۵.

3. Omar Khayyam Impact on Literature and Society in the West

4. How Omar Khayyām Inspired Dutch Visual Artists

موازنه کردن، اسید، باز، قلیا و جز آن ... به گوشش نخورده است. او چگونه می‌تواند متنی را در زمینه شیمی به فارسی ترجمه کند و به درستی از عهده کار برآید. بر همین سیاق، ترجمه متون ایران‌شناسی نیز محتاج آشنائی با این حوزه است و به صرف داشتن کوره سواد در انگلیسی و فارسی نمی‌توان در این وادی گام نهاد و کاری از پیش بُرد. متأسفانه خطاهای پُرشمار و متنوعی به این ترجمه راه یافته است: ضبطِ نادرست نام افراد، توجه نکردن به ضبط اشهر عناوین کتاب‌ها، ترجمه نکردن برخی عناوین، ترجمه نادرست برخی جملات و غیره. مواردی از این دست را در چند عنوان دسته‌بندی و سپس برای هر مورد پیشنهاد خود را نیز عرضه می‌کنم. تلفظ و ضبط صحیح نام نویسندگان نیازمند مراجعه مترجم به فرهنگ تلفظ نام‌های خاص یا افرادی است که با این زبان‌ها آشنائی دارند. افزون بر آنچه آمد، اگر مترجم در خصوص موضوع ترجمه مطالعه داشته باشد با محققان و عناوین کتاب‌های مرتبط نیز آشنا خواهد شد. فی‌المثل فرد آشنا با حوزه خیام‌پژوهی در کتاب‌های پانزده گفتار استاد فقید مجتبی مینوی (مقاله «گل سرخ نشابور»)، صهبای خرد: شرح احوال و آثار حکیم عمر خیام نیشابوری دکتر مهدی امین‌رضوی و مقاله علی دهباشی («گزارشی از کنفرانس میراث عمر خیام» دانشگاه لیدن دانشگاه کمبریج)» با برخی از این نام‌ها مواجه شده است.

(۱) تلفظ و ضبط نام‌های فرانسوی

نادرست	درست
اف ووپک ^۱	ف. وپکه
جی بی نیکولاس ^۲	ژ. ب. نیکلا
چارلز گرولو ^۳	شارلر گرولو
فرانز توسینت ^۴	فرانتس توسن
کلود آنت ^۵	کلود نه
آرتور گای ^۶	آرتور گی

1. F. Woepcke
2. J. B. Nicolas
3. Charles Grolleau
4. Franz Toussaint
5. Claude Anet
6. Arthur Guy

اسم ف. وپکه و ژ. ب. نیکلا در مقاله «گل سرخ نشابور»، در کتاب *پانزده گفتار* استاد مجتبی مینوی و کتاب *صهبای خرد: شرح احوال و آثار حکیم عمر خیام نیشابوری* دکتر امین‌رضوی آمده است. فرانسویان، در قرن نوزده، نخست رساله‌های ریاضی خیام و سپس اشعار او را کشف کردند. در سال ۱۸۵۱ بود که ف. وپکه چاپی انتقادی از رساله خیام در جبر عرضه و سپس آن را به فرانسه ترجمه کرد. ژ. ب. نیکلا در حوزه خیام و فیتزجرالدپژوهی نامی آشناست. وی در سال ۱۸۶۷ ترجمه‌ای منثور از ۴۶۴ رباعی منسوب به خیام را به فرانسه عرضه کرد. این ترجمه دومین ترجمه فرانسوی رباعیات خیام به‌شمار می‌رود. شایان ذکر است که گارسن دو تاسی (۱۷۹۴-۱۸۷۸)^۱، مستشرق شهیر فرانسوی، برای اولین بار ۱۰ رباعی از خیام را به فرانسه ترجمه کرد که در سال ۱۸۵۷ منتشر شد:

... به دنبال این فتح باب بود که گارسن دو تاسی ترجمه پاره‌ای از رباعیات را به فرانسوی بر عهده گرفت. یک دهه بعد، ژ. ب. نیکلا، که فارسی را در تهران آموخته بود، ترجمه مقدار بیشتری از رباعیات را به فرانسه انجام داد. نیکولا مترجم سفارتخانه فرانسه در تهران بود و در سال ۱۸۶۷ به رباعیاتی که در دربار ایران خوانده می‌شد گوش داد. او از یک متن چاپ سنگی در تهران، که ظاهراً اساس ترجمه جدید فیتزجرالد از ۱۰۱ رباعی قرار گرفت، ترجمه‌ای تحت‌اللفظی کرد. امتیاز این ترجمه نه تنها آن بود که به توسط خاورشناسی کاملاً آشنا با فارسی صورت گرفته بود، بلکه بدین سبب نیز بود که نیکولا با صوفیان ایرانی سده نوزدهم مرتبط و تحت نفوذ آنان قرار گرفته بود. ترجمه تفسیری او به وضوح این گرایش صوفیانه را نشان می‌دهد (امین‌رضوی، ۱۳۸۵، ص. ۳۱۷).

به گفته فیتزجرالد ترجمه نیکلا، با این که تصویری صوفیانه از خیام عرضه می‌کند، اما «برای او یادآور چیزهای بسیاری بود و چیزهایی بدو آموخت» و دیگر بار علاقه او را به عمر خیام برانگیخت.

۱. Garcin de Tassy

(۲) تلفظ و ضبط نام‌های آلمانی

نادرست	درست
جوزف وان همر پورگشتال ^۱	یوزف فُن هامر پورگشتال
فردریش بودنسندت ^۲	فریدریش بودنشتت
گراف آدولف وون شک ^۳	گراف آدولف فون شک
فردریش روزن ^۴	فریدریش روزن
هکتور پرسونی ^۵	هکتور پرکُنی
هنس بسج ^۶	هانس بتگه
کریستی هرنهولد رمپیس ^۷	کریستیان هرنهولد رمپیس
دانشگاه توبینژن ^۸	دانشگاه توبینگن
اس. گیتلمن ^۹	ز. گیتلمان

ضبط نادرست نام یوزف فُن هامر پورگشتال (۱۷۷۴-۱۸۵۶) خطائی نابخشدنی است. علاقه‌مندان حوزه ایران‌شناسی با این دیپلمات اتریشی بلندآوازه و پُرکار و خدمات او به زبان فارسی نیک آشنایند. وی در معرفی ادبیات فارسی به کشورهای آلمانی‌زبان، و توسعاً جامعه ادبی و فرهنگی اروپا، نقش بسزائی داشته است:

در سرآغاز آشنائی اروپائیان با ادبیات مشرق‌زمین شعر و غزل فارسی گسترش به حق و شایسته خود را در غرب، خاصه کشورهای آلمانی‌زبان، بیش از همه وامدار شرق‌شناس قرن نوزدهم اتریش، یوزف فون هامر پورگشتال است (حدادی، ۱۳۸۴، ص. ۳۹). وی کلّ دیوان حافظ را در دو مجلد ترجمه کرد. از گذر همین ترجمه بود که یوهان ولفگانگ فن گوته (۱۷۴۹-۱۸۳۲) با حافظ آشنا شد و «در پختگی و جهان‌دیدگی سرآغاز سال‌های پیری چنان از

1. Joseph von Hammer-Purgstall
2. Friedrich Bodenstedt
3. Graf Adolf von Schack
4. Friedrich Rosen
5. Hector Preconi
6. Hans Bethge
7. Christian Herrnholt Rempis
8. Tübingen University
9. S. Gittleman

این آشنائی سر شوق آمد که تصمیم گرفت . . . دفتر شعری (دیوان غربی — شرقی) به شیوه شاعران شرقی فراهم آورد» (حدادی، ۱۳۸۹، ص. هفت). فُن هامر پورگشتال برای اولین بار در کتاب تاریخ ادبیات فارسی که در سال ۱۸۱۸ در وین منتشر شد برخی از رباعیات خیام را به آلمانی ترجمه کرد. از این رو، وی را باید در شمار اولین مترجمان خیام به زبان آلمانی دانست. کتاب تاریخ ادبیات فارسی مشتمل بر آثاری از دویست شاعر ایرانی مانند رودکی، فردوسی، خیام، سنائی، سعدی، حافظ، مولوی و ... به همراه گزارشی مختصر از شرح حال آنهاست. این کتاب به احتمال قوی، بر اساس تذکره الشعراء دولتشاه سمرقندی ترجمه و تألیف شده است. افزون بر این‌ها، ورود قالب غزل فارسی به شعر آلمانی نیز، البته به طور غیرمستقیم، از رهگذر هامر پورگشتال بود:

فریدریش روکرت (۱۷۸۸-۱۸۶۶)، دیگر شاعر آلمانی هم که علاوه بر سرایندگی، مترجمی برجسته و پرکار بود، باز پس از ملاقات با این شرق‌شناس کوشا در وین در سال ۱۸۱۹م. با غزل‌های دیوان شمس آشنا شد و به ترجمه و اقتباس از آن‌ها پرداخت و به این ترتیب قالب غزل را به عرصه ادب آلمان اضافه نمود (حدادی، ۱۳۸۴، ص. ۴۰).

۳) تلفظ و ضبط نام‌های انگلیسی

نادرست	درست
سر گور اوسلی ^۱	سر گور اوزلی
برنارد کواریچ ^۲	برنارد کواریچ
دانته گابریل روستی ^۳	دانته گبریل رزتی
ادموند گوس ^۴	ادموند گاس
آلدوس هاکزلی ^۵	آلدوس هاکسلی
آرتور کنان دوئل ^۶	آرتور کانن دوئل
جی دی یوهنان ^۷	ج. د. یوحنا

1. Sir Gore Ouseley
2. Bernard Quaritch
3. Dante Gabriel Rossetti
4. Edmund Gosse
5. Aldous Huxley
6. Arthur Conan Doyle
- 7 J. D. Yohannan

ضبطِ نادرست برخی نام‌های خاص انگلیسی مایهٔ شگفتی است: (۱) سر گور اوزلی (۱۷۷۰-۱۸۴۴). اوزلی باعث و بانی آشنائی ادوارد بایلز کاول^۱، معلم فارسی ادوارد فیتزجرالد، با عمر خیّام و رباعیاتش شد. داستان از این قرار است: سر گور اوزلی در زمان پادشاهی جرج سوّم سفیر بریتانیا در ایران بود. او طی سال‌های خدمت خود در ایران به‌خاطر علائق شخصی شماری اشیای قیمتی و نسخه‌های خطی از کتابخانه‌های مختلف ایران گردآوری کرد. اوزلی پس از اتمام مأموریت و بازگشتش به انگلستان مجموعهٔ خود را به دانشگاه آکسفورد اهدا کرد که بخشی از کتابخانهٔ بادلین آکسفورد شد. از قضا کاول در این ایّام (احتمالاً دههٔ ۱۸۴۰) در دانشگاه آکسفورد نسخه‌های خطی فارسی را برای کتابخانهٔ بادلیان فهرست‌نویسی می‌کرد، در آنجا بود که او به گنجینهٔ اهدائی سر گور اوزلی برخورد کرد. در میان این گنجینه مجلّدی از رباعیات خیّام نیز وجود داشت که در سال ۸۶۵ هجری در شیراز کتابت شده بود و مشتمل بر رباعی ۱۵۸ بود. کاول در سال ۱۸۵۶ مجلّدی از این نسخه را که به خط خود رونویسی کرده بود به ادوارد فیتزجرالد هدیه داد و موجب آشنائی او با رباعیات خیّام شد. افزون بر این، سر گور اوزلی در کتاب *احوال و آثار شاعران پارسی*^۲ که در سال ۱۸۴۶ پس از مرگش منتشر شد نیز چند رباعی از خیّام را به انگلیسی ترجمه کرد. (۲) ادموند گاس (۱۸۴۹-۱۹۲۸). سال‌ها پیش منوچهر امیری، یکی از مترجمان فقید پیشکسوت، منظومهٔ بلند او، فردوسی در تبعید، را در مجلهٔ وزینِ یغما معرفی کرد. (رک. یغما، سال بیست و هشتم، مهر ۱۳۵۴، شمارهٔ ۷ (پیاپی ۳۲۵)). این منظومه چند سال بعد با عنوان فردوسی در تبعید در قالب کتاب منتشر شد.^۳

آلدوس هاکسلی (۱۸۹۴-۱۹۶۳). دکتر سعید حمیدیان، استاد ادبیات فارسی، رمان علمی-تخیلی هاکسلی، *دنیای قشنگ نو*، را سال‌ها پیش ترجمه کرده است. این اثر هاکسلی حتّی به چاپ سوّم هم رسیده است (رک. هاکسلی، آلدوس. *دنیای قشنگ نو*. ترجمهٔ سعید حمیدیان). گفتنی است که هاکسلی در سال ۱۹۵۸ تکمله‌ای بر این اثر، در قالب مقاله‌ای، نوشت. طُرفه

1. Edward Byles Cowell

2. Biographical Notices of Persian Poets

۳. گاس. ا. (۱۳۶۱). فردوسی در تبعید. ترجمهٔ منوچهر امیری.

4. Brave New World

اینکه ابوالقاسم جزایری این مقاله را با عنوان «نگاهی دوباره از دنیای قشنگ نو»^۱ به فارسی ترجمه کرده است. ۴) آرتور کنان دوپل (۱۸۵۹-۱۹۳۰). بسیاری از آثار کانن دوپل به فارسی ترجمه شده و در میان پلیسی‌نویسانی که آثارشان به فارسی ترجمه شده دوپل نویسنده شناخته‌شده‌ای است. یکی از مترجمان دوپل زنده‌یاد کریم امامی، مترجم و ویراستاری دقیق‌النظر، بود (مثلاً، نک. *ماجرای شرلوک هولمز، کارآگاه خصوصی*، اثر سر آرتور کانن دوپل، ۴ ج، تهران: طرح نو ۱۳۷۷-۱۳۷۲). ۵) ج. د. یوحنان (۱۹۱۰-۱۹۹۷). کتاب معروف او *شعر پارسی در انگلستان و آمریکا* به فارسی ترجمه شده است. موضوع این اثر بررسی نفوذ و تأثیر شعر فارسی بر ادبیات انگلستان و آمریکا در قرن‌های هجده و نوزده است:

جان دیوید یوحنان در دیلمان ایران به دنیا آمد. خانواده او تا سال ۱۹۱۸، که پدرش درگذشت، در ایران اقامت داشتند. پس از مرگ پدر، در سال ۱۸۱۹ او به همراه مادر و دو خواهرش (لوئیز و هلن) به آمریکا کوچیدند. یوحنان شیفته فرهنگ و ادبیات ایران، به ویژه شعر فارسی، بود. او در اقدامی جالب کتاب *شعر پارسی در انگلستان و آمریکا* را با این عبارت می‌آغازد: «به ایران، زادگاهم». یوحنان به به دلیل دلبستگی‌اش به شعر فارسی تحصیلات دانشگاهیش را به مطالعه شعر فارسی و تأثیر آن بر شعر و ادب انگلستان و آمریکا اختصاص داد. این امر به خوبی از عناوین رساله کارشناسی ارشد و دکترای او مشهود است. او از رساله کارشناسی ارشدش *حافظ، شاعر ایرانی، در انگلستان و آمریکا* در سال ۱۹۳۹ در دانشگاه بریتیش کلمبیا، و از رساله دکتریش *شعر فارسی در انگلستان تا رباعیات عمر خیام* در دانشگاه نیویورک در سال ۱۹۴۷ دفاع کرد (حسینی، ۱۳۹۴، ص. ۲۵۲).

۴) تلفظ و ضبط نام‌های هلندی

نادرست	درست
جوس بیگستراتن ^۲	یوس بیخستراتن
انتشارات اولان ^۳	انتشارات آوالن

1. Brave New World Revisited
2. Jos Biegstraaten
3. Avalon Pers

۵) عناوین ترجمه نشده

در داخل متن سه عنوان آلمانی وجود دارد که ترجمه نشده و به همان شکل آلمانی به خواننده فارسی زبان عرضه شده است. بدیهی است که مترجم کتاب یا مقاله را برای کسانی ترجمه می‌کند که بدان زبان آشنائی و یا مجال مراجعه به آن زبان را ندارند. از این رو، در متن ترجمه‌شده نباید لغت، اصطلاح یا عبارتی به زبان مبدأ وجود داشته باشد. اگر نویسنده الفاظ و عباراتی از دیگر زبان‌ها، غیر از زبان مبدأ را به کار برده است مترجم باید بکوشد به کمک متخصصان آن‌ها را به زبان مقصد ترجمه کند. ترجمه سه عنوان آلمانی ترجمه‌نشده به ترتیب عبارت است از: **الف)** گنجینه‌های مشرق‌زمین (*مخزن الكنوز الشرقيه*)^۱، **ب)** عمر خیام و رباعیاتش^۲، **ج)** انتشارات انجمن عمر خیام آلمان^۳. شایان ذکر است که مجله گنجینه‌های مشرق‌زمین یا *مخزن الكنوز شرقیه* نخستین نشریه علمی شرق‌شناسی به زبان آلمانی است که یوزف فن هامر پورگشتال «پیشاهنگ شرق‌شناسی در کشورهای آلمانی‌زبان» آن را راه‌اندازی کرد. وی بیش از نه سال سرپرستی و سردبیری این مجله شرق‌شناسی را که در کنار ترجمه دیوان حافظ در کارنامه علمی او مقامی جداگانه دارد، به عهده داشت:

یک خان بزرگ لهستانی به نام گراف رتسوکی به سبب گرایش و محبت عمیق خود به ادبیات شرق، پذیرفت که هامر با حمایت مالی او یک مجله شرق‌شناسی با اعتبار بین‌المللی تأسیس کند. این مجله فوندگروین از سال ۱۸۰۹ تا ۱۸۱۶ م. کانونی پویا و انگیزه‌بخش برای همکاری بسیاری از شرق‌شناسان بزرگ آن زمان در سطح اروپا بود و برای نمود بخشیدن به جنبه جهانی‌اش، عنوان سه‌زبانه داشت که عربی آن از این قرار است: *مخزن الكنوز الشرقيه و معدن الرموز الاجنبیه*. (حدادی، ۱۳۸۴، ص. ۴۳).

۶) عناوینی که غلط ترجمه شده‌اند

۱) «عمر خیام در صحنه ادبی و اجتماعی آن سوی آب‌ها»^۴. بدیهی است که دست مترجم در ترجمه عناوین اندکی بازتر است. اما در ترجمه عناوین آثار پژوهشی (اعم از کتاب، رساله

1. Fundgruben des Orients/Mines d'Orient

2. Omar Chajjam und seine Vierzeiler

3. Verlag der Deutschen Omar Chajjám-Gesellschaft

4. Omar Khayyam Impact on Literature and Society in the West

و مقاله) آزادی عمل مترجم به اندازه ترجمه عناوین آثار ادبی (شعر، رمان، نمایش نامه، داستان کوتاه) نیست. به نظر بهتر است عنوان این مقاله را «تأثیر رباعیات عمر خیّام بر ادبیات و جامعه غرب» ترجمه کنیم که رسا و گویاست و نیازی به افزودن چاشنی رماتیک هم ندارد.

۲) تاریخ دین کهن ایرانی^۱. عنوان کتاب غلط ترجمه شده، ترجمه درست آن چنین است: تاریخ ادیان پارسی، پهلوی، و مادی قدیم (۱۷۰۰). چنانکه در مقاله بیخستراتن ذکر شده سر تامس هاید (۱۶۳۶-۱۷۰۳)، مستشرق انگلیسی، اولین پژوهشگر غربی بود که درباره خیّام تحقیق و مطالعه کرد. هاید در کتابش نه تنها بخش موجزی را به زندگی و آثار علمی خیّام اختصاص داد، بلکه یک رباعی منسوب به او را هم به لاتین ترجمه کرد. و آن رباعی این است:

ای سوخته سوخته سوختنی / وی آتش دوزخ ز تو افروختنی

تا کی گویی که بر عُمر رحمت کن / حق را تو که بی به رحمت آموختنی

شایان ذکر است که سر تامس هاید در ضمیمه کتاب مذکور صفحه ۴۹۹ حکایتی را نقل می‌کند که نظامی عروضی سمرقندی در مقالت سوّم چهار مقاله (۵۵۱ ق.) درباره خیّام آورده است. بعدها ادوارد بایلز کاول، معلّم فارسی فیتزجرالد، این حکایت را در مقاله معروفش، «عمر خیّام منجم شاعر ایرانی»، نقل کرد و از این رهگذر وارد مقدمه فیتزجرالد بر ترجمه معروفش (۱۸۵۹) شد و پس از او در سطحی وسیع به دنیای ادبی غرب راه پیدا کرد.

۳) نقد و بررسی آمریکای شمالی^۲. عنوان مجله غلط ترجمه شده و ترجمه درست آن این است: مجله آمریکای شمالی. کلمه «ریویو» در این عبارت به معنی نقد و بررسی نیست بلکه مراد مجله‌ای است که به نقد و بررسی کتاب و مقالات می‌پردازد (نک. معنای سوّم این واژه در فرهنگ مرین وبستر^۳).

سردبیر مجله آمریکای شمالی چارلز الیت نورتن، استاد هنرهای زیبای دانشگاه هاروارد، بود. نورتن اولین مروج رباعیات عمر خیّام ترجمه ادوارد فیتزجرالد در آمریکا محسوب می‌شود. وی در اکتبر سال ۱۸۶۹ در مجله آمریکای شمالی اثر فیتزجرالد را نقد و معرفی کرد.

1. Historia religionis veterum Persarum eorumque magorum

2. North American Review

3. a magazine filled mostly with reviews and articles that describe the writer's thoughts or opinions about a subject.

نورتن ایجاز و قدرت بیان، استحکام لفظ و معنا، آهنگ و موسیقی این ترجمه را سخت ستود و از تطابق آن با روح زمانه در شگفت بود:

حیرت‌آور است که افکار و عواطف شاعر ایرانی اینقدر به افکار و عواطف امروز ما نزدیک است. از این رو، این شعر در کسوت انگلیسی‌اش بیانگر اولین و آخرین تحیر و تردید نسلی است که ما خود بدان تعلق داریم. احتمالاً در میان انبوه ترجمه‌ها یا اقتباس‌های انگلیسی از شعر شرق ترجمه‌ای وجود ندارد که بتواند با این مُجلّد موجز پهلوی بزند. شیوائی و پیراستگی این ترجمه، فصاحت لفظ و بلاغت معنا با قدرت تخیل و نیروی معنوی کاملاً مطابقت دارد (نورتن، ۱۸۶۹، ص. ۵۷۶).

به اعتقاد چارلز الیت نورتن استعداد شاعرانه مترجم اثری هنری عرضه کرد که در عین وفاداری نسبی به متن اصلی، می‌تواند به عنوان اثری مستقل روی پای خود بایستد. بنابراین، او (فیتزجرالد) را باید «مترجم» نامید فقط به این علت که لفظ دیگری نمی‌توان یافت. او روح شاعرانه را از یک زبان به زبانی دیگر درآورده و به قالب تازه‌ای منتقل کرده که یکسره با قالب سابق آن متفاوت نیست. به علاوه آن را با مقتضیات زمانی، مکانی، عادات، و رویه فکری بافت جدید سازگار کرده است. به احتمال قوی در میان انبوه ترجمه‌ها یا اقتباس‌های انگلیسی از شعر شرق ترجمه‌ای وجود ندارد که بتواند با این مجلد موجز پهلوی بزند. رباعیات عمر خیّام کار یک شاعر است که ملهم از شاعر دیگری است؛ تقلیدی از آن نیست، بلکه بازسازی آن است؛ ترجمه نیست، بلکه بازآفرینی یک الهام شاعرانه است (نورتن، ۱۸۶۹، ص. ۵۷۶).

۴) *الیوت تسخیرشده*^۱. ترجمه عنوان، دقیق و مناسب نیست. این کتاب درباره برخورد ت. س. الیوت، شاعر و منتقد نامدار آمریکائی انگلیسی، با رباعیات خیّام در ادوار مختلف زندگی‌اش است. اولین برخورد ت. س. الیوت با رباعیات خیّام در چهارده سالگی بود که شدیداً بر او تأثیر نهاد و به وادی شعر و شاعری‌اش کشانید:

به‌روشنی لحظه‌ای را به خاطر می‌آورم که، در چهارده سالگی یا همین حدودها، برحسب اتفاق نسخه‌ای از رباعیات خیّام، ترجمه ادوارد فیتزجرالد را که جایی افتاده بود برداشتم و از رهگذر آن با عالم تازه‌ای از عاطفه و احساس سخت آشنا شدم. حالت من در آن لحظه به تغییر

1. Eliot Possessed

ناگهانی دین و آئین می‌مانست؛ دنیا به نظرم دنیای جدیدی می‌آمد، که با رنگ‌های شاد، دلپذیر ولی رنج‌آور رنگ شده بود (امین‌رضوی، ۱۳۸۵، ص. ۲۹۸).

شاید *الیوت مجنون* یا *جن‌زده* عنوان دقیق‌تری باشد، زیرا واژه *possessed* به معنی جن‌زده است. مجنون هم در اصل به معنی جن‌زده است که به مرور زمان توسع معنایی (دیوانه) پیدا کرده است. گفتنی است که عنوان رمان داستایوسکی به انگلیسی *The Possessed* ترجمه شده است. ترجمه اخیر این رمان به قلم سروش حبیبی با عنوان شیاطین (جن‌زدگان) روانه بازار نشر شده است.

۵) *شرابِ حکمت*^۱. ترجمه عنوان درست است، اما مشکل اینجاست که مترجم به ضبط مشهورتر آن توجهی نکرده یا از آن بی‌خبر بوده است. *مجدالدین کیوانی*، استاد پیشکسوت زبان‌شناسی، عنوان زیبای *صهبای خرد: شرح احوال و آثار حکیم عمر خیام نیشابوری* بر آن نهاده و انتشارت سخن، ناشری معتبر، آن را به روشنای نشر رسانده است (نک. امین‌رضوی (۱۳۷۸)). وانگهی، این کتاب به چاپ دوم هم رسیده است.

۶) *ماجرای عاشقانه رباعیات*^۲. ترجمه عنوان این اثر نادقیق است. شاید بهتر باشد آن را *سرگذشت رباعیات* ترجمه کنیم. واژه *Romance* به معنی داستان، هوسنامه و عشقنامه است که مجازاً سرگذشت نیز معنا می‌دهد. آ. ج. آربری، مستشرق آوازه‌مند بریتانیایی، در این کتاب بر آن است تا سیر فراز و فرود ردّ و قبول رباعیات عمر خیام ترجمه فیتزجرالد را بررسی کند:

در این اوراق برآنم تا تاریخچه رباعیات را بررسی کنم. از تابستان ۱۸۵۶ که کاول اولین بار فیتزجرالد را با خیام آشنا کرد، تا بهار ۱۸۵۹ و پا نهادن شعر او به جهان؛ بی‌آن‌که توجه کسی را برانگیزد. این داستان پیش‌تر گفته شده است، اما نه با این جزئیات یا با این درجه از اعتبار و دقت؛ از برخی از نامه‌ها که تا کنون منتشر نشده، یا برخی نسخه‌های دست‌نویس که از آن‌ها به طور ناقص استفاده شده، برای اولین بار بهره برده‌ام. بنابراین امکان پیگیری تدریجی روند پیشرفت فیتزجرالد در بزرگ‌ترین اثرش، فراهم شده است تا شاهد پیدایش و زایش بهترین و مشهورترین ترجمه‌ای باشیم که تا کنون انجام شده است (آربری، ۱۹۵۷، ص. ۱۳).

1. The Wine of Wisdom

2. The Romance of the Rubáiyát

(۷) شعر پارسی در انگلستان و آمریکا^۱. ترجمه عنوان درست است، اما مشکل اینجاست که مترجم باز هم به ضبط اشهر توجهی نکرده یا از آن بی خبر بوده است. احمد تمیم‌داری، استاد پیشکسوت ادبیات فارسی، این کتاب را با عنوان گستره شعر فارسی در انگلستان و آمریکا ترجمه کرده است (رک. یوحنا، ج. د. (۱۳۸۵). گستره شعر فارسی در انگلستان و آمریکا، تحقیق و ترجمه احمد تمیم‌داری).

(۷) ترجمه‌های نادرست

فهرست خطاها و لغزش‌های این بخش را می‌توان بیش از این ادامه داد، اما به دلیل خارج بودن آن از حوصله گفتار حاضر و بیم اطناب، از آن چشم می‌پوشیم و به مشتی از خروار بسنده می‌کنیم. در این بخش ابتدا متن انگلیسی، سپس ترجمه فارسی مترجم و آنگاه ترجمه پیشنهادی خود را آورده‌ام. گفتنی است که جملات پیشنهادی صرفاً برای بیان معنی درست جملات انگلیسی است نه ترجمه نهائی آن‌ها.

1. The writer, Edward FitzGerald (1809-83) had 250 copies printed anonymously.

(۱) ادوارد فیتزجرالد نویسنده (۱۸۰۹-۱۸۸۳) به‌طور ناشناس از این نسخه‌ای که خود ترجمه کرده بود ۲۵۰ کپی گرفت.

ادوارد فیتزجرالد (۱۸۰۹-۱۸۸۳)، مترجم کتاب، از کواریچ خواست که ۲۵۰ نسخه از آن را بی‌نام چاپ کند.

2. In 1861 the booklet ended up in Quaritch's remainder box.

(۲) این نسخه خیام در سال ۱۸۶۱ تبدیل به یک کتاب باد کرده شد (ص. ۶۷)

در سال ۱۸۶۱ این کتابچه از جعبه کتاب‌های حراجی سر درآورد.

3. Eminent men of letters . . . had borrowed FitzGerald's quatrains in order to turn them into parodies

(۳) ادبای مشهوری همچون ... از رباعیات اقتباس کردند تا آن‌ها را تبدیل به هجو کنند

(ص. ۶۸)

ادبای برجسته‌ای مانند ... رباعیات فیتزجرالد را اخذ کردند تا بر آن نقیضه‌ای بسرایند.

4. And an endless stream of editions and translations was to follow in the years after 1929.

(۴) و در سال‌های پس از ۱۹۲۹ جریان بی‌پایانی از ویراست‌ها و ترجمه‌ها جاری گشت.

موج بی‌پایان چاپ‌ها و ترجمه‌ها در سال‌های بعد از ۱۹۲۹ نیز همچنان ادامه داشت.

5. Freethinkers, pictorial artists, composers, choreographers and poets all over the world were inspired by his work.

(۵) آزاداندیشان، هنرمندان مجلات مصور، تصنیف‌سازان، رقص‌پردازان و شاعران سراسر

دنیا از اثر عمر خیام الهام گرفته‌اند.

آزاداندیشان، طراحان، آهنگ‌سازان، خطاطان، و شاعران سراسر جهان از رباعیات خیام

ملهم بودند.

حاصل سخن اینکه، ترجمه کاری است سترگ و از عهده آن برآمدن بایسته مهارت بسیار. کوشندگان این راه پُرسنگ‌گلاخ، به اقتضای نامداران و داعیه‌داران این عرصه، باید به تائی در آن گام نهند و سختی‌ها را به جان بخرند تا در نهایت به سبک و زبان یگانه خویش دست یازند. این گونه ترجمه‌های شتابزده راهی به دهی نیست و مصداق عرض خود بردن و زحمت دیگران داشتن است؛ زیرا نه تنها باری از دوش مشتاقان این عرصه بر نمی‌دارد، بلکه می‌تواند مبتدیان و خوانندگان نوسفر را نیز به کژراهه بيفکند.

کتابنامه

امین‌رضوی، م. (۱۳۸۷). صهبای خرد: شرح احوال و آثار حکیم عمر خیام نیشابوری. ترجمه دکتر مجدالدین کیوانی. تهران: سخن.

حدادی، م. (۱۳۸۴). ژرف فون هامر پورگشتال. در آئینه آب. به کوشش بهمن نامور مطلق. تهران: همشهری، ص. ۳۹-۵۳.

حدادی، م. (۱۳۸۹). دیدار غرب و شرق در هجرت گوته: دیوان گوته از نگاه میان فرهنگی. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

حسینی، م. (۱۳۹۴). شعر فارسی در انگلستان و آمریکا: تاریخ دوپست‌ساله. ادبیات تطبیقی (فرهنگستان زبان و ادب فارسی)، ۱۲، ۲۵۸-۲۵۰.

دهباشی، ع. (۱۳۸۸). گزارش کنفرانس میراث عمر خیّام (دانشگاه لیدن، دانشگاه کمبریج).
بخارا، ۷۱، ۳۱۷-۳۵۱.
ساجدی، ط. (۱۳۸۶). شرح حال و آثار ژوزف فن هامر پورگشتال. *نامه فرهنگستان*، ۳۳، ۱۴۹-۱۵۷.

مینوی، م. (۱۳۸۳). *پانزده گفتار*. تهران: طوس.

Aminrazavi, M. (2005). *The Wine of Wisdom: the Life, Poetry and Philosophy of Omar Khayyam*. Oxford: Oneworld Publications.

Arberry, A. J. (1959). *The Romance of the Rubaiyat*. New York: The Macmillan Company.

Biegstraaten, J. (2015). "Omar Khayyam's Impact on Literature and Society in the West." *Encyclopædia Iranica* online edition, 2008, available at < <http://www.iranicaonline.org/articles/khayyam-xi>.> (accessed on 26 Jun. 2015).

Norton, C. E. (1869). "Les Quatrains de Khèyam, traduits du Persan by J. B. Nicolas; Rubáiyát of Omar Khayyám, the Astronomer-Poet of Persia." *The North American Review* 109. 225 (1869): 565-584.

Seyed-Gohrab, A (2012). ed. *The Great Umar Khayyam: A Global Reception of the Rubáiyát*, Leiden University Press.

English Language Teachers' and Learners' Conceptions about the Role of Time in Iran's Education and Culture

Elham Naji Meidani

**PhD Candidate in Teaching English as a Foreign Language English Department,
Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran**

Reza Pishghadam¹

Professor of Language Education, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Behzad Ghonsooly

Professor of Applied Linguistics, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Azar Hosseini Fatemi

**Associate Professor of Teaching English as a Foreign Language, Ferdowsi University
of Mashhad, Mashhad, Iran**

Received: 18 January 2016

Accepted: 15 February 2016

Extended Abstract

1. Introduction

In our age of speed and communication, time plays an important role in all dimensions of our lives. Globalization, which has brought about intensity of human relations, has raised the value of time. Time is a complex concept which has developed a specific meaning in every culture and society. People's conceptions about time have such high significance that some perceive them as the type of culture those people live in. Levine (1997) contended that a culture's basic value system can be reflected in its norms and beliefs about time; thereby time is considered a social construct.

English language teachers and learners deal with English culture, in which time is highly valued. Using Bourdieu's (1984) terms, they are in a "field" in which time and punctuality are important, and which being punctual can turn into a "habitus". Therefore, it is assumed that because of their familiarity with English culture, these two groups may have different conceptions towards time and a critical view towards how time is managed in the Iranian society and the educational system.

2. Methodology

To collect the required data, face-to-face semi-structured interviews were conducted in Persian. The interviews were all conducted in language institutes. The number of participants was not set a priori and with 8 language teachers and 10 language

¹ Corresponding Author: pishghadam@um.ac.ir

learners saturation point was gained. The language teachers and learners were all teaching and learning at English language institutes in Mashhad, respectively. A set of eight questions was designed regarding the participants' sociological conceptions of time. The first five items were broad, general questions, and the researcher added complementary questions in the course of the interview. The last three questions consisted of three hypothesized scenarios based on White, Valk, and Dialmy's (2011) study, in which the interviewees were asked how late each person in the scenario can come late. The social relationships in three situations were designed based on Scollon and Scollon (2001). Therefore, three relationships were taken into account: deference, solidarity, and hierarchy.

3. Results

Overall, the findings revealed that both teachers and learners are dissatisfied with time management in the educational system and everyday culture and they themselves have not been influenced by English culture's punctuality. The themes extracted from the interviews were the following: lack of adequate attention to time in the educational system, high potentiality for waste of time in language classes, a passive attitude towards time in Iranian culture and society, having the right to be late based on social relationships, thinking about the future and not the present, and not being influenced by western culture's punctuality.

4. Discussion

Due to their particular characteristics, English language classes have a different environment from other classes. Examples of these characteristics include: discussing various topics, doing group work, and having a friendly and fun environment (see Pishghadam, Zabihi, & Shayesteh, 2015). The aforementioned features increase the level of subjectivity in English language teaching (ELT) classes and learners try to present their ideas and opinions. They certainly do have many advantages for learners and can increase their creativity, emotional intelligence, willingness to communicate, and social skills. However, if management is not properly done, these positive points can lead to a waste of time in the classroom. Some learners' over talking lead to feelings of dissatisfaction in the others and decreases the efficiency of the class. The other issue mentioned in the interviews was error correction. What seems important is that error correction should not take up too much of classtime.

A particular aspect of English language classes is the comparison of learners' home culture with the target culture. Unfortunately, past research has revealed that this point often brings about deculturation in learners and even teachers (Pishghadam & Navari, 2009; Pishghadam & Saboori, 2011; Rahimi, 2011; Shahasavandi, Ghonsooly, & Kamyabi, 2010). It appears that learners and teachers pay attention to the negative aspects of Western culture and become influenced by it, but they do not show much interest in the positive aspects, such as punctuality and time management. The results revealed that in two types of relationship lateness was

considered acceptable, namely, solidarity and hierarchy. In case of solidarity, the close relationship that exists between the two sides allows for the tolerance of unpunctuality. This can be explained by the fact the Iran is a high-context culture (Hofstede, 1986). Similarly, the hierarchical context allows for acceptance of unpunctuality of the superior by the inferiors.

A contradiction found in the results is that although the interviewees showed dissatisfaction towards the delay of instructors in appointments, when they were put in the hypothetical scenario and asked about how late a university instructor can come, they mentioned long periods. This point demonstrates that in our society, the cultural aspect can be more favored than the moral or reasonable aspect.

As the findings of the interviews revealed, the basis of inadequate attention to time is culture. Time is an important concept in the field of language learning with many applications. Since learning English has become a necessity nowadays, there is a need for speed in learning to reach the required credits as soon as possible. Therefore, more research should be done in line with this study.

Keywords: Conceptions, Time, Educational system, Culture, Interview.

References (In Persian)

Pishghadam, R., Tabatabaeyan, M. S., & Navari, S. (2013). *A critical and practical analysis of first language acquisition theories: The origin and development*. Iran, Mashhad: Ferdowsi University of Mashhad Publications.

References (In English)

- Ali, A. J., & Amirshahi, M. (2002). The Iranian manager: Work values and orientation. *Journal of Business Ethic*, 40, 133-143.
- Alves, B. (1997). *Information about rubber time*. Retrieved from <http://www2.hmc.edu/~alves/rubber.html>.
- Bemong, N. (2006). Chronotopes in the 19th-century Belgian historical novel: The case of Joseph Ronsse's Arnold Van Schoorisse. *Dutch Crossing*, 30(2), 276-294.
- Billing T.K., Bhagat, R.S., Lammell, A., Leonard, K.M., Ford, D.L., Brew, F.,... Kuo, B. (2004). *Temporal orientation and its relationships with organizationally valued outcomes: Results from a 14 country investigation*. Retrieved from www.iaccp.org/sites/default/files/spetses_pdf/23_Billing.pdf
- Bourdieu, P. (1984). *Distinction: A social critique of the judgment of taste*. London: Routledge.
- Brislin, R. W., & Kim, E. S. (2003). Cultural diversity in people's understandings and uses of time. *Applied Psychology: An International Review*, 52, 363-382.

- Brown, R., & Renshaw, P. (2006). Positioning students as actors and authors: A choronotopic analysis of collaborative learning activities' in mind. *Culture and Activity*, 13(3), 247-259.
- Carrasco, C., & Dominguez, M. (2015). Measured time, perceived time: A gender bias. *Time & Society*, 24(3), 1-22.
- Chastain, K. (1988). *Developing second language skills: Theory and practice* (3rd ed.). USA: Harcourt Brace Jovanovich.
- Clemens, J. K., & Dalrymple, S. (2005). *Time mastery: How temporal intelligence will make you a stronger, more effective leader*. New York: Amacom Books.
- Crossley, S. (2007). A chronotopic approach to genre analysis: An exploratory study. *English for Specific Purposes*, 26, 4-24.
- Dornyei, Z. (2007). *Research methods in applied linguistics*. Oxford: Oxford University Press.
- Douglas, M. (1973). *Natural symbols: Explorations in cosmology*. London: Barrie and Jenkins.
- Doyle, A., & Francis-Smythe, J. A. (2009, May) *Temporal intelligence and time management*. Paper presented in 14th Congress of the European Association of Work and Organizational Psychology, Spain.
- Eslami-Rasekh, A., Tavakoli, M., & Abdolrezapour, P. (2010). Certainty and conventional indirectness in Persian and American request forms. *The Social Sciences*, 5(4), 332-339.
- Epstein, J. (1977). *Along the gringo trail*. Berkeley, CA: And/Or Press.
- Fairclough, N. (1989). *Language and power*. London: Longman.
- Francis-Smythe, J., & Robertson, I. (1999). Time-related individual differences. *Time & Society*, 8(2), 273-292.
- Greenstein, T. (1996). Gender ideology and perceptions of the fairness of the division of household labor: Effects on marital quality. *Social Forces*, 74(3), 1029-1042.
- Hendrickson, J. (1978). Error correction in foreign language teaching: Recent theory, research, and practice. *The Modern Language Journal*, 62, 387-398.
- Hofstede, G. (1980). *Culture's consequences: International differences in work-related values*. Beverly Hills, CA: Sage.
- Hopkins, J. C. (2006, July 12). "Indian time" irritates committee members. *The Gallup Independent*. Retrieved from <http://gallupindependent.com/2006/july/071206ndntm.html>
- Javidan, M., & Dastmalchian, A. (2003). Culture and leadership in Iran: The land of individual achievers, strong family ties and powerful elite. *Academy of Management Executive*, 17(4), 127-142.
- Levine, R. (1997). *A geography of time: The temporal misadventures of a social psychologist*. New York, NY: Basic Books.
- McGrath, J. E., & Tschan, F. (2004). *Temporal matters in social psychology: Examining the role of time in the lives of groups and individuals*. Washington, DC: American Psychological Association.
- Nieto, S. (2010). *Language, culture and teaching* (2nd Ed.). London: Routledge.

- Pedersen, A. R. (2009). Moving away from chronological time: Introducing the shadows of time and chronotopes as new understandings of 'narrative time'. *Organization*, 16(3), 389-406.
- Pishghadam, R. (2011). Introducing applied ELT as a new approach in second/foreign language studies. *Iranian EFL Journal*, 7(2), 8-14.
- Pishghadam, R., & Navari, S. (2009, May). *Cultural literacy in language learning: Enrichment or derichment*. Paper presented in International Conference on Languages, Penang Island, Malaysia.
- Pishghadam, R., & Saboori, S. (2011a). A chronotopic analysis of cover letters in Persian and English. *Cross-Cultural Communication*, 7(3), 116-125.
- Pishghadam, R., & Saboori, F. (2011b). A qualitative analysis of ELT in the language institutes of Iran in the light of the theory of 'World Englishes'. *Journal of Language Teaching and Research*, 2, 569-579.
- Pishghadam, R., Zabihi, R., & Shayesteh, S. (2015). *Applied ELT: A movement beyond applied linguistics*. Mashhad, Iran: Khate Sefid.
- Rahimi, F. (2011). The thorny issue of teacher development in Iran: An utter fiasco or an alternative function? *World Applied Sciences Journal*, 13(6), 1380-1386.
- Schryer, C. F. (1999). Genre time/space: Chronotopic strategies in the experimental article. *Journal of Advanced Composition*, 19(1), 81-89.
- Schryer, C. F. (2002). Genre and power: A chronotopic analysis. In R. Coe, L. Lingard, & T. Teslenko (Eds.), *the rhetoric and ideology of genre* (pp. 73-102). Cresskill, NJ: Hampton Press.
- Scollon, R., & Scollon, S. (2001). *Intercultural communication* (2nd ed.). Maiden, MA: Blackwell Publishers.
- Shahsavandi, Sh., Ghonsooly, B., & Kamyabi, A. (2010). Designing and Validating home culture attachment questionnaire for students of foreign Languages and its application. *Ferdowsi Review*, 1(1), 49-76.
- Triandis, H. C. (1998). Vertical and horizontal individualism and collectivism: Theory and research implications for international comparative management. *Advances in International Comparative Management*, 12, 7-35.
- White, L. T., Valk, R., & Dialmy, A. (2011). What is the meaning of "on time"? The sociocultural nature of punctuality. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 42(3), 482-493.

A Feminist-Stylistic Analysis of Discourse and Power Relations in Gaskell's North and South Based on Searle's Theory of Speech Acts

Sara Khazai

Ph.D. Candidate of English Literature, Tehran University, Tehran ,Iran

Maryam Soltan Beyad¹

Associate Professor of English Literature, Tehran University, Tehran ,Iran

Mahmoud Reza Ghorban Sabbagh

Associate Professor of English Literature, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Received: 18 May 2016 Accepted: 26 October 2016

Extended abstract

1. INTRODUCTION

A feminist-stylistic research of the Nineteenth Century British novel *North and South* by Elizabeth Gaskell based on the theory of speech acts by John Searle (1969, 1975, 1979, 1983, 2002), reveals that despite the period's very strict codes of conduct and etiquette governing women's behavior and interactions with the opposite sex, they nevertheless found ways and means of manipulating language to control situations in an intelligent fashion and maintain power.

2. THEORETICAL FRAMEWORK

Speaking in a language, claims John Searle is a matter of performing "acts" with specific intentions governed by a number of rules (1975/2002: 4). Searle classifies speech acts into the five different groups of assertives, directives, commissives, expressives, and declaratives (1975/2002). He also discusses indirect speech acts, actual perlocutionary force/effect, directions of fit between language and reality and illocutionary dimensions. Furthermore, Norman Fairclough (1989) posits that discursive practices are ideologically shaped by struggles over power. He notes the various types of power struggles that can occur within class or social groupings such as between men, women, and ethnic minorities, or between the dominated and the dominating and considers such power struggles as 'necessary and inherent' in the social system. On the other hand, feminist stylisticians such as Deborah Tannen (1994), have introduced diverse points of view regarding the question of female identity and gender power relationships forged through social interaction. Tannen

¹ Corresponding Author: msbeyad@ut.ac.ir

(1994) asserts that ways of talking are a matter not of identity but of display and that behavior is not a reflection of the individual's nature (identity) but rather of some performance that s/he is presenting (display).

3. METHODOLOGY

This article starts off with the hypothesis that a number of Victorian British novels showcase young and independent heroines who engage in constant battles of wit and misunderstandings with mature and reasonable male characters and apparently end up realizing the error of their ways through the course of the novel. Instead of treating women and men as an internally homogeneous group, an analysis of dialogues in novels focuses on specificity; that is, it looks at particular women and men in certain settings with their own detailed interactions, identity categories and power relations. A study of selected conversational exchanges between the main protagonists of Gaskell's *North and South* (1855) here, using Searle's theory of speech acts (1975), leads to some generalizations about identity and power relations between the two protagonists which may fit Fairclough's (1989) and Tannen's (1994) aforementioned frameworks.

4. RESULTS & DISCUSSION

Margaret's speech acts initially contain numerous expressives to articulate her feelings and impressions, but in many cases they indirectly serve as assertives or directives that require a course of action on the part of the hearer and consequently have conditions of satisfaction in her trying to make a word to world direction of fit. Her speech acts are taken by Mr. Thornton not merely as reactions to situations, but as strong recommendations for reform which achieve the desired uptake as he applies many types of reform to his mills even when she has left Milton. The research shows that the female character actually creates an opacity (unclearness) of link between discourse and ideology, thus empowering herself and naturalizing her ideology for the male to make it seem common-sense.

5. CONCLUSIONS and SUGGESTIONS

At the conclusion of the novel, despite the female character's seeming submissiveness or shorter turns as compared to the male's, there can be seen a shift in the power relationship between them in her clever manipulation of him through insinuation and the use of speech acts as she creates her intended uptake many times and constantly achieves her desired perlocutionary effect. Her speech mannerisms are "a matter not of identity but of display" (as Deborah Tannen asserts, 1994: 198) and is in fact a 'performance'.

Key Words: Discourse analysis, *North & South*, John Searle, Speech acts, Feminist stylistics.

References (in Persian)

Gaskell, E. (2016). *North & South* (S. Khazai , Trans.). Mashhad, Iran: Gol Aftab.

References (in English)

- Austin, J. L. (1962). *How to do things with words*. Oxford: Oxford University Press.
- Bomarito, J., & Hunter, J.W. (2005). *Feminism in literature: A Gale critical companion*. Detroit: Thomson Gale.
- Fairclough, N. (1989). *Language and power*. London: Longman.
- Fairclough, N. (1995). *Critical discourse analysis. The critical study of language*. London: Longman Group Ltd.
- Fotion, N. (2000). John Searle. Teddington, UK: Acumen Publishing.
- Gaskell, E. (2012). *North and south*. Manchester: Northen Grove Publishing Project. (Original work published in 1854-55).
- Grewendorf, G., & Meggle, G. (Eds.). (2002). *Studies in linguistics and philosophy: Speech acts, mind, and social reality* (Vol.79). Netherlands: Springer. (Original work published in 1975).
- Levinson, S. C. (1983). *Pragmatics*. Cambridge, England: Cambridge University Press.
- Reid, T. (1895). The works of Thomas Reid. Sir William Hamilton (Ed.). London: Longmans.
- Reinach, A. (1983). The apriori foundations of the civil law. *Aletheia* 3, 31-142. Irving, Texas: The International Academy of Philosophy Press.
- Rust, J. (2009). *John Searle*. Cornwall: Continuum International Publishing Group.
- Sbisà, M. (1992). Speech acts, effects and responses. In J. Searle et al. (Eds.), (*On Searle on conversation* (pp.101-111). Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins.
- Searle, J. (1979). *Expression and meaning: Studies in the theory of speech acts*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Searle, J. R. (1969). *Speech acts: An essay in the philosophy of language*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Searle, J.R. (1975). Indirect speech acts. In P. Cole & J.L. Morgan (Eds.), *Syntax and semantics* 3 (pp.59–82). New York: Academic Press.
- Tannen, D. (1994). *Talking from 9 to 5: Women and men in the workplace: Language, sex and power*. New York: Avon.
- Tannen, D. (1996). *Gender and discourse*. New York: Oxford University Press.

The Theme of “Existence and Existentialism” in the Characters of Jean-Marie Gustav Le Clézio

Vahid Nejad Mohammad¹

Assistant Professor French Literature, University of Tabriz, Tabriz, Iran

Received: 18 April 2016 Accepted: 24 August 2016

Extended Abstract

1. Introduction

The twentieth century has witnessed a very close relationship between philosophy and literary creations and scope of human imagination and writing. The search for the truth is the search for the reasons of the events and identification of the tangible and intangible world. This kind of search refers to the asking questions about the life and awareness and these factors related the philosophy to the literature, imaginary and artistic achievements. The human describes its situation with its particular field of creation and every human being has its own interpretations and inferential concerning with various life status. This study investigates the philosophical elements of existentialistic constructs of Le Clézio, the contemporary French writer and it justifies the reactions and behaviors of his fictional and real characteristic. This study also seeks to find out the answer to the biological and social crises in mid of twentieth century and in the field of realistic writing.

2. Methodology

The method of this study is qualitative and the design of the study is historical research and content analysis. Historical research analyzes the documents and artifacts to gain insight into the past events and the content analysis focuses on the analyzing and interpreting the recorded material to learn about human behavior.

3. Discussion

Sartre's existentialism attempted to define the human behavior and its reactions by resorting to the awareness of subject and the discovery of human nature. Sartre have transformed the language into the sign in his philosophy and he explicated the events about the human. As the Husserl's orientation in the phenomenology is ideal, Le Clézio's approach also shaped its phenomenology by showing the intentional subjects and the subjects interrupted their association with the past due to the understanding of their world. The characters such as Ethel, Mondo, Alexi engendered their own situation. The nature of existence in the world stems from the

¹ Corresponding Author: nejad_mohammad@yahoo.com

quality of his specialized life or from his existence. The "other" is an original design in Le Clézio's approach. The "other" is an entity which reveals itself. Having shown the writer and work commitment, Le Clézio could base his philosophy on the social notion of autobiographic and imaginary characteristic. The attitude towards the existence, in Le Clézio's perspective, refers to the return to oneself or self-scrutiny in the words of Socrates

4. Conclusion

Le Clézio's stories primarily focused on the objectives of phenomenology and existentialism and these stories try to associate the objective and tangible reality with the imaginations and they try to fertilize and make sense their actions with their freedom. In other words, the existentialism of Le Clézio is the humanism of Sartre and it has been in the field of biological philosophy. The selection and the design of characters have enriched the per-se and they define the surrounding world with the changing of themselves.

Keywords: Literature, Sartre, Existentialism, Gustav Le Clézio, Characters.

Reference

- Adam, J. M. (1994). *Le texte narratif*. Paris: Nathan.
- Amar, R. (1994). *Les structures de la solitude dans l'œuvre de J. M. G. Le Clézio*, Paris: Publisud.
- Bakhtine, M. (1970). *La Poétique de Dostoïevski*. Paris: Seuil.
- Bakhtine, M. (1978). *Esthétique et théorie du roman*. Paris: Gallimard.
- Fontaine, Ph. (1999). *La question d'autrui*. Paris: Ellipses.
- Heidegger, M. (1985). *Être et temps*, translated by Emmanuel Martineau, Paris: Authentica.
- Husserl, E. (1950). *Idées directrices pour une phénoménologie pure et une philosophie phénoménologique*, Paris: Gallimard.
- Le Clézio, J. M. G. (1969). *Le livre des fuites*. Paris: Gallimard.
- Le Clézio, J. M. G. (1973). "L'Envouté", in *Les Cahiers du Chemin*.
- Le Clézio, J. M. G. (1978). *Mondo et autres histoires*. Paris: Gallimard.
- Le Clézio, J. M. G. (1980). *Désert*. Paris: Gallimard.
- Le Clézio, J. M. G. (1985). *Le chercheur d'or*. Paris: Gallimard.
- Sartre, J. P. (1976). *L'Être et le néant*. Paris: Gallimard.
- Sartre, J. P. (1996). *Existentialisme est un humanisme*. Paris: Gallimard (Folio).
- Sartre, J. P. (2005). *Situations philosophiques*. Paris: Gallimard (Folio).

The Process and Features of Fansubtitling in Iran

Masood Khoshsaligheh¹

**Assistant Professor in Translation Studies, Ferdowsi University of Mashhad,
Mashhad, Iran**

Elham Fazeli Haghpanah

MA Student in English Translation, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Received: 22 May 2016 Accepted: 20 September 2016

Extended Abstract

1. Introduction

The current advancement of technology has significantly influenced various fields such as audiovisual translation. The emergence of fansub groups is among the most important effects of technological development in the translation world. Easy access to various types of computers as well as free subtitling software programs have resulted in an increasing number of fansubs on a daily basis. A *fansub* is a non-professional subtitled version of an anime or movie, carried out collaboratively by an unpaid group of volunteers which will be available to users for free. Several reasons have been mentioned for fansubbing such as: providing translation for people who are not familiar with the source language, reluctance or failure regarding the official and commercial subtitling in portraying cultural issues and unique features of foreign products and also, introducing a cultural product that is not so well-known in other parts of the world. Primary studies in this field have been conducted during the late 1990s; over time, the number of such studies have been increased and their various aspects have been discussed. A number of studies have been conducted during the first decade of the current century, introducing specific features concerning this type of audiovisual translation and explaining the process, people involved, and technical requirements. Furthermore, some researchers have studied fansub from different perspectives such as: its distribution, comparison between the processes involved in fansubbing and professional subtitling, quality of translation, fansubbing norms, and political subtitling networks.

1 Corresponding Author: khoshsaligheh@um.ac.ir

2. Method

The process of producing fansub for anime and other forms of animations, common challenges, and the applied equipment and facilities in Iran have been investigated in this qualitative phenomenological study. To achieve this purpose, a few number of active users in fansubbing field were selected through the snowball sampling technique. By conducting interviews, a set of descriptive information have been gathered regarding technical dimensions of the production process such as timing, typesetting, encoding, among others. The interviews, consisting of almost 20 questions (general and specialized), were conducted individually through either face-to-face or telephone conversations. The seven participants were anime fansubbers in Iranian online forums who took on different responsibilities such as anime translation, editing, timing. Their educational backgrounds were very different from each other and often irrelevant to translation. Their ages ranged from 18 to 30 years with an average of 23.7 years old. These seven participants including three men and four women, have been working in this field for 7 to 10 years. Moreover, using a sample selection of products with non-professional Persian subtitles, some of the mistakes in translations were presented and discussed.

3. Results

Based on the results of interviews, fansubbers carry out this process through several steps using various software and hardware equipment. These steps include: 1) original anime acquisition, 2) translation, 3) translation check, 4) timing, 5) typesetting and karaoke, 6) final edit 7) encoding, 8) quality control and 9) distribution of final product. Active fansubbers are usually members of the anime and manga fandom who are quite skilled in working with different software programs. Iranian fansubbers' motivation is to provide top anime masterpieces with Persian subtitles for Persian speakers as soon as possible. In the past, due to the low age range of anime and manga fans, their activities in producing fansubs had also started in an early age; they have been studying in middle school or high school when they began their activities. During the last few years, growth in the age range of anime and manga fans has resulted in older fansubbers working in this field who often study different majors in universities. The majority of active fansubbers in translation and editing sections are older than those active in technical and software related areas. Various software programs are used for different parts of fansubbing process; some are more popular and more useful: a) original anime acquisition: a peer to peer program like *Bittorrent* or direct link; b) translation: a text editor such as *Notepad* or *Microsoft Word* and a video player software like *KMPlayer* is sufficient; c) timing: *Sub Station Alpha* has been mostly used in the past but currently, *Aegisub*, *JacoSub* and *Sabbu* are also widely used. However, it is worth mentioning that the timing stage is no longer necessary, because many official companies release English subtitles in softsub format for anime series; d) typesetting and karaoke: *Aegisub* software has all the requirements for typesetting. Though *Sub Station Alpha* also meets all of typesetters' needs; e) final edit: Similar

to the translation stage, a text editor and a video player software are needed; f) encoding: softwares such as *Format Factory*, *Freemake Video Converter* and *Virtual Dub*; g) distribution of final product: softwares like *Bittorent*.

4. Discussion and Conclusion

The results of this study reveal the non-professional dimensions of fansubbing process as a voluntary and collaborative activity and indicate that fansubbers are only involved in such a process because of personal interests. They do not have educational backgrounds in fansubbing field and their only intention is to translate their favorite works of anime for their Persian speaking friends who are not familiar with a foreign language. Fansubbers do not expect to make money from this profession and if someone were to do so by selling these products, the fansub community would regard such actions as improper and inappropriate. Due to the non-professional nature of producing this form of subtitling, the products' quality are often too low and far from professional subtitling standards. Fansubbers usually decide to quit the fansubbing scene after a while; because fansubbing is a complicated and time-consuming task. Furthermore, fansub groups work for free and hence, the activity is not economically viable. However, we have to consider the fact that there is a wide range of audio visual productions including anime, animations, movies, TV series and even educational films with Persian fansub accessible for native Persian speakers. Certainly, Fansub is not a new phenomenon and has a long history in the world; it has been studied extensively in other countries yet in Iran, it seems to have passed unnoticed by our scholars and only a few have studied in this field.

Keywords: audiovisual translation, subtitling, non-professional translation, fansub, Anime.

References

- Ameri, S., & Ghazizadeh, K. (2015). A norm-based analysis of swearing rendition in professional dubbing and non-professional subtitling from English into Persian. *Iranian Journal of Research in English Language Teaching*, 1(4), 78-96.
- Antonini, R., & Bucaria, C. (2016). NPIT in the media: An overview of the field and main issues. In R. Antonini & C. Bucaria (Eds.), *Non-professional interpreting and translation in the media* (pp. 7-20). Wien, Austria: Peterlang.
- Baker, M. (2016). The prefigurative politics of translation in place-based movements of protest. *The Translator*, 22(1), 1-21.
- Banks, J., & Deuze, M. (2009). Co-creative labour. *International Journal of Cultural Studies*, 12(5), 419-431.
- Bogucki, Ł. (2009). Amateur subtitling on the internet. In J. Diaz-Cintas & G. Anderman (Eds.), *Audiovisual translation: Language transfer on screen* (pp. 49-57). Basingstoke, England: Palgrave Macmillan.

- Bogucki, Ł. (2016). *Areas and methods of audiovisual translation research* (2nd ed.). Frankfurt, Germany: Peter Lang.
- Bold, B. (2011). The power of fan communities: An overview of fansubbing in Brazil. *Tradução em Revista*, 11(2), 1-19.
- Caffrey, C. (2008). Viewer perception of visual nonverbal cues in subtitled TV Anime. *European Journal of English Studies*, 12(2), 163-178.
- Chaume, F. (2004). Synchronization in dubbing: A translational approach. In P. Orero (Ed.), *Topics in audiovisual translation* (pp. 35-52). Amsterdam, The Netherlands: John Benjamins.
- Diaz-Cintas, J. (2010). Subtitling. In Y. Gambier & L. V. Doorslaer (Eds.), *Handbook of translation studies* (Vol. 1, pp. 344-349). Amsterdam, The Netherlands: John Benjamins.
- Diaz-Cintas, J., & Muñoz Sánchez, P. (2006). Fansubs: Audiovisual translation in an amateur environment. *Jostrans: The Journal of Specialised Translation*, 6, 37-52.
- Diaz-Cintas, J., & Remael, A. (2007). *Audiovisual translation: Subtitling*. Abingdon, England: Routledge.
- Dörnyei, Z. (2007). *Research methods in applied linguistics*. London, England: Oxford University Press.
- Gambier, Y. (2013). The position of audiovisual translation studies. In C. Millán & F. Bartrina (Eds.), *The routledge handbook of translation studies* (pp. 45-59). Abingdon, England: Routledge.
- Gambier, Y. (2014). Changing landscape in translation. *International Journal of Society, Culture & Language*, 2(2), 1-12.
- Gentzler, E. (2014). Translation studies: Pre-discipline, discipline, interdiscipline, and post-discipline. *International Journal of Society, Culture & Language*, 2(2), 13-24.
- Khoshsaligheh, M., Mehdizadkhani, M., & Ameri, S. (2016, June). *Through the Iranian fansubbing glass: Insights into taboo language rendition into Persian*. Paper presented at the Audiovisual Translation: Dubbing and Subtitling in the Central European Context, Nitra, Slovakia.
- Kuhn, A., & Westwell, G. (2012). *Oxford dictionary of film studies*. Oxford, England: Oxford University Press.
- Leonard, S. (2005). Progress against the law: Anime and fandom, with the key to the globalization of culture. *International Journal of Cultural Studies*, 8(3), 281-305.
- Massidda, S. (2015). *Audiovisual translation in the digital age: The Italian fansubbing phenomenon*. Basingstoke, England: Palgrave Macmillan.
- Nergaard, S., & Arduini, S. (2011). Translation: A new paradigm. *Translation: An Interdisciplinary Journal*, 1(Inaugural Issue), 8-17.
- Nord, C., Khoshsaligheh, M., & Ameri, S. (2015). Socio-cultural and technical issues in non-expert dubbing: A case study. *International Journal of Society, Culture & Language*, 3(1), 1-16.
- Nornes, A. M. (1999). For an abusive subtitling. *Film Quarterly*, 52(3), 17-34.

- Nornes, A. M. (2007). *Cinema babel: Translating global cinema*. Minneapolis, MP: University of Minnesota Press.
- O'Hagan, M. (2009). Evolution of user-generated translation: Fansubs, translation hacking and crowdsourcing. *The Journal of Internationalisation and Localisation*, 1(1), 94-121.
- O'Hagan, M. (2008). Fan translation networks: An accidental translator training environment? In J. Kearns (Ed.), *Translator and interpreter training: Methods and debates* (pp. 158-183). London: Continuum.
- Orrego-Carmona, D. (2015). *The reception of (non) professional subtitling* (Unpublished doctoral dissertation). Universitat Rovira i Virgili Tarragona, Spain.
- Parini, I. (2012). Censorship of anime in Italian distribution. *Meta*, 57(2), 325-337.
- Pérez-González, L. (2007a). Fansubbing anime: Insights into the butterfly effect of globalisation on audiovisual translation. *Perspectives: Studies in Translatology*, 14(4), 260-277.
- Pérez-González, L. (2007b). Intervention in new amateur subtitling cultures: A multimodal account. *Linguistica Antverpiensia*, 6, 67-80 .
- Pérez-González, L. (2012a). Amateur subtitling and the pragmatics of spectatorial subjectivity. *Language and Intercultural Communication*, 12(4), 335-352.
- Pérez-González, L. (2012b). Amateur subtitling as immaterial labour in digital media culture: An emerging paradigm of civic engagement. *Convergence: The International Journal of Research into New Media Technologies*, 19(2), 157-175.
- Pérez-González, L. (2012c). Co-creational subtitling in the digital media: Transformative and authorial practices. *International Journal of Cultural Studies*, 16(1), 3-21.

Understanding the Cognitive Processes Underlying Performance in the IELTS Listening Comprehension Test

Purya Baghaei Moghaddam

Associate Professor of English Department, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran

Zahra Zohoorian

Assistant Professor of English Department, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran

Mohammad Ghahramanlou

MSc of Teaching , Imam Reza International University , Mashhad, Iran

Received: 21 April 2016 Accepted: 15 September 2016

Extended Abstract

1. Introduction

There is a consensus among listening researchers that listening comprehension includes a variety of subskills; though there is not yet a general agreement on their precise nature or exact number (Buck & Tatsuoka, 1998). Thus, it should be possible to define listening as complex skill operations which involve a number of subskills or constituent elements (Goh & Aryadoust, 2014). Psycholinguists have suggested several taxonomies and classifications based on theoretical speculation. One of the initial taxonomies was based on a two-stage process of extracting basic linguistic information and utilizing the information for a communicative purpose. In a study, Rost (1990) identified a set of macro and micro comprehension features for listening comprehension. Rost (2002) proposed the subskills related to perception, interpretation, and information transfer, arguing that there are some overlapping or parallel orientations. However, apart from this parallel model, other psycholinguists preferred to conceptualize the hierarchical model. In such a model, the underlying processes are conceived at various levels that are built on each other either from top to bottom or from bottom to top (Clark & Clark, 1977). Yet, other researchers mention the interactive model in which various levels interact simultaneously where general knowledge, contextual expectations, and predictions play a focal role (Rost, 1990).

2. Methodology

A sample IELTS listening test was administered to 300 undergraduate and graduate English students to elicit the data needed for the study. The test consisted of 40 items in four different sections. Furthermore, the following taxonomy of listening comprehension was proposed: (1) using syntactic knowledge, (2) using semantic

knowledge, (3) understanding details and explicit information, (4) understanding reduced forms, (5) keeping up with the pace of the speaker, and (6) making inferences (Goh & Aryadoust, 2014). That is, it was assumed that these subskills underlie listening comprehension. The test items were examined by four experts in the field to build the Q-matrix involving the cognitive operations at work for each item. The data were analyzed using linear logistic test model (Fischer, 1973).

3. Discussion

In the present study, we aimed at finding the cognitive operations or subskills underlying listening comprehension in English as a foreign language. Findings showed that 'Keeping up with the pace of the speaker' was the hardest operation; that is, students found it very difficult to process the constant flow of words produced by the speaker when they were delivered with a fast pace.

'Understanding reduced forms' closely followed the 'keeping up with the pace' operation. Due to the discrepancy between the spoken form of English and its written form, understanding what the complete form of the word is, seems to be a demanding task for foreign language learners of English.

The third most challenging operation was 'inference making'. Students are required, in some stages of listening, to relate some pieces of information to either the previously stated information or their background knowledge or information outside the text. In some cases, they make an inference by referring to a previously mentioned piece of information in the text or they might be expected to make a prediction based on the preceding elements of the text.

The fourth place belongs to 'understanding details and explicit information'. It is the ability to find small pieces of information directly stated in the text, including names, numbers, etc. 'Using syntactic knowledge' stood in the fifth place. The easiest operation is using semantic knowledge. It seems that upper intermediate and advanced students of English do not seem to have major problems in dealing with the meaning of the words.

4. Conclusion

The concept of subskills (a set of cognitive abilities or processes that learners need to master and activate to perform on language tasks and communicate successfully) play an important role in the assessment and teaching of foreign language skills. Accordingly, the focus of teaching methods and curricula have largely been on the development of these subskills as applied linguists started to propose lists and taxonomies of subskills to aid language teachers and material developers in fostering the subskills (Munby, 1983; Richards, 1983). However, the psychological reality of these subskills, their independent existence, and discriminability, which altogether boil down to their empirical verifiability has always been a question. Correlational research including regression analysis and exploratory and confirmatory factor analysis have yielded contradictory results.

Dearth of research regarding the underlying cognitive operations of listening was the driving force for conducting this study. The findings indicate that 72% of the variance in item difficulty can be explained by the six operations studied. Well-designed prospective studies may ultimately shed light on the other operations that explain the remaining 28% of variance in IELTS listening item difficulties. Apart from the operations, the test format is another influential factor. The next step would be to study the impact of test formats on the students' performance.

Keywords: listening comprehension, subskills, validity.

References

- Buck, G., & Tatsuoka, K. (1998). Application of the rule-space procedure to language testing: Examining attributes of a free response listening test. *Language Testing*, 15, 119–157.
- Fischer, G. H. (1973). The linear logistic test model as an instrument in educational research. *Acta Psychologica*, 37, 359-374.
- Goh, C. C. M., & Aryadoust, V. (2014). Examining the notion of listening subskill divisibility and its implications for second language listening. *International Journal of Listening*, 28, 1-25.
- Munby, J. (1983). *Communicative syllabus design*. Cambridge: CUP.
- Richards, J. C. (1983). Listening comprehension: Approach, design, procedure. *TESOL Quarterly*, 17, 219-240.
- Rost, M. (1990). *Listening in language learning*. London: Longman.
- Rost, M. (2002). *Teaching and researching listening*. London: Longman.

A Critique on the Translation of an Entry in Encyclopedia Iranica

Mostafa Hosseini¹

Assistant Professor of English Literature, Bu-Ali Sina University, Hamadan, Iran

Received: 13 April 2016 Accepted: 13 September 2016

Extended Abstract

1. Introduction

Undoubtedly Omar Khayyam is the most famous Persian poet in the West. His fame, on the one hand, rests upon his aphoristic and epigrammatic poems involving universal and enduring themes and subjects which are written in concise and rhythmic forms. On the other hand, Edward FitzGerald's (1809- 1883), the Victorian English poet-translator, masterly and poetic rendering made them on every tongue. No doubt Omar Khayyam had the greatest impact on literature and society in English speaking countries. Omar's poems, through FitzGerald's adaptation, borrowing John Dryden term, gradually traversed the western literatures and societies. Perhaps Omar Khayyam, as an "other", provided a mirror through which the West saw itself. According to Charles Eliot Norton (1869) the poem "reads like the latest and freshest expression of the perplexity and of the doubt of the generation to which we ourselves belong (567)."

2. Discussion

The present paper tries to analyze the Persian translation of one of *Encyclopedia Iranica* entries. To do so, the present author has tried to discuss it through the prism of fluency, fidelity, and exactness. This entry, which is written by Jos Biegstraaten, is entitled "Omar Khayyam: The Impact on Literature and Society in the West". This entry has been translated by Mostafa Sedaghat- Rustami and has been published by a monthly magazine named *Golestane* (June, 2014, 131, 67-69). Jos Biegstraaten (2015) wrote this essay, on the request of Professor Ehsan Yarshater, editor in cheif, for *Encyclopedia Iranica*. This papers deals with the impact of Rubiyat of Omar Khayyam on literature and society in the West, that is to say, in England, America, France, Germany, and Netherlands. According to Biegstraaten, his influence in the late nineteenth and early twentieth century was vast and tremendous. Although, these days, its fame has declined slightly, it is still one of the most popular poems in the English language. Omar's poem has inspired freethinkers, pictorial artists, composers, and poets all over the world.

Jos Biegstraaten, one of the brilliant Omar-scholar in Netherlands and the head of The Dutch Omar Khayyám Society, has authored some scholarly and path breaking

¹ Corresponding Author: mhoseini@basu.ac.ir

books and papers on Omar and Fitzgerald poem. Some of his seminal papers are as follows: a) "Omar with a smile", (Biegstraaten, 2005); b) "Omar Khayyam: Impact on Literature and Society in the West", (Encyclopedia Iranica, 2008); c) "How Umar Khayyám Inspired Dutch Visual Artists", (Seyyed-Ghorab, 2012). Entry-writing is a difficult and laborious task. It requires special training and can't be done by everyone. Interesting to say, in some languages there is a separate word, encyclopedist, for someone who is an expert in it. In the same way, the translation of an encyclopedic entry entails some qualifications and is a hard nut to crack. First, one must have a good command of the source and target languages. Second, one must have a flair for writing. Third, one must be familiar with the area which is translating. Therefore, translating Iranological texts is not an exception, and cannot be done by someone who does not know the basics of this area.

Unfortunately, this translation is full of errors and mistakes. I'll mention some of the seminal ones. For example, many proper nouns are mispronounced and misspelled, some of the titles have been left untranslated, and some of the sentences are misunderstood and then mistranslated. The present author has tried to find and categorize them under seven separate titles: **1)** mispronunciation and misspelling of French nouns (six items), **2)** mispronunciation and misspelling of German nouns (nine items), **3)** mispronunciation and misspelling of English nouns (seven items), **4)** mispronunciation and misspelling of Dutch nouns (two items), **5)** Untranslated titles (three items), **6)** mistranslated titles (seven items), and **7)** incorrect translation of some sentences (five items). Also, after each section some suggestions and explanations are added. It is worth noting that the last part (that is to say, part 7) does not encompass all the cases. To name only a few, just some of them are included. Also, in this part at first the English text then the Persian translation and finally the suggested translation are added. It must be born in mind that the suggested translation is not at all the final translation of the sentences.

3. Conclusion

In short, translation is an important task, and mastering it needs time and effort. The practitioners of this laborious job must be patient and assiduous. Needless to say, cursory translations are misleading, mostly for the young readers, and can lead them astray.

Key words: Iranica, translation, Omar Khayyam, Jos Biegstraaten, Mostafa Sedaghat- Rustami.

References

- Aminrazavi, M. (2005). *The wine of wisdom: the life, poetry and philosophy of Omar Khayyam*. Oxford: Oneworld Publications.
- Aminrazavi, M. (2008). *The wine of wisdom: the life, poetry and philosophy of Omar Khayyam*. (M. Kevani, Trans.) Tehran: Sokhan Publications.

- Arberry, A. J. (1959). *The romance of the Rubaiyat*. New York: The Macmillan Company.
- Biegstraaten, J. (2015). "Omar Khayyam's Impact on Literature and Society in the West" *Encyclopædia Iranica* online edition, 2008, available at < <http://www.iranicaonline.org/articles/khayyam-xi>.> (accessed on 26 Jun. 2015).
- Dehbashi, A. (2009). "The report of Omar Khayyam's conference", *Bokhara*, 71, 317-351.
- Haddadi, M. (2010). "Joseph von Hammer-Purgstall". In B. Namvarmotlagh (Ed.), *the mirror of water* (pp. 39-53). Tehran: Hamshahri Publications.
- Haddadi, M. (2010). *The meeting of west and east: Goethe's Divan through intercultural studies*. Tehran: Shahid Beheshti University Press.
- Hosseini, M. (2015). "Persian poetry in England and America: A two hundred year history", *Comparative Literature (Persian Academy)*, 12, 250- 258.
- Minovi, M. (2004). *Fifteen discourses*. 5th ed. Tehran: Tus Publications.
- Mirafzali, A. (2002). "The French translation of 100 quatrains ascribed to Omar", *Nashr Danesh*, 2, 54-56.
- Norton, C. E. (1869). "Les quatrains de Khèyam, traduits du persan by J. B. Nicolas; and Rubáiyát of Omar Khayyám, the astronomer-poet of Persia." *The North American Review*, 109. , 565-584.
- Sajedi, T. (2007). "The life and works of Joseph von Hammer-Purgstall", *Name Farhangestan*, 33, 149- 157.
- Seyed-Gohrab, A. (Ed.) (2012). *The great Umar Khayyam: A global reception of the Rubáiyát*, Leiden: Leiden University Press.

**Journal of
Language and Translation Studies**
Vol. 49, No. 2, Summer 2016, Serial Number 28

TABLE OF CONTENTS	Pages
English Language Teachers' and Learners' Conceptions about the Role of Time in Iran's Education and Culture Elham Naji Meidani Reza Pishghadam Behzad Ghonsooly Azar Hosseini Fatemi	1
A Feminist-Stylistic Analysis of Discourse and Power Relations in Gaskell's North and South Based on Searle's Theory of Speech Acts Sara Khazai Maryam Soltan Beyad Mahmoud Reza Ghorban Sabbagh	7
The Theme of "Existence and Existentialism" in the Characters of Jean-Marie Gustav Le Clézio Vahid Nejad Mohammad	11
The Process and Features of Fansubtitling in Iran Masood Khoshsaligheh Elham Fazeli Haghpanah	13
Understanding the Cognitive Processes Underlying Performance in the IELTS Listening Comprehension Test Purya Baghaei Moghaddam Zahra Zohoorian Mohammad Ghahramanlou	19
A Critique on the Translation of an Entry in Encyclopedia Iranica Mostafa Hosseini	23

برگ درخواست اشتراک
فصلنامه مطالعات زبان و ترجمه
دانشگاه فردوسی مشهد

- ۱- برای اشتراک یکساله مبلغ ۸۰۰۰۰ ریال به حساب شماره ۴۲۵۲۹۹۶۳۸ عواید اختصاصی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد نزد بانک تجارت شعبه دانشگاه مشهد (کد با نک تجارت : ۴۲۵۱) واریز کنید.
- ۲- در صورت تمایل به دریافت شماره های مربوط به سال های قبل با ما مکاتبه و یا با شماره تلفن (۰۵۱۳۸۸۰۶۷۲۳) تماس بگیرید.

نام:	نام خانوادگی:	مؤسسه:
شغل:	میزان تحصیلات:	سن:
نشانی:		
کد پستی:	صندوق پستی:	
نمابر:	شماره تلفن:	email:



**Journal of
Language and Translation Studies**

A refereed quarterly journal

**Vol. 49, No. 2, Summer 2016,
Serial Number 28**

License Holder:

Ferdowsi University of Mashhad

General Director:

Dr. Hossein Fatemi

Editor-in-chief:

Dr. Behzad Ghonsooly

Executive Manager:

Dr. Mohammad Reza Hashemi

Editorial Board:

Dr. Nader Jahangiri

Professor, Ferdowsi University of Mashhad (Retired)

Dr. Firooz Sadighi

Professor, Shiraz University (Retired)

Dr. Mas'ood Rahimpour

Professor, University of Tabriz

Dr. Behzad Ghonsooly

Professor, Ferdowsi University of Mashhad

Dr. Azar Hosseini Fatemi

Associate Professor, Ferdowsi University of Mashhad

Dr. Ali Khazaei Farid

Associate Professor, Ferdowsi University of Mashhad

Dr. Farideh Pourgivi

Professor, Shiraz University

Dr. Abdolmahdi Riazi

Associate Professor, Macquarie University

Dr. Reza Pishghadam

Professor, Ferdowsi University of Mashhad

Dr. Farzaneh Farahzad

Associate Professor, Allameh Tabatabaee University

Dr. Majid Hayati

Professor, Shahid Chamran University,
Ahvaz

Dr. Ali Reza Jalilifar

Professor, Shahid Chamran University,
Ahvaz

Dr. Bahram Toosi

Associate Professor, Ferdowsi University
of Mashhad
(Retired)

Persian Editor:

Abdullah Nowruzy

English Editor:

Masoud Mahmoodzadeh

Coordinator:

Marziyeh Dehghan

Typesetting:

Elahe Tajvidi

Printing & Binding:

Ferdowsi University Press

Circulation: 30 copies

Price: 20000 Rials (Iran)

Mailing Address:

Faculty of Letters & Humanities,
Ferdowsi University Campus,
Azadi Sq,
Mashhad, Iran

Postal code: 9177948883

Tel: (+98 51) 38806723

Fax: (+98 51) 38794144



The Journal of

Language and Translation Studies

- English Language Teachers' and Learners' Conceptions about the Role of Time in Iran's Education and Culture** 1
Elham Naji Meidani - Reza Pishghadam - Behzad Ghonsooly -Azar Hosseini Fatemi
- A Feminist-Stylistic Analysis of Discourse and Power Relations in Gaskell's North and South Based on Searle's Theory of Speech Acts**..... 7
Sara Khazai - Maryam Soltan Beyad - Mahmoud Reza Ghorban Sabbagh
- The Theme of "Existence and Existentialism" in the Characters of Jean-Marie Gustav Le Clézio** 11
Vahid Nejad Mohammad
- The Process and Features of Fansubtitling in Iran** 13
Masood Khoshsaligheh -Elham Fazeli Haghpahan
- Understanding the Cognitive Processes Underlying Performance in the IELTS Listening Comprehension Test** 19
Purya Baghaei Moghaddam -Zahra Zohoorian-Mohammad Ghahramanlou
- A Critique on the Translation of an Entry in Encyclopedia Iranica** 23
Mostafa Hosseini

ISSN: 2228-5202

**Vol. 49, No. 2, Summer 2016,
Serial Number 28**